



# سنن النبي (ص)

آداب، سنن و روش رفتاری  
پیامبر گرایی اسلام

علاءه سید محمد حسین طباطبائی



ترجمه: حسین استاد ولی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سنن النبی صلی اللہ علیہ و آله: آداب و سنن پیامبر (ص) - آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام

نویسنده:

محمد حسین طباطبایی

ناشر چاپی:

پیام آزادی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۱	سنن النبی صلی الله علیه و آله: آداب و سنت پیامبر (ص) - آداب، سنت و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	سخن مترجم
۱۳	مقدمه مؤلف
۱۴	۱ شمایل و کلیات اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۴	اشاره
۱۷	وضع داخلی آن حضرت
۱۸	وضع خارج از منزل پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۸	وضع مجلس آن حضرت
۱۹	اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵	۲ آداب معاشرت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵	اشاره
۳۰	ملحقات
۳۸	۳ آداب و سنت آن حضرت در نظافت و آرایش و مانند آن
۳۸	اشاره
۴۰	ملحقات
۴۲	۴ آداب و سنت آن حضرت در سفر و لواحق آن
۴۲	اشاره
۴۴	ملحقات
۴۵	۵ آداب و سنت آن حضرت در لباس
۴۵	اشاره
۴۸	ملحقات

۴۹	۶ آداب و سنن آن حضرت در مسکن
۴۹	اشاره
۴۹	ملحقات
۵۰	۷ آداب و سنن آن حضرت در خوابیدن و بستر خواب
۵۰	اشاره
۵۰	ملحقات
۵۲	۸ آداب و سنن آن حضرت در زناشویی و تربیت فرزند
۵۲	اشاره
۵۳	ملحقات
۵۵	۹ آداب و سنن آن حضرت در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و آداب سفره
۵۵	اشاره
۶۰	ملحقات
۶۳	۱۰ آداب و سنن آن حضرت در بیت الخلاء
۶۳	اشاره
۶۵	ملحقات
۶۵	۱۱ آداب و سنن آن حضرت در امور اموات
۶۵	اشاره
۶۷	ملحقات
۶۹	۱۲ آداب و سنن آن حضرت در معالجه و مداوا
۶۹	اشاره
۷۰	ملحقات
۷۱	۱۳ آداب و سنن آن حضرت در مسوک کردن
۷۱	اشاره
۷۱	ملحقات

۱۴ آداب و سنن آن حضرت در وضو	۷۲
اشاره	۷۲
ملحقات	۷۳
۱۵ آداب و سنن آن حضرت در غسل	۷۳
اشاره	۷۳
ملحقات	۷۴
۱۶ آداب و سنن آن حضرت در نماز	۷۴
اشاره	۷۴
ملحقات	۸۳
۱۷ آداب و سنن آن حضرت در روزه	۸۹
اشاره	۸۹
ملحقات	۹۱
۱۸ آداب و سنن آن حضرت در اعتکاف	۹۲
۱۹ آداب و سنن آن حضرت در صدقه دادن	۹۳
اشاره	۹۳
ملحقات	۹۳
۲۰ آداب و سنن آن حضرت در قرائت قرآن	۹۴
اشاره	۹۴
ملحقات	۹۵
۲۱ آداب و سنن آن حضرت در دعا و ذکر پاره‌ای از ادعیه و اذکار او	۹۶
اشاره	۹۶
دعای آن حضرت وقتی که در آینه نگاه می‌کرد	۹۶
دعای آن حضرت وقتی که بر مرکب سواری می‌نشست	۹۶
دعای آن حضرت در سفر هنگامی که شب فرا می‌رسید	۹۷

- ۹۷ دعای آن حضرت وقتی که لباس نو می‌پوشید
- ۹۸ دعای آن حضرت وقتی که از مجلسی برمی‌خاست
- ۹۸ دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به مسجد و خروج از آن
- ۹۸ دعای آن حضرت هنگامی که به بستر خواب می‌رفت
- ۹۹ دعای آن حضرت وقتی که سفره غذا را نزد او می‌نهادند
- ۹۹ دعای آن حضرت هنگامی که به سوی غذا دست می‌برد
- ۹۹ دعای آن حضرت هنگامی که سفره را برمی‌چیند
- ۱۰۰ دعای آن حضرت هنگام غذا خوردن و شیر نوشیدن
- ۱۰۰ دعای آن حضرت هنگامی که میوه تازه می‌دید
- ۱۰۰ دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به دستشویی
- ۱۰۱ دعای آن حضرت وقتی که به قبرستان می‌گذشت
- ۱۰۱ دعای آن حضرت در زیارت اهل قبور
- ۱۰۱ دعای آن حضرت چون از چیزی خوشحال می‌شد
- ۱۰۲ دعای آن حضرت وقت دیدن چیزی که آن را دوست می‌داشت
- ۱۰۲ ذکری که آن حضرت موقع شنیدن «اذان» می‌گفت
- ۱۰۲ ذکری که آن حضرت در رکعت آخر نماز مغرب می‌گفت
- ۱۰۲ ذکر و دعای آن حضرت در قنوت نماز وتر
- ۱۰۳ دعای آن حضرت موقع افطار
- ۱۰۳ دعای آن حضرت در تعقیب نماز
- ۱۰۳ دعای دیگر آن حضرت در تعقیب نماز
- ۱۰۴ دعای آن حضرت بعد از نافله صبح
- ۱۰۵ دعای آن حضرت در تعقیب نماز صبح
- ۱۰۵ ذکر آن حضرت بعد از نماز صبح
- ۱۰۵ دعای آن حضرت بعد از نماز ظهر

۱۰۶	دعای آن حضرت در سجده
۱۰۶	دعای آن حضرت آنگاه که می‌خواست از نماز باز گردد
۱۰۶	دعای آن حضرت بعد از هر نماز
۱۰۷	نماز و دعای آن حضرت در آغاز سال جدید
۱۰۷	دعای آن حضرت در شب نیمه ماه شعبان
۱۰۸	دعای آن حضرت موقع دیدن ماه نو
۱۰۸	دعای آن حضرت موقع دیدن هلال ماه رمضان
۱۰۸	ذکر آن حضرت در هر روز
۱۰۹	عمل دیگری از آن حضرت در شب نیمه شعبان
۱۱۰	ذکر آن حضرت در هر صبح و شام
۱۱۱	دعا و تعویذ آن حضرت برای سر درد
۱۱۱	دعا و تعویذ آن حضرت برای تب و سایر دردها
۱۱۱	دعا و تعویذ آن حضرت برای تب
۱۱۲	دعا و تعویذ آن حضرت برای دفع سحر
۱۱۲	دعا و تعویذی دیگر
۱۱۲	دعای آن حضرت موقع گرفتاری و غم
۱۱۳	دعای آن حضرت برای حفظ قرآن
۱۱۳	دعای آن حضرت برای محفوظ ماندن از شر دشمنان
۱۱۴	ملحقات
۱۱۴	اشاره
۱۱۵	دعای آن حضرت هنگام صبح
۱۱۵	تعویذ رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ
۱۱۶	تعویذ دیگر در گرفتاریها و در کلیه ناراحتیها و شداید
۱۱۶	دعای آن حضرت چون از امری محزون می‌گشت (دعای فرج)

۱۱۷	دعای آن حضرت موقع دیدن هلال
۱۱۷	ملحقات حج
۱۱۸	نوادر ملحقات
۱۱۹	ملحقات شمایل پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِہِ وَسَلَّمَ
۱۲۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## سنن النبی صلی اللہ علیہ و آله: آداب و سنن پیامبر (ص) - آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰.

عنوان قراردادی: سنن النبی صلی اللہ علیہ و آله. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: سنن النبی: آداب و سنن پیامبر (ص)/ تالیف محمد طباطبائی؛ ترجمه حسین استادولی.

وضعیت ویراست: [ویراست ۲]

مشخصات نشر: تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۳۰۲-۴۲۴-۵؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۹۰۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۱۲۰۰۰

ریال (چاپ دوازدهم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم)

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۱.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۳.

یادداشت: چاپ دوازدهم: مهر ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ سیزدهم: آبان ۱۳۸۵.

یادداشت: عنوان روی جلد: سنن النبی (ص): آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- احادیث -- احادیث

**Muhammad, Prophet — Hadiths**

موضوع: سنت نبوی

موضوع: مستحب (فقه)

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افروده: استادولی، حسین، ۱۳۳۱ -، مترجم

رده بندی کنگره: BP۲۴/۴۶ / ط ۲ س ۹۰۴۱ / ۱۳۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۱۴۸۸۳-۷۹

### سخن مترجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشر در زندگی خود همواره به یک سلسله آداب و رسوم پاییند بوده و شیوه‌ای را برای خویش برگزیده و زندگی خود را بر اساس همین آداب و رسوم ادامه می‌دهد، خواه آنها را خود اختراع کرده و یا از دیگران اقتباس نموده باشد. اما از آن رو که انسان آفریده خداست، بی تردید بهترین برنامه برای کمال جسم و روح او برنامه‌ای است که از سوی خداوند تنظیم یافته باشد، و این برنامه در

آداب و رسوم پیامبران بزرگ خدا و اوصیای گرامی ایشان متجلی است، و کامل‌ترین آنها همان راه و روش پیامبر اسلام صلی اللہ علیه و آلہ است، چنان که در سوره مبارکه احزاب، آیه ۲۱، راه و روش آن حضرت، بهترین الگو و سرمشق زندگی برای هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد معرفی گردیده است.

از این رو، هر مسلمانی شائق است که از رفتار پیامبر خویش آگاه باشد.

می‌خواهد بداند سیمای پیامبر او چگونه بوده؛ آداب شخصی آن حضرت از قبیل خوردن و آشامیدن، خوابیدن و بیدار شدن، رفت و آمد، نشست و برخاست، نظافت، سفر، لباس و مسکن، معالجه و درمان و ...، و آداب عبادی ایشان مانند نماز و روزه، حج و صدقه، دعا و قرآن خواندن و ...، و آداب خانوادگی او همچون ازدواج، همسرداری و تربیت فرزند و ...، و آداب اجتماعی و معاشرت حضرتش با مردم و دوستان و یاران، و دهه آداب و

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸  
ستنی که آن بزرگوار رعایت می‌کرده، چه بوده است.

به همین دلیل گردآوری آنها از لابلای کتب اخبار و تاریخ و سیره، و نگارش کتاب در این زمینه بسیار ضروری می‌نماید، آن هم از سوی کسانی که با علم حدیث آشناشده و طریق استنباط احکام را به خوبی می‌دانند.

این کتاب باید دانست که آداب و سنن و رفتار و رسوم پیامبر گرامی صلی اللہ علیه و آلہ مجتمعه‌ای از اعمال واجب و مستحب است که قسمت اعظم فقه و اخلاق اسلام را تشکیل می‌دهد.

مرحوم آیه اللہ، استاد علامه طباطبائی (رضوان اللہ علیه) سالها قبل، به انگیزه استفاده عملی خود و دیگران، بخش مهمی از این آداب و سنن را در کتابی به نام سنن النبی صلی اللہ علیه و آلہ گردآورد. اهمیت این کتاب در آن است که به همت و دقت عالمی جامع، مجتهدی کامل و محدثی متبع تأليف یافته که می‌تواند رساله عملیه‌ای باشد برای همه کسانی که می‌خواهند به شیوه رسول خدا صلی اللہ علیه و آلہ زندگی کنند و برنامه آن حضرت را حتی المقدور دستور العمل زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار دهند.

پس از آنکه استاد علامه، این کتاب را برای ترجمه به دانشمند گرامی، آقای محمد هادی فقهی سپرد، مترجم گرانقدر هنگام ترجمه هر باب، به احادیث بسیار دیگری برخورد نمود که از اعتبار لازم نیز برخوردار بود و از قلم شریف علامه افتاده بود. لذا آنها را گردآوری نموده، از مؤلف اجازه گرفت و آنها را به عنوان ملحقات به اصل کتاب افزود و بدین وسیله کتاب را کامل ساخت. این کتاب با همه فحامت و اعتباری که دارد کمتر در دسترس علاقمندان قرار داشت، به همین جهت به پیشنهاد ناشر موفق و با سابقه اسلامی، مدیر محترم انتشارات پیام آزادی، به ترجمه آن اقدام شد. در این ترجمه، امور زیر انجام گرفته که لازم است خوانندگان گرامی در جریان آن قرار گیرند:

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹

۱) به جهت استفاده عموم از این کتاب، آوردن متن عربی روایات ضروری نمی‌نمود، لذا به ترجمه آنها اکتفا گردید.

۲) مؤلف گرامی نام منابع خود را ذکر نموده تا هم اعتبار کتاب محفوظ بماند و هم راه برای مراجعه محققان هموار باشد، اما در این ترجمه نام منابع حذف شد، زیرا اعتماد خوانندگان عزیز بر نوشتار مرحوم علامه است.

۳) یک مورد در اصل کتاب، و حدود ده- دوازده مورد در ملحقات یا عیناً تکراری بود و یا مضمون آنها تکرار شده بود که آنها حذف شد، ولی شماره‌ها در متن به جای نهاده شد تا برای کسانی که بخواهند به اصل عربی کتاب مراجعه کنند اشکالی پدید نیاید.

۴) تعداد ۲۳ روایت (۳۷۷- ۳۹۹) از ملحقات آداب دعا حذف شد، زیرا اولاً دعاهای آن حضرت منحصر به دعاهای مذکور نیست

و اگر بنا بر تبعیج باشد باید همه دعاها ذکر شود و گر نه همان اندازه که نقل شده کافی است و نقل این دعاها بر حجم کتاب می‌افزود و کتاب را به صورت کتاب دعا در می‌آورد. ثانیاً خود گردآورنده محترم نیز ترجمه آنها را ضروری ندیده و در چاپ خود به آن اقدام ننموده است.

۵) بیشتر بیانات مؤلف رحمة الله به پاورقی برده شده و با امضای مؤلف از سایر پاورقیها مشخص گردیده است.

۶) در این ترجمه، ترجمه قبل مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری موارد از الفاظ و تعبیر آنکه زیبا و رسا به نظر می‌رسید استفاده گردیده است.

همچنین اشکالاتی که در آن ترجمه رخ داده بود- و اندک هم نبود- بر طرف گردید. مثلاً در باب آداب معاشرت، روایت ۶۱ عبارت آن این است: و اذا جلس لم يحل حبوته حتى يقوم جليسه، و چنین ترجمه شده: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی می‌نشست تا او حضور داشت، حضرت لباس و زینت خود را از تن خارج نمی‌ساخت». در صورتی که معنای صحیح آن چنین است: «وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی می‌نشست تا او از مجلس بر نمی‌خاست آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰

آن حضرت هم بر نمی‌خاست و مجلس را ترک نمی‌کرد (چنان که وقتی حضرتش با کسی دست می‌داد تا طرف مقابل دست خود را نمی‌کشید آن حضرت دست خود را نمی‌کشید).»

در پایان، امید است نشر این کتاب، مردم عزیز کشور اسلامی و ایمانی ما را هر چه بیشتر با راه و روش و آداب و سنن پیامبر عظیم الشأن خود آشنا سازد تا بتوانند برنامه زندگی خویش را بر اساس آن تنظیم کنند و از این رهگذر جامعه‌ای آداب‌دان و متخلق به اخلاق الهی داشته باشیم.

حسین استاد ولی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱

(۱)

## مقدمه مؤلف

(۲) به نام خداوند بخشندۀ مهربان سپاس و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است، و سلام و درود بر سور و سالارمان محمد مصطفی، و همه خاندان پاکش باد.

این کتاب محصلول امکاناتی است که خدای سبحان در اختیار ما نهاد و فرصتی که به ما بخشید تا بتوانیم بخشی از روایاتی را که محدثان مسلمان از آداب و سنن سورمان رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند به اندازه‌ای که وقت اندک اجازه داده و دست کوتاه پژوهش بدان رسیده گرد آوریم، و از خدای سبحان می‌خواهیم که به فضل خویش ما را در عمل به بیش و کم و سخت و آسان و مهم و غیر مهم آن موفق بدارد.

خدای سبحان فرموده: لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة «1» «همانا برای شما در روش رسول خدا سرمشقی نیکوست». پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشات خود به علی علیه السلام فرمود: ... ششم آنکه از روش من در نماز و روزه و صدقه پیروی کنی.

علی علیه السلام فرمود: هر که به آداب الهی آراسته گردد، این کار او را به رستگاری

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۲

همیشگی می‌رساند.

(۱) امام صادق علیه السیلام فرمود: من برای فرد مسلمان خوش ندارم که بمیرد در حالی که هنوز برخی از آداب پیامبر صلی اللہ علیه و آله را به جایوارده باشد.

بی‌شک خو گرفتن با آداب پیامبر صلی اللہ علیه و آله و آراستگی به اخلاق و سنن ظاهری و باطنی آن حضرت، کمال نهایی و آخرین هدف زندگی است و سعادت دنیا و آخرت را به همراه دارد.

ما در این کتاب به ایراد مکروهات نپرداختیم، زیرا مذهب شیعه بر این پایه نهاده است که هیچ مکروه و مباحی از آن جهت که مکروه و مباح است از آن حضرت سر نزده [مگر آنکه آن عمل مکروه یا مباح به دلیل خاصی از این عنوان بیرون آمده باشد]، و عقل و نقل نیز گواه این مطلب‌اند.

و با خود شرط کردیم که به جهت رعایت اختصار، سند روایات را حذف کنیم، ولی نام کتابهایی را که از آنها نقل کردہ‌ایم و نام مؤلفان آنها را آورده و میان روایاتی که سند داشته و روایاتی که سند آنها مذکور نبوده فرق نهادیم تا کسی که جویای اصل آنهاست بتواند به آسانی به مدارک و منابع آنها مراجعه نماید «۱».

و نیز شمایل آن حضرت را- با اینکه از موضوع کتاب خارج است- آوردیم هم به جهت تبرک و تیمن و هم بدان جهت که ذکر بسیاری از اخلاق حضرتش در ضمن آنها نهفته است. همچنین وقایع جزئی را نیاوردیم و تنها به جوامع و کلیات اخلاق آن حضرت بسنده کردیم. و تنها خداست که باید از او یاری جست.

(۱) در ترجمه، به جهت اختصار و عدم فایده برای خوانندگان محترم پارسی زبان، نام مدارک نیز آورده نشد و طالبین می‌توانند به اصل عربی کتاب مراجعه فرمایند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۳

(۱)

## ۱ شمایل و کلیات اخلاق پیامبر صلی اللہ علیه و آله

### اشاره

(۲) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بسیار بزرگ و گرانقدر بود. در دیدگان عظیم و موخر می‌نمود و در دلها عزیز و گرامی بود. چهره مبارکش مانند ماه شب چهارده می‌تابید و درخشان و نورانی بود. رنگ چهره‌اش سفید مایل به سرخی بود. نه از لاغری در دیده‌ها حقیر می‌نمود، و نه از فربه‌ی انگشت‌نما بود. چهره‌ای سپید و نورانی، دیدگانی درشت و سیاه، ابروانی باریک و کمانی، جمجمه‌ای بزرگ و قامتی معتدل و میانه داشت.

پیشانی مبارکش بلند، و بینی اش باریک و کشیده بود. در سفیدی چشمانش اندکی سرخی دیده می‌شد. ایروانی پیوسته و گونه‌هایی صاف و هموار داشت.

مچ‌هایش درشت، ساقهای دستش بلند بود. مفصل شانه‌ها بزرگ و خود شانه‌ها پهن بود. کفهای دست و پایش کلفت و پر گوشت بود.

برآمدگی‌های دو طرف سینه‌اش مو نداشت، گودی کف پایش بیش از حد متعارف [...] مژه‌هایش بلند، محاسنش پر پشت و افتاده

و شاربیش پر پشت بود.

### آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴

موهای سفید چندی که در سر و رویش پیدا شده بود به واسطه خضاب، سبز به نظر می‌رسید. دهانش فراخ «۱» و شیرین، میان بینی اش بر آمد، دندانهاش سپید و از هم باز، و مویش آویخته بود، از میان سینه تا ناف خطی باریک از مو داشت. تمام اندامهاش معتدل بود. شکمش با سینه برابر بود، سینه‌اش پهن و گردنش در زیبایی چون بتی نگارین و به سپیدی نقره بود.

(۱) دستها و پاهایش کشیده، و ساقها و پاشنه‌هایش کم گوشت بود. چانه‌ای کوتاه و پیشانی بر آمد داشت. رانهاش خیلی کلفت نبود، لگن خاصره‌اش [مانند دلاوران] پهن بود، بندهاش قرص و محکم بود. نه بسیار بلند قد و بی‌قواره، و نه خیلی کوتاه و زننده بود. موی سرش نه مجعد و پیچیده و نه لخت و افتاده بود. چهره‌اش نه کم گوشت بود و نه پر گوشت و نه سپید زننده. استخوانهای مفصلش درشت و سر استخوانهایش پهن و بینی‌اش کشیده بود. شکم و سینه‌اش مویی نداشت جز خط باریکی از مو که از سینه تا نافش کشیده شده بود. چهار شانه بود، بدنی بی مو داشت جز همان مویی که از سینه تا ناف کشیده بود. بیشتر موهای سپیدی که نشان پیری است در دو طرف سر او به چشم می‌خورد.

کف دستهاش مانند کف دست عطر فروشان معطر بود. کف دستش گشاده، استخوانهای قلم دست و پایش بلند بود. هنگام رضا و شادی چهره‌اش چون آینه‌ای رنگارنگ درخشان و جذاب بود. کشیده گام بر می‌داشت و آرام و با وقار راه می‌رفت. در کارهای خیر از همه پیشقدم بود. هنگام راه رفتن چنان گام می‌زد گویی از سراشیبی فرود می‌آید. در حین تبسم دندانهاش بسان دانه‌های تگرگ نمایان می‌شد، و در هنگام خنده دندانهاش چون برق جهنده می‌درخشید.

اندامی زیبا و خوبی پسندیده داشت. خوش برخورد و خوش مجلس بود.

**هنگامی** که با مردم رو به رو می‌شد پیشانیش چون چراغی فروزان نظر آنان را جلب

(۱) فراخی دهان در عرب از کمالات به حساب می‌آید.

### آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵

می‌کرد. دانه‌های عرق مانند مروارید بر چهره‌اش می‌غلتید و بوی عرقش خوشبوتر از مشک بود. مهر نبوت در میان شانه‌هایش نمایان بود.

(۱) ابو هریره گوید: آن حضرت هنگامی که می‌خواست به سوی جلو یا پشت سر خود بنگرد با تمام بدن بر می‌گشت.

(۲) جابر بن سمرة گوید: ساقهای پای آن حضرت باریک و لطیف بود.

(۳) ابو جحیفه گوید: موهای گونه آن حضرت جو گندمی و موی بالای زنخدانش سپید بود.

(۴) ام هانی گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله را دیدم که چهار گیسوی بافتحه داشت.

ابن شهرآشوب گوید: درست آن است که آن حضرت دو گیسو داشت و آن رسمی بود از هاشم جد اعلای آن حضرت.

(۵) انس گوید: در سر و صورت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بیش از چهارده تار موی سفید نشمردم.

(۶) و گویند: هفده تار موی سپید داشت.

(۷) عبد اللہ بن عمر گوید: موی سپید آن حضرت نزدیک به بیست تار مو بود.

(۸) براء بن عازب گوید: بلندی موی سر آن حضرت به قدری بود که به دوشها می‌رسید.

(۹) انس گوید: موی سر آن حضرت به بنا گوش می‌رسید.

(۱۰) عایشه گوید: بلندی موی سر آن حضرت از بنا گوش می‌گذشت ولی به دوشها نمی‌رسید «۱».

(۱۱) ۱۲. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ از راهی نمی گذشت مگر اینکه هر که از آنجا عبور می کرد از

(۱) شاید اختلاف روایت ۱۱ با ۹ بدان جهت است که آرایش موی سر آن حضرت یکسان نبوده، گاه موی سرش بلند می شد و بر دوشها می ریخت، و گاه کوتاه می کرد و تا بنا گوش می رسید، و گاه در حج از نه می تراشید. و نیز گفته اند: هر گاه موی سر را رها می کرد تا بنا گوش می رسید و هر گاه شانه می زد و فرق باز می گرد از بنا گوش می گذشت.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶

عطر عرق آن حضرت پی می برد که ایشان از آنجا گذشته است. و به هر سنگ و درختی می گذشت بر آن حضرت سجده می کردند.

(۱۲) ۱۳. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: ما گروه پیامبران دیده هایمان می خوابد ولی دلهایمان نمی خوابد، و از پشت سر می بینیم چنان که از پیش رو می بینیم.

(۱۴) ۱۴. یکی از معجزات پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ که اخبار متواتر بر آن دلالت دارد و کافر و مؤمن به آن اعتراف نموده اند مهر نبوت است که بر موهای متراکم میان دو کتف آن حضرت نمایان بود.

(۱۵) ۱۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ سایه اش بر زمین نمی افتاد (سایه نداشت).

(۱۶) ۱۶. نوفلی گوید: در نزد حضرت امام هادی علیه السلام از صدا و آهنگ خوش گفتگو کردم، فرمود: امام سجاد علیه السلام قرآن تلاوت می کرد و گاهی مردم از صدای زیبای او بیهوش می شدند، و اگر امام اندکی از صدای زیبای خود را ظاهر کند مردم طاقت شنیدن آن صوت زیبا را ندارند. گفتم: آیا پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ با مردم نماز نمی خواند و صدای خود را به تلاوت قرآن بلند نمی ساخت [پس چرا مردم بیهوش نمی شدند؟]

فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به اندازه طاقت مردمی که پشت سر او بودند صدای خود را آشکار می ساخت. مؤلف: این اخبار به سندهای بسیار دیگری نیز روایت شده است.

(۱۷) ۱۷. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: از دایی خود هند بن ابی هاله که از وصف کنندگان رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بود خواستم و دوست داشتم که مقداری از اوصاف آن حضرت را برایم بیان کند تا بدان در آویزم و به سهم خود از آن پیروی نمایم، گفت:

رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در دل و دیده هر کس موقر و با عظمت می نمود، روی نکویش چون ماه شب چهارده می درخشید، از میان قامت، بلندتر و از دراز قامت، کوتاهتر بود. سری نسبتاً بزرگ و موهایی نه پیچیده و نه لخت و افتاده داشت. اگر

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷

موی سرش ژولیده می شد فرق باز می کرد و هر گاه آن را بلند می نمود از نرمه گوش تجاوز نمی کرد. چهرهای درخشان، پیشانی بلند، ابروانی بلند و کشیده و پر پشت و ناپیوسته داشت. میان ابروانش رگی بود که به هنگام خشم بر جسته می شد. هالهای از نور بر چهراهش پرتو افکنده بود به طوری که اگر کسی دقت نمی کرد می پنداشت که میان بینی اش برآمدگی دارد.

(۱) محسنش کوتاه و پر پشت، گونه هایش صاف، دهانش اندکی بزرگ، میان دندانها یاش باز و شیرین دهان بود، از سینه تا نافش خطی باریک از مو کشیده شده بود، گردنیش گویی گردن نگارینی است از نقره سپید و درخشان. اندامها یاش متناسب بود. تنوند و عضله هایش محکم بود. سینه و شکمش برابر بود. چهارشانه و درشت استخوان بود. پهنه سینه و سفید پوست بود و برآمدگی های دو طرف سینه و شکم او مو نداشت.

ساقهای دست و شانه ها و بالای سینه اش پر مو بود. مچها بزرگ، کف دستها پهنه و کف دستها و پاها یاش کلفت و پر گوشت بود.

اندامهایش میانه و به اندازه بود، استخوانهای دست و پایش کشیده، گودی کف پاها بیشتر از معمول و پاشنه‌های پایش صاف و نرم بود به طوری که آب از آن می‌چکید. استوار قدم بر می‌داشت و آرام و با وقار راه می‌رفت و گامهای بلند بر می‌داشت. چنان راه می‌رفت که گویی از سرازیری فرود می‌آید. چون به کسی رو می‌کرد با تمام بدن رو می‌کرد. دیدگانش را فرو می‌افکند. به زمین بیش از آسمان نگاه می‌کرد. به کسی خیره نمی‌شد، بلکه کوتاه نظر می‌کرد. با هر کس روبرو می‌شد در سلام کردن بر او پیشی می‌گرفت.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: گفتم از سخن گفتش برايم بگو. گفت:

آن حضرت پیوسته اندوهگین و در تفکر بود. آسایش نداشت. پیوسته خموش بود و جز به هنگام نیاز سخن نمی‌گفت. لب به سخن می‌گشود و آن را به نحوی بلیغ به پایان می‌برد. سخنان کوتاه و جامع می‌گفت و کم و زیاد در جملات او نبود. خوبی نرم آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸ داشت. نه خشن بود، نه خوار و زیر دست.

(۱) هر نعمتی در نظرش بزرگ می‌نمود گرچه اندک باشد و هرگز نعمتی را مذمت نمی‌کرد؛ آری از هیچ طعامی بد نمی‌گفت و تعریف هم نمی‌کرد.

دنیا و ناملایماتش او را به خشم نمی‌آورد ولی هنگامی که پای حق در میان بود از شدت خشم کسی او را نمی‌شناخت و چیزی مانع او نبود تا آنکه حق را بازستاند. با تمام دست اشاره می‌کرد [نه با انگشت] و به هنگام تعجب دست را پشت و رو می‌کرد. زمانی که سخن می‌گفت دستها را به هم می‌چسباند و شست دست چپ را به کف دست راست می‌زد. چون خشم می‌گرفت روی خود را بر می‌گرداند و چشم را فرو می‌خواباند. بیشتر خنده‌اش تبسّم بود و چون می‌خنید دندانهایش مانند دانه‌های تگرگ نمایان می‌شد.

امام مجتبی علیه السلام فرمود: مدتی این مطالب را از حسین علیه السلام پنهان کردم سپس برای او باز گفتم، دیدم او پیش از من از آنها آگاه بوده است! در این باره از او پرسیدم، دیدم او از پدر بزرگوارش از وضع داخلی و خارجی پیامبر صلی اللہ علیه و آله و از چگونگی مجلس و شکل و شمایل آن حضرت پرسیده بود و همه را باز گفت و چیزی را فرو نگذاشت.

## وضع داخلی آن حضرت

(۲) امام حسین علیه السلام فرمود: از پدرم از وضع داخلی رسول خدا صلی اللہ علیه و آله پرسیدم، فرمود: به منزل رفتش به اختیار خود بود و چون به منزل می‌رفت اوقات خویش را سه قسمت می‌کرد: قسمتی برای عبادت خداوند، قسمتی برای خانواده و قسمتی برای خود. اما قسمت خودش را باز میان خود و مردم قسمت می‌کرد و پس از فراغت از کار خواص به کارهای عموم می‌پرداخت و چیزی از آن وقت را برای

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹

خود باقی نمی‌نہاد. و از جمله روش آن حضرت در رابطه با امت این بود که اهل فضل را به عنایت خود ویژه می‌داشت، و هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت احترام می‌کرد. برخی یک حاجت، برخی دو حاجت و برخی چندین حاجت داشتند و حضرت به رسیدگی آنها می‌پرداخت و آنان را سرگرم اصلاح کار خودشان و مردم می‌کرد، از کار و بارشان می‌پرسید و آنچه را لازم بود به آنان خبر می‌داد و می‌فرمود: «باید حاضران به غاییان برسانند، و حاجت کسانی را که به من دسترسی ندارند به من برسانید، زیرا هر که حاجت کسانی را که دسترسی به سلطان ندارند به گوش سلطان برسانند خداوند قدمهای او را در روز قیامت ثابت و استوار سازد». در مجلس آن حضرت جز این گونه مطالب گفته نمی‌شد و از کسی غیر آن را نمی‌پذیرفت. آنان برای درک فیض و طلب علم خدمت حضرتش شرفیاب می‌شدند و بی‌آنکه چیزی فراگیرند پراکنده نمی‌شدند، و چون از آن مجلس

بازمی گشتند خود رهنما یانی بودند.

## وضع خارج از منزل پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ

(۱) و از پدرم امیر مؤمنان علیه السلام از وضع رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در خارج از منزل پرسیدم که چگونه رفتار می کرد؟ فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ زبان خود را از سخنان غیر لازم باز می داشت. با مردم انس می گرفت و آنان را از خود رمیده نمی ساخت.

بزرگ هر قومی را گرامی می داشت و او را بر آنان می گماشت. از مردم می پرهیخت و خود را از آنان می پایید بدون آنکه از آنان روی گرداند یا با آنان بد خلقی کند. از یاران خود سراغ می گرفت و از مردم از آنچه در میان آنان می گذشت پرسش می نمود. هر کار نیکی را تحسین و تقویت می کرد و هر کار زشتی را تقبیح می کرد و خوار می شمرد. در کارها میانه رو بود و افراط و تفریط نداشت. از

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰

مردم غافل نمی شد مبادا آنان غفلت ورزند و به انحراف گرایند. در باره حق نه کوتاهی داشت و نه از آن تجاوز می کرد. اطرافیان آن حضرت نیکان مردم بودند، و برترین آنان در نظر او کسانی بودند که نسبت به مسلمانان خیرخواه و دلسوز تر بودند، و بزرگترین آنان کسانی بودند که با برادران دینی خود بهتر همدردی و همکاری داشته باشند.

## وضع مجلس آن حضرت

(۱) امام حسین علیه السلام فرمود: از پدرم از وضع مجلس پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ پرسیدم، فرمود: آن حضرت در هیچ مجلسی نمی نشست و بر نمی خاست مگر به یاد خدا. در مجالس جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی کرد و از این کار نیز نهی می نمود. هر گاه به گروهی می پیوست هر جا که خالی بود می نشست و دیگران را نیز دستور می داد که چنین کنند.

حق هر یک از اهل مجلس را ادا می کرد و کسی از آنان نمی پنداشت که دیگری نزد آن حضرت از او گرامی تر است. با هر کس می نشست به قدری صبر می کرد تا خود آن شخص بر خیزد و برود. هر کس از او حاجتی می خواست باز نمی گشت مگر آنکه یا به حاجت خود رسیده بود یا به بیان خوشی از آن حضرت دلخوش گشته بود. خوی نیکش شامل همه بود به حدی که مردم او را پدری مهربان می دانستند و همه در حق، نزد او برابر بودند. مجلس او مجلس حلم و حیا و صداقت و امانت بود. در آن آوازها بلند نمی شد و عرض و آبروی کسی نمی ریخت و اگر از کسی لغزشی سر می زد جای دیگر بازگو نمی شد. اهل مجلس با یک دگر عادلانه رفتار می کردند و بر اساس تقوا با هم رفاقت و دوستی می نمودند. با یک دگر فروتن بودند، مهتران را احترام می کردند و با کهتران مهربان بودند و نیازمندان را بر خود مقدم

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱

می داشتند و از غریبان نگهداری می کردند.

(۱) گفتم: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با همنشینان چگونه بود؟ فرمود: همیشه خوشرو و خوش خلق و نرمخو بود. خشن و درشت خو و پرخنده و سبکسر و بدزبان و عیجو و چاپلوس نبود. از آنچه به آن میل و رغبت نداشت غفلت می ورزید. طوری بود که آرزومندان از او مأیوس و نومید نمی شدند. خود را از سه چیز به سختی دور می داشت: «جدال و کشمکش، پرحرفی و ذکر مطالب بی فایده». نسبت به مردم نیز از سه چیز پرهیز داشت: «کسی را نکوهش و سرزنش نمی کرد. لغزشی کسی را جستجو نمی نمود و عیب کسی را پی نمی گرفت».

سخن نمی‌گفت مگر در جایی که امید ثواب در آن می‌داشت. هنگام سخن گفتن چنان اهل مجلس را جذب می‌کرد که همه سر به زیر افکنده، گویی پرنده بر سرشان نشسته، آرام و بی‌حرکت می‌ماندند، و چون ساکت می‌شد آنان سخن می‌گفتند و نزد آن حضرت بر سر سخنی نزاع نمی‌کردند. هر که سخن می‌گفت همه ساکت به سخنانش گوش می‌دادند تا سخنش پایان یابد. و در محضر حضرتش به نوبت سخن می‌گفتند. از چیزی که اهل مجلس می‌خندیدند می‌خندید و از آنچه آنان تعجب می‌کردند تعجب می‌کرد. بر بی‌ادبی غریبان در خواسته‌ها و گفتارشان صبر می‌کرد تا جایی که اصحاب در صدد جلب اشخاص مزاحم بر می‌آمدند. می‌فرمود: چون حاجتمندی را دیدید او را کمک کنید. مدح و ثنای کسی را نمی‌پذیرفت مگر از کسی که بخواهد تشکر نماید. سخن کسی را نمی‌برید مگر آنکه از حد می‌گذشت که در آن صورت با نهی او یا برخاستن، سخن او را قطع می‌کرد.

امام حسین علیه السلام فرمود: سپس از سکوت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پرسیدم، پدرم فرمود:

سکوت آن حضرت بر چهار پایه استوار بود: حلم، حذر، تقدیر و تفکر. سکوتش در تقدیر و اندازه‌گیری در این بود که همه مردم را به یک چشم بیند و به گفتار همه یکسان گوش دهد. و سکوتش در تفکر آن بود که در چیزهای فناپذیر و فناناپذیر آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۲

اندیشه می‌کرد. و سکوتش در حلم آن بود که حلم و صبر را با هم داشت، به طوری که چیزی او را به خشم نمی‌آورد و از کوره به در نمی‌برد. و سکوتش در حذر در چهار مورد بود: به کارهای نیک می‌پرداخت تا دیگران نیز از او پیروی کنند. کارهای زشت را ترک می‌کرد تا دیگران نیز از آن بپرهیزنند. کوشش خود را به کار می‌برد تا برای اصلاح امت خود نظری درست ارائه دهد. و به آنچه خیر دنیا و آخرت در آن بود اقدام می‌نمود.

(۱) ۱۸. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چهره‌ای درخشان داشت و رنگش مانند مروارید سپید بود. هنگام راه رفتن اندکی به جلو متمایل می‌شد. من هر گرمشک و عنبری را نبویدم که از عطر بدن آن حضرت خوشبوتر باشد و هیچ دیبا و ابریشمی را دست نکشیدم که از کف دست آن حضرت نرم‌تر باشد ...

(۲) ۱۹. کعب بن مالک گوید: هر گاه چیزی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله را خوشحال می‌کرد چهره مبارکش چون قرص قمر روشن می‌شد.

(۳) ۲۰. غزالی گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از همه شیوا گفتارتر و شیرین سخن‌تر بود و خود می‌فرمود: من شیواترین مردم عرب هستم و بهشتیان بالغت می‌گویند ... آن حضرت با کوتاه‌ترین و در عین حال پرمعنی‌ترین جملات سخن می‌گفت و زیاد و کم در سخنانش نبود. قطعات گفتارش به یک دیگر پیوسته بود و سخن را به طوری شمرده ادا می‌کرد که شنونده آن را به خوبی در می‌یافت و به حافظه می‌سپرد. جوهره صدایش بلند و آهنگ صدایش از همه مردم زیباتر بود.

(۴) ۲۱. عایشه گوید: به پیامبر صلی اللہ علیہ و آله عرض کردم: یا رسول الله، شما که به بیت الخلاء می‌روید و بیرون می‌آید من بی درنگ به آنجا می‌روم ولی چیزی جز بُوی مشک نمی‌یابم؟! فرمود: ما گروه پیامبران بدنهای ما بر نسیمه‌های بهشتی می‌روید و خوشبوست، از این رو چیزی از آن خارج نمی‌شود مگر آنکه زمین آن را در خود فرو می‌برد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۳

## اخلاق پیامبر صلی اللہ علیہ و آله

(۱) ۲۲. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: خداوند عقل را آفرید و به او گفت: عقب برو، عقب رفت. سپس فرمود: پیش بیا، پیش آمد. آن گاه فرمود: مخلوقی را نیافریدم که نزد من محبوب‌تر از تو باشد. پس نود و نه جزء از آن را به [من] می‌خشدید، و یک جزء دیگر را میان همه بندگان قسمت نمود.

(۲). ۲۳. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) من به اخلاق نیک و پسندیده برانگیخته شده‌ام.

(۳). ۲۴. امام صادق علیه السیلام فرمود: خداوند رسول خویش را به اخلاق نیک و پسندیده مخصوص گردانید، شما هم خود را بیازمایید، اگر آن اخلاق نیک در شما بود خدای را سپاس گفته و از او بخواهید تا آن را در شما بیفزاید. سپس امام علیه السیلام آنها را بدین ترتیب ده خصلت شمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، برداری، خوش‌خلقی، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی.

(۴). ۲۵. انس گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) شجاعتی و سخاوتی ترین مردم بود.

شبی صدای هولناکی به گوش مردم مدینه رسید که همه وحشتزده به سوی آن صدا شتافتند. در این میان دیدند رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیش از همه بیرون آمد و در حالی که سوار بر اسب ابو طلحه شده و شمشیر بر گردن انداخته و به مردم می‌فرماید: نترسید، چیزی نیست، عجب اسب تیز تکی است!

(۵). ۲۶. علی علیه السیلام فرمود: چون تنور جنگ گرم می‌شد و دو لشکر به هم می‌رسیدند ما به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) می‌شدیم و هیچ کس به دشمن نزدیکتر از آن حضرت نبود.

(۶). ۲۷. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) از دختران پرده‌نشین باحیاتر بود.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۴

و هر گاه چیزی را دوست نمی‌داشت از قیافه آن حضرت در می‌یافتیم.

(۱). ۲۸. امام صادق علیه السیلام به حفص بن غیاث فرمود: ای حفص، هر که صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بی‌تابی کند اندکی بی‌تابی کرده است. سپس فرمود: در همه کارهایت صبر پیشه‌ساز، زیرا خدای بزرگ محبّم صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) برانگیخت و او را امر به صبر و مدارا نمود و فرمود: «بر آنچه می‌گویند صبر کن و به طوری شایسته از آنان دوری گزین، و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و مرغه و اگذار «۱»، و نیز فرمود: «بدي دیگران را با بهترین روش دور کن، تا آن که میان تو و او دشمنی است گویی دوست گرم و صمیمی است. و از این خصلت برخورند جز کسانی که صبر پیشه کنند و کسی که دارای بھره‌ای بزرگ [از اندیشه و خرد] است» «۲» رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) که صبر کرده و متهم کردن. از این رو دلتگ شد و خداوند این آیه را نازل نمود: «و ما به خوبی می‌دانیم که تو سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود. پس به همراه ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده گزاران باش «۳». باز هم او را تکذیب کردن و متهم نمودند و حضرت غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد: «ما به خوبی می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را غمگین می‌کند. اما آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را تکذیب می‌کنند.

البته پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و بر تکذیب شدن صبر کردن، و آزارها دیدند تا آنکه یاری ما به آنان رسید «۴». پس پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) خود را به صبر ملزم ساخت، تا آنکه آنها پا را فراتر نهاده و نام خدا را بر زبان آورده، او را تکذیب نمودند. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در باره خودم و خاندان و آبرویم صبر کردم ولی در باره بدگفتن به معبدوم صبر ندارم. آن گاه خداوند

(۱). مزمّل / ۱۰ و ۱۱.

(۲). فضیل / ۳۴ و ۳۵.

(۳). حجر / ۹۷ و ۹۸.

(۴). انعام / ۳۳ و ۳۴.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۵

این آیه را نازل کرد: «ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچ خستگی به ما نرسید، پس [تو هم خسته نشو و] بر آنچه می گویند صبر کن «۱».

(۱) پس پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ در همه احوال صبر کرد تا او را به امامان از عترتش مژده دادند و آنان به داشتن صبر معرفی گردیدند. خداوند والامقام فرمود: «و از آنان پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت کنند، چون صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند «۲».

اینجا بود که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: «صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به بدن». خداوند هم از صبر او قدردانی کرد و این آیه را نازل فرمود: «کلمه نیکوی پروردگارت [و وعده‌های نجات و پیروزی او] در باره بنی اسرائیل انجام یافت به پاداش صبری که کردند، و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و آنچه را برمی‌افراشتند واژگون نمودیم «۳». پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: «این هم بشارت است و هم انتقام».

آن گاه خداوند پیکار با مشرکان را برای او روا دانست و این آیه را نازل کرد:

«هر کجا مشرکان را یافتید بکشید و آنان را بگیرید و محاصره کنید و در هر کمینگاهی بر سر راهشان بنشینید «۴». و هر کجا بر آنان دست یافتید بکشیدشان «۵». پس خداوند آنان را به دست رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و دوستانش به قتل رساند و پاداش صبر آن حضرت را به او عنایت فرمود، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است. پس هر که صبر کند و به حساب خدا گذارد، از دنیا بیرون نرود تا آنکه خداوند چشم او را در باره دشمنانش روشن کند، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره خواهد نمود.

(۲) ۲۹. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود که جبرئیل نزد او آمد و گفت: یا رسول اللہ، خداوند مرا با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده که چنین هدیه‌ای را پیش از شما به هیچ کس عطا

(۱) ق / ۳۸ و ۳۹.

(۲) سجده / ۲۴.

(۳) اعراف / ۱۳۷.

(۴) توبه / ۶.

(۵) بقره / ۱۹۱.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۶

نکرده است. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر، و نیکوتر از صبر.

فرمود: آن چیست؟ گفت: رضا، و نیکوتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: زهد، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: اخلاص، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟

گفت: یقین، و بهتر از آن. فرمود: گفتم: آن چیست ای جبرئیل؟ گفت: نرdban آن توکل بر خداست. گفتم: توکل بر خدا چیست؟ گفت: دانستن آنکه مخلوق [بدون خواست خدا] نه زیانی تواند زد و نه سودی تواند رساند. نه می‌تواند عطا کند و نه منع نماید. و نیز نومید بودن از مخلوق. هر گاه بنده چنین باشد دیگر برای هیچ کس جز خدا عملی انجام نمی‌دهد و جز خدا به کسی امید نمی‌بندد و از کسی نمی‌ترسد و به هیچ کس جز خدا چشم طمع نمی‌دوزد؛ این است توکل.

(۱) پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: گفتم: ای جبرئیل، تفسیر صبر چیست؟ گفت: آن است که آدمی در سختی شکیبایی کند همان گونه که در شادی شکیبایی می‌کند، و در هنگام نیازمندی شکیبایی کند چنان که در وقت بی‌نیازی شکیبایی می‌کند، و در

بلا و گرفتاری شکیبایی کند چنان که در عافیت و سلامتی شکیبایی می‌کند. بنا بر این از حال خود از بلایی که به او می‌رسد نزد کسی شکایت نکند.

**گفتم:** تفسیر قناعت چیست؟ **گفت:** آن است که به آنچه از دنیا به او می‌رسد قناعت ورزد؛ با چیز کم بسازد و بر عطای اندک سپاس گزارد.

**گفتم:** تفسیر رضا چیست؟ **گفت:** کسی که از آقای خود راضی است بر او خشم نمی‌گیرد، چه به نعمتهای دنیا بر سرده چه نرسد. و هیچ گاه به عمل اندک خود راضی نمی‌گردد.

**گفتم:** تفسیر زهد چیست؟ **گفت:** زاهد دوست می‌دارد کسی را که خالقش را دوست می‌دارد، و دشمن می‌دارد کسی را که خالقش را دشمن می‌دارد. از حلال دنیا احتیاط و دوری می‌کند و به حرام آن اعتنا نمی‌نماید، زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش عقاب. بر همه مسلمانان مهر می‌ورزد چنان که به خود مهر می‌ورزد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۷

از سخن [بیهوده] خودداری می‌کند چنان که از مرداری که بوی گندش بلند شده دوری می‌کند. از کالای بی‌ارزش دنیا و زرق و برق آن دوری می‌کند چنان که از آتش دوری می‌نماید که مبادا شعله‌اش او را فرا گیرد. آرزوی خود را کوتاه می‌سازد و مرگ او پیش چشمی مجسم است.

**گفتم:** ای جبرئیل، تفسیر اخلاص چیست؟ **گفت:** با اخلاص کسی است که از مردم چیزی نخواهد تا خود بدان دست یابد، و هر گاه به دست آورد بدان راضی می‌شود، و اگر چیزی در دستش باقی ماند در راه خدا می‌بخشد. و چون از مردم درخواستی نکرد به بندگی خود در برابر خداوند اقرار نموده، و اگر به چیزی دست یافت و بدان راضی شد پس از خداوند راضی شده و خدای بزرگ نیز از او راضی است. و اگر چیزی در راه خدا بخشید در حدّ ثائق و اعتماد به خدای خود قرار دارد.

**گفتم:** تفسیر یقین چیست؟ **گفت:** مؤمن چنان برای خدا کار می‌کند که گویی خدا را می‌بیند، و اگر او خدا را نمی‌بیند. خدا او را می‌بیند و به طور یقین می‌داند که آنچه به او رسیده نمی‌توانست از او خطا برود، و آنچه از او خطا رفته نمی‌توانست به او برسد. اینها که گفته شد شاخه‌های توکل و نربان زهد است.

(۱) ۳۰. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله آمد و گفت: ای محمد، خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: اگر بخواهی همه ریگهای مکه را برایت طلا-سازم! آن حضرت سر به سوی آسمان برداشت و گفت: پروردگارا، می‌خواهم روزی سیر باشم و سپاس تو گویم، و روزی گرسنه باشم و از تو درخواست نمایم.

(۲) ۳۱. امام باقر علیه السلام می‌فرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله آمد و گفت: خداوند تو را مختار فرموده که بنده‌ای فروتن و رسول باشی یا پادشاه و رسول! آن حضرت به جبرئیل علیه السلام نگاه کرد و او با دست اشاره کرد که فروتنی اختیار کن.

پس حضرت فرمود: می‌خواهم بنده‌ای فروتن و رسول باشم. آن فرشته در حالی که آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۸

کلیدهای خزانی زمین را در دست داشت گفت: اگر پادشاهی را هم پذیری از مقامی که نزد خدا داری نخواهد کاست.

(۱) ۳۲. علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و تائیه به آن حضرت فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق گیر ... که از دنیا نیم لقمه‌ای برگرفت و چشمی بدان ندوخت.

از همه کس پهلویش از دنیا لاغرتر و شکمش از دنیا خالی تر بود. دنیا بر او عرضه شد ولی نپذیرفت. و هر گاه دانست که خداوند چیزی را دشمن دارد او نیز آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا حقیر دانست او نیز حقیر شمرد. و اگر خصلتی جز این در ما نبود

که دوست می‌داریم آنچه را خدا دشمن داشته، و بزرگ می‌داریم چیزی را که خدا کوچک شمرده، همین در مخالفت و دشمنی ما با خدا و سرپیچی از فرمان او بس بود! همانا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بر روی زمین غذا می‌خورد. چون بندگان می‌نشست. کفش خود را به دست خویش پینه می‌زد و لباسش را وصله می‌دوخت. بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را هم در ردیف خود سوار می‌کرد. و چون دید پرندۀ‌ای با نقش و نگار بر در اتفاقش آویخته، به یکی از زنان خود فرمود: ای فلانی، این پرده را از نظرم دور دار، که هر گاه به آن می‌نگرم به یاد دنیا و زرق و برق آن می‌افتم! پیامبر صلی اللہ علیه و آله قلب‌ها از دنیا روی گرداند و یاد آن را در درون خود بکشت. او دوست داشت زینت‌های دنیا از نظرش پنهان باشد تا مبادا جامه‌ای زیبا و فاخر از آن برگیرد و آن را خانه همیشگی خود پندارد و امید اقامت در آن را در سر بپروراند.

پس دنیا را به کلی از جان خود بیرون کرد و یاد آن را از دل براند و آن را از نظر پنهان داشت. آری هر که چیزی را دشمن دارد نگاه به آن را نیز دشمن دارد و خوش ندارد نامی از آن در نزد او به میان آید.

(۲) ۳۳. امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی از دنیا برای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله خوشنود از آن نبود که در دنیا گرسنه و ترسناک [از خدا و نگران از اوضاع] باشد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۹

(۱) ۳۴. حضرت حسین بن علی علیه السلام ضمن خبری طولانی در شرح حال رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: آن حضرت از ترس خدا چندان می‌گریست که جای نمازش تر می‌شد، با آنکه گناهی نداشت.

(۲) ۳۵. روایت است که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چندان می‌گریست که بیهوش می‌گشت. به آن حضرت عرض شد: مگر خداوند گناهان گذشته و آینده شما را نبخشوده است؟

فرمود: آیا بندۀ شکرگزار خدا نباشم؟ ... بیهوشی‌های علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در مقامات عبادت و بندگی چنین بود.

(۳) ۳۶. روایت است که ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که به نماز می‌ایستاد از ترس خدا صدایی مانند صدای جوشش دیگ از او شنیده می‌شد، و رسول خدا صلی اللہ علیه و آله نیز چنین بود.

(۴) ۳۷. ابو سعید خدری گوید: چون آیه شریفه اذکروا الله ذکرا کثیرا «۱» (خدا را فراوان یاد کنید) نازل شد، رسول خدا صلی اللہ علیه و آله آن قدر به ذکر خدا مشغول شد که کفار گفتند: او جن زده و دیوانه گشته است.

(۵) ۳۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله روزی هفتاد بار به درگاه خدا توبه می‌کرد. راوی گوید: گفتم: آیا آن حضرت می‌گفت:

«استغفر الله و أتوب إليه»؟

فرمود: نه، بلکه می‌گفت:

«أتوب إلى الله»

. گفتم: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله توبه می‌کرد و هیچ گاه برنمی‌گشت ولی ما توبه می‌کنیم و باز به گناه برمی‌گردیم! امام علیه السلام فرمود: باید از خدا کمک خواست.

(۶) ۳۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از هیچ مجلسی - گرچه کوتاه - برنمی‌خاست مگر اینکه بیست و پنج بار استغفار می‌کرد.

(۷) ۴۰. امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه به وصف رسول خدا صلی اللہ علیه و آله می‌پرداخت می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از همه مردم بخشنده‌تر، دلیرتر، راستگوتر، باوفاتر، نرمخوتر و

(۱) احزاب / ۴۱

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۰

خوش معاشرت تر بود. هر که در ابتدا او را می گرفت، و هر که با حضرتش آمیزش می نمود و شناخت پیدا می کرد به او علاقمند می گردید. من که پیش از او و بعد از او مانندش را ندیده ام.

(۱) ۴۱. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: به اخلاق نیک آراسته گردید، که خداوند مرا به اخلاق نیک برانگیخته است. و از اخلاقهای نیک آن است که آدمی گذشت کند از کسی که به او ستم کرده، و بخشش کند به کسی که او را محروم ساخته، و بیوند با کسی که از او بریده، و عیادت کند از کسی که او را عیادت نمی کند.

(۲) ۴۲. امیر مؤمنان علیہ السلام فرمود: از سو گندهای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ این بود که می گفت:  
«لا، و استغفر اللہ»

نه، و از خدا آمرزش می خواهم «۱».

(۳) ۴۳. عبد اللہ بن عمر گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چنان بود که خشنودی و خشم از چهره اش شناخته می شد. به هنگامی که خشنود می شد چهره اش چون آینه می درخشید به حدی که می توان گفت نقش دیوار در چهره اش می افتاد. و چون خشم می گرفت رنگ مبارکش گرفته و تیره می گشت.

(۴) ۴۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: کسی که خلقش نیکوتر، و برخوردش با مردم ملایم تر، و با خویشانش نیکوکارتر باشد، و برادران دینیش را بیش از همه دوست داشته، و بر حق صبورتر، و خشم خود را فروخورنده تر، و گذشتش از همه بهتر، و در حال خشنودی و خشم از همه بالنصاف تر باشد.

(۵) ۴۵. غزالی گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگامی که خیلی خوشحال می شد محسن خویش را زیاد دست می کشید.

(۱) در عرب رسم است که هنگام سو گند کلمه «لا» می گویند سپس سو گند می خورند مانند: «لا و ربک».

و در اینجا مراد این است که آن حضرت پس از گفتن «لا» سو گند نمی خورد و به جای آن استغفار می کرد. (اقتباس از مرآۃ العقول علامہ مجلسی).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۱

(۱) ۴۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بخششندۀ ترین مردم بود، هر گز شبی نمی گذشت که درهم و دیناری نزد او بماند، و اگر چیزی زیاد می آمد و تا شب کسی را نمی یافت که به او بیخشد، به خانه نمی رفت تا آن را به مستحقش برساند. از آنچه خداوند روزیش کرده بود بیش از آذوقه همان سال برنمی داشت، آن هم از میسورترین چیزی که می یافت از خرما و جو، و بقیه را در راه خدا مصرف می کرد.

هر چه از او می خواستند عطا می کرد، آنگاه سراغ آذوقه سال خود می رفت و از آن هم ایثار می نمود، و بسا پیش از تمام شدن سال اگر چیزی به دستش نمی رسید خودش نیازمند آذوقه می شد ... حق را جاری می کرد گرچه برای او یا برای یارانش زیان داشته باشد ... در میان دشمنان بدون نگهبان آمد و شد می کرد ... هر گز چیزی از امور دنیا او را به ترس و وحشت نمی افکند ... با فقرا می نشست و با تهیستان هم غذا می شد. اهل فضل را به خاطر احترام احترام می کرد، و با نیکی کردن به اشخاص آبرومند با آنان خو می گرفت. با خویشانش پیوند و رفت و آمد داشت بدون آنکه آنان را بر کسانی که از آنان برتر بودند، مقدم بدارد. به هیچ کس ستم نمی کرد، و پوزش عذرخواهان را می پذیرفت ... آن حضرت غلامان و کنیزانی داشت ولی در خوراک و پوشک بر

آنان برتری نداشت. ساعتی از وقت او در غیر بندگی خدا و غیر کار لازمی که صلاح او در آن بود نمی‌گذشت. گاه به باغ و بستان یاران خود سر می‌زد. هیچ گاه مسکینی را به خاطر تهیدستی یا بیماریش کوچک نمی‌شمرد، و از هیچ پادشاهی به خاطر ملک و سلطنتش نمی‌ترسید. فقیر و پادشاه را یکسان به سوی خدا دعوت می‌فرمود.

(۲) ۴۷. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از همه کس دیرتر به خشم می‌آمد و زودتر خشنود می‌شد. وی مهربانترین و خیرخواه‌ترین و سودمندترین کس برای مردم بود.

(۳) ۴۸. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از همه کس نیکوتر بود. در پند و موعظه جدی بود. هنگام خشم - که جز برای خدا آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۲:

خشم نمی‌گرفت - چیزی تاب مقاومت در برابر خشم او را نداشت. آن حضرت در همه کارهایش این چنین جدی بود. چون مصیبیتی به او می‌رسید کارش را به خداوند واگذار می‌کرد و از حول و قوت خویش بیزاری می‌جست و از خداوند راه چاره طلب می‌کرد.

(۱) ۴۹. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: بدانید که هر عبادتی در آغاز افراطی دارد، سپس به فترت و سستی می‌گراید. هر که افراط در عبادتش به سنت من بینجامد راه را یافته است، و هر که با سنت من مخالفت ورزد گمراه گشته و عملش تباہ خواهد شد. بدانید که من هم نماز می‌خوانم و هم می‌خوابم، هم روزه می‌گیرم و هم افطار می‌کنم، هم می‌خندم و هم می‌گریم. پس هر که از راه روشن و سنت من روی گرداند از من نیست.

مؤلف: اخبار در مطالب گذشته بیش از حد شمار است، و ما از هر بابی یک یا دو خبر آوردهیم. اما جزئیات زندگانی آن حضرت بسیار است «۱».

(۱) به ملحقات شمایل پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ در آخر کتاب مراجعه فرمایید.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۳:

(۱)

## ۲ آداب معاشرت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ

### اشاره

(۲) امام صادق علیه السلام به بحر سقاء فرمود: ای بحر، خوش خلقی مایه آسانی امور و شادی‌زاست ... سپس حدیثی نقل فرمود که می‌رساند رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خوش خلق بود.

(۳) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چنان بود که از نیکی‌هایش قدردانی نمی‌شد، در صورتی که نیکی‌های آن حضرت بر قرشی و بر عرب و عجم جاری بود. کیست که بیش از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به این مردم نیکی کرده باشد؟! ما اهل بیت نیز از نیکی‌های ما قدردانی نمی‌شود، همچنین مؤمنان برگزیده نیز از نیکی‌هاشان قدردانی نمی‌گردد (بنا بر این نباید دلسرب شد و دست از نیکی به دیگران کشید).

(۴) به روایت دیلمی، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ لباس خود را وصله می‌زد، کفش خود را می‌دوخت، گوسفندان خود را می‌دوشید، با برده‌گان غذا می‌خورد، بر زمین می‌نشست، بر دراز گوش سوار می‌شد و دیگری را نیز ترک خود سوار می‌کرد. حیا

## آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۴

مانع نمی شد که شخصا نیازمندیهای خود را از بازار تهیه کند و خود به خانه برد. با ثروتمند و فقیر دست می داد و دست خود را نمی کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد. با هر کس رو برو می شد از ثروتمند و فقیر و بزرگ و کوچک سلام می کرد.

چیزی را که به آن دعوت می شد کوچک نمی شمرد گرچه پست ترین نوع خرما بود.

آن حضرت کم خرج، بلند طبع، خوش معاشرت و خوشرو بود. همیشه لبخند بر لب داشت ولی بلند نمی خندید، و غمگین به نظر می رسید اما عبوس و دژم نبود. فروتن بود اما خود را کوچک نمی نمود، بخشندۀ بود اما اسراف نمی ورزید، و نازکدل و مهربان با همه مسلمانان بود. هرگز از روی سیری باد گلو نزد، و هرگز دست طمع به سوی کسی نگشود.

(۱) ۵۳. به روایت طبرسی، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در آینه نگاه می کرد و موی سر را صاف می کرد و شانه می زد، و بسا به آب نگاه می کرد و موی سر را مرتب می ساخت. نه تنها برای خانواده خود که برای یارانش نیز خود را می آراست، و می فرمود: خداوند دوست دارد که بنده اش هنگامی که برای دیدن برادران از خانه بیرون می رود خود را آماده و آراسته نماید.

(۲) ۵۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست بر نمی دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ پالاندار سوار شدن، شیر بزرگ را با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن، تا آنکه پس از من سنت شود.

(۳) ۵۵. به روایت قطب راوندی، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بر کوچک و بزرگ سلام می کرد.

(۴) ۵۶. امیر مؤمنان علیه السلام به مردی از قبیله سعد فرمود: ... صبح یکی از روزها رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به سراغ من و فاطمه آمد و ما هنوز در بستر خواب بودیم، فرمود:

سلام بر شما. ما در آن شرایط شرم کرد، جواب نگفتیم. بار دیگر فرمود: سلام بر

## آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۵

شما. باز جواب ندادیم. بار سوم فرمود: سلام بر شما. ما ترسیدیم که اگر جواب نگوییم آن حضرت باز گردد، زیرا عادت حضرتش چنین بود که سه بار سلام می کرد، اگر جواب می شنید داخل می شد و گرنه بازمی گشت. پس گفتیم: و سلام بر شما ای رسول خدا، بفرمایید، و حضرت داخل شد ...

(۱) ۵۷. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به زنان سلام می کرد و آنان نیز پاسخ می گفتند. و امیر مؤمنان علیه السلام به زنان سلام می کرد ولی کراحت داشت که به زنان جوان سلام کند و می فرمود: می ترسم از آهنگ صدای آنان خوشم آید، آن گاه زیان این کار بیش از اجری که در نظر دارم بر من وارد شود.

(۲) ۵۸. به روایت عبد العظیم حسنی رحمه اللہ، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله سه گونه می نشست: گاه [کف پاها را زمین نهاده] ساقهای پاها را بلند می کرد و دو دست خود را جلو آن قرار می داد و ساق دست را در کف دست دیگر می گرفت (چنیک می زد)، و گاه دو زانو می نشست، و گاه یک پا را تا کرده زیر ران می نهاد و پای دیگر را روی آن می خواباند، و هرگز دیده نشد که آن حضرت [مانند متکران] چهار زانو بشیند.

(۳) ۵۹. علی علیه السلام فرمود: هرگز نشد که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با کسی دست دهد و زودتر از او دستش را بکشد، بلکه درنگ می کرد تا او دستش را بیرون کشد. و هرگز کسی با آن حضرت در کاری یا سخنی مشارکت نکرد که حضرت زودتر از او دست از کار کشید بلکه صبر می کرد تا وی دست از کار بکشد. و نشد کسی با آن حضرت گفتگو را آغاز کند و حضرت پیش از او سکوت کند. و هرگز دیده نشد که نزد کسی پای خود را دراز کند. و هرگز میان دو کار مختبر نشد مگر اینکه دشوارترین آنها را اختیار می فرمود. و درستمی که به او می شد در صدد انتقام بر نمی آمد مگر آنکه محارم خدا هتك شود، که در

این صورت به خاطر خدا خشم می‌گرفت. و هرگز در حال تکیه دادن چیزی نخورد تا از دنیا رحلت فرمود. و چیزی از آن جناب درخواست نشد که «نه» بگوید. و هرگز حاجمندی را آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۶

رد نکرد جز آنکه یا حاجت او را بر می‌آورد، یا او را با سخنی نرم و دلنواز خرسند می‌ساخت. نمازش در عین تمامیت از نماز همه مردم سبکتر، و خطبه‌اش از همه کوتاه‌تر و از بیهوده گویی بر کنار بود. و چون از راه می‌رسید از بوی خوش شناخته می‌شد. و چون با دیگران بر سر یک سفره می‌نشست اول کسی بود که شروع به غذا خوردن می‌کرد و آخرین کسی بود که از غذا دست می‌کشید، و هنگام غذا خوردن از جلو خود می‌فرمود، و تنها هنگام خوردن رطب و خرما دست به سوی دیگر هم می‌برد.

(۱) آشامیدنی را با سه نفس می‌آشامید، و آب را می‌مکید و یکباره سر نمی‌کشید.

دست راستش به خوردن و آشامیدن و گرفتن و دادن اختصاص داشت و جز با دست راست چیزی نمی‌گرفت و نمی‌داد، و دست چپش برای سایر اعضای بدنش بود «۱». در همه کارها چون لباس پوشیدن، کفش پوشیدن و از مرکب پیاده شدن شروع با دست یا پای راست را دوست داشت.

چون کسی را صدا می‌زد سه بار تکرار می‌کرد، ولی در سخن گفتن یک بار بیشتر نمی‌گفت. و اگر اذن دخول می‌گرفت سه بار تکرار می‌فرمود. کلامش روشن بود و هر شنوونده‌ای آن را می‌فهمید. به هنگام سخن گفتن سفیدی دندانش برق می‌زد، و اگر او را می‌دیدی می‌گفتی دندانهای پیش او فاصله دارد ولی فاصله نداشت.

نگاه کردنش کوتاه بود و به کسی خیره نمی‌شد. با کسی سخنی را که او خوش نمی‌داشت نمی‌گفت. هنگام راه رفتن مانند کسی که از سراشیبی فرود می‌آید قدم بر می‌داشت. می‌فرمود: بهترین شما خوشخوت‌ترین شماست. هیچ خوراکی را نکوهش یا ستایش نمی‌کرد. یاران آن حضرت در حضور او کشمکش و بگو مگو نمی‌کردند.

هر کس از او سخن می‌گفت، می‌گفت: هیچ کس را مانند آن جناب صلی اللہ علیہ و آله پیش از آن و

(۱) در روایت است که

الیمین للوجہ، و الیسار للفرج

«دست راست برای صورت و بالاتنه است، و دست چپ برای پایین تنه».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۷

بعد از آن ندیده و نخواهم دید.

(۱) ۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نگاهش را میان یارانش تقسیم می‌کرد و به این و آن یک نواخت می‌نگریست. آن حضرت در میان یاران هرگز پای خود را دراز نکرد. و اگر مردی با آن حضرت دست می‌داد حضرت دست او را رها نمی‌کرد تا او دست خود را عقب بکشد، و چون مردم این نکته را فهمیدند چون با آن حضرت دست می‌دادند فورا دست خود را از دست حضرتش بیرون می‌کشیدند.

به روایتی دیگر: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هرگز سائلی را رد نکرد، اگر چیزی داشت می‌داد، و گر نه می‌فرمود: خدا برساند.

(۲) ۶۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هرگاه با کسی می‌نشست از جا بر نمی‌خاست تا همنشین او از جا برخیزد.

(۳) ۶۲. به روایت طبرسی: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به هنگام سخن گفتن لبخند می‌زد.

(۴) ۶۳. یونس شبیانی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: شما با یک دیگر چگونه شوخی می‌کنید؟ گفتم: خیلی کم!

فرمود: چرا شوخی نمی‌کنید؟! شوخی از خوشخوی است. و با شوخی می‌توانی برادر دینی خود را شاد سازی. همانا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با مردم شوخی می‌کرد و می‌خواست بدین وسیله آنان را شاد سازد.

(۵) ۶۴. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنی نیست مگر آنکه از شوخی بهره‌ای دارد.

رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نیز شوخی می‌کرد ولی جز سخن حق چیزی نمی‌گفت.

(۶) ۶۵. معمر بن خلداد گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم و گفتتم: قربانت گردم، آدمی در میان گروهی قرار دارد، سخنی به میان می‌آید که همه شوخی می‌کنند و می‌خندند، این چه صورت دارد؟ فرمود: مانعی نیست، اگر نباشد - و من یقین کردم منظور آن حضرت آن است که فحش و ناسزایی در میان نباشد - سپس فرمود: مردی از اعراب بادیه‌نشین نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ می‌آمد و برای آن حضرت هدیه می‌آورد و همانجا می‌گفت: پول هدیه مرا مرحمت کن! و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از این سخن

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۸

می‌خندید. و هر گاه غمگین می‌شد می‌فرمود: اعرابی چه می‌کند؟ کاش نزد ما می‌آمد [و با سخنانش ما را می‌خندانید].

(۱) ۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.

(۲) ۶۷. به روایت طبرسی: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چنان بود که کودک را برای دعای برکت یا نامگذاری حضور انورش می‌آوردن و آن حضرت به احترام کسانش او را در دامن خود می‌نشانید، و گاه می‌شد که کودک در دامان آن حضرت ادرار می‌کرد، برخی از کسانی که ناظر بودند به روی کودک فریاد می‌زدند، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ می‌فرمود: با تندی از ادرار کودک جلوگیری نکنید، او را رها کنید تا کاملاً ادرار کند. آن گاه به دعا و نامگذاری وی می‌پرداخت و کسان کودک نیز خوشحال می‌شدند و آزردگی و ملالت خاطری از این حادثه در پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ نمی‌دیدند، و چون از نزد آن حضرت بازمی‌گشتند ایشان لباس خود را آب می‌کشید.

(۳) ۶۸. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگامی که سواره بود نمی‌گذاشت کسی پیاده همراه او حرکت کند، یا او را با خود سوار می‌کرد، و اگر وی نمی‌پذیرفت حضرت می‌فرمود: جلوتر برو و هر جا در نظر داری منتظر من بمان.

(۴) در اخبار آمده: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هیچ گاه برای خود از کسی انتقام نگرفت، بلکه آزار دهنده‌گان را می‌بخشید و از آنان گذشت می‌فرمود.

(۵) ۷۰. به روایت طبرسی: ... (مانند روایت ۶۱ است)

(۶) ۷۱. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ اگر یکی از یارانش را سه روز پیاپی نمی‌دید از حال وی جویا می‌شد، اگر در سفر بود برایش دعا می‌کرد، اگر در شهر بود به دیدارش می‌رفت، و اگر بیمار بود از او عیادت می‌فرمود.

(۷) انس گوید: نه سال خدمتگزاری پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ کردم، هرگز یاد ندارم که در این مدت به من فرموده باشد: چرا فلان کار را نکردی؟! و هرگز در کاری بر من ایراد نگرفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۳۹

(۱) ۷۳. انس گوید: به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، هرگز نشد که آن حضرت در کاری که خوشایندش نبود به من فرموده باشد: چرا چنین کردی؟! و هیچ گاه همسرانش مرا ملامت نکردند جز آنکه می‌فرمود: کاری به او نداشته باشید، تقدير و سرنوشت چنین بوده است.

(۲) ۷۴. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ را کسی از یاران یا دیگران صدا نمی‌زد جز آنکه در جواب می‌فرمود: لبیک.

(۳) ۷۵. و نیز گوید: آن حضرت برای احترام و به دست آوردن دلهای یاران خود آنان را به کنیه صدا می‌زد «۱»، و برای کسانی که

کنیه نداشتند کنیه قرار می داد و مردم نیز او را به همان کنیه می خواندند. همچنین برای زنان فرزنددار و بی فرزند و حتی بچه ها کنیه قرار می داد و بدین وسیله دلهای آنان را به دست می آورد.

(۴) ۷۶. هر گاه کسی بر آن حضرت وارد می شد حضرت تشکچه اش را به او می داد، و اگر شخص تازه وارد نمی خواست قبول کند او را سوگند می داد تا بپذیرد.

(۵) ۷۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) در ماه مبارک رمضان مانند باد تند و سریع بود که چیزی در دستش قرار نمی گرفت و هر چه داشت اتفاق می کرد.

(۶) ۷۸. عجلان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سائلی آمد، امام برخاست و از سبدی که در آن خرما بود دست خود را پر کرد و به سائل داد. سائلی دیگر آمد، امام دوباره برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. سائل سومی آمد، باز برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. بار چهارم سائل دیگر آمد، امام فرمود: خداوند روزی رسان ما و شمامست! سپس فرمود: کسی از رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) از دنیا نمی خواست مگر اینکه عطا می فرمود، تا آنکه زنی پسر خود را نزد آن حضرت فرستاد و به او گفت: نزد حضرت برو و از او چیزی بخواه، اگر فرمود: فعلا چیزی نداریم، بگو: پیراهن خود را به من بده. امام فرمود: آن حضرت پیراهن خویش را

(۱) به پاورقی صفحه ۸۶ رجوع شود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۰

در آوردن و نزد پسر افکند (و به او عطا فرمود)، آن گاه خداوند آن حضرت را به میانه روی ادب فرمود و این آیه را فرستاد: و لا تجعل یدک مغلولة الی عنقک «۱» (دست خود را به گردنت مبند (بخل مورز) و نیز به طور کلی باز مکن (هر چه داری مده) که در غیر این صورت ملول و دلتگ خواهی نشست).

(۱) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) میل می کرد و از صدقه میل نمی فرمود.

(۲) موسی بن عمران بن بزیع گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کرد: قربانت گردم، مردم روایت کنند که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) از راهی می رفت، در هنگام مراجعت از راهی دیگر بازمی گشت، آیا چنین است؟ فرمود: آری، من هم بسیاری از اوقات چنین می کنم، تو نیز چنین کن، و آگاه باش که این کار برایت روزی آورتر است.

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) از طلوع آفتاب از خانه بیرون می رفت.

(۴) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) در نزدیکترین جا به محل ورود خود می نشست.

(۵) ۸۳. در کتاب «عواوی اللئالی» گوید: نقل است که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) خوش نمی داشت کسی پیش پای وی برخیزد، و مردم نیز از این جهت پیش پای حضرتش بر نمی خاستند، ولی هنگامی که حضرت برای رفتن بر می خاست آنان نیز با او بر می خاستند و تا در منزل بدرقه اش می گردند.

(۶) اسحاق بن عمیار گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صل) اراده جنگ می کرد زنان خود را فرا می خواند و با آنان مشورت می کرد، سپس خلاف نظر آنان عمل می نمود.

(۱) اسراء / ۲۹

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۱

(۱) ۸۵. در «مناقب» گوید: پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ در وقت نیم روز در اتاق ام سلمه می خوابید، و او عرق آن حضرت را جمع می کرد و داخل عطر می نمود.

ملحقات

- (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با بندگان خدا به اندازه عقل خود سخن نگفت. خود آن حضرت فرموده است: ما گروه پیامبران مأموریم با مردم به اندازه عقل آنان سخن گوییم.

(۲) و نیز فرمود: ما گروه پیامبران همان گونه که مأموریم واجبات را بر پا داریم مأموریم با مردم به مدارا رفتار کنیم.

(۳) (تکرار روایت ۲ است).

(۴) سعد بن هشام گوید: نزد عایشه رفتم و از وی در باره اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم، گفت: آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: چرا، گفت: اخلاق رسول خدا [همان دستورات اخلاقی] قرآن است.

(۵) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مردانگی و جوانمردی ما خاندان، در گذشتن از کسانی است که به ما ستم کردہ‌اند و بخشش به کسانی است که ما را محروم ساخته‌اند.

(۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا دستور داده که مسلمانان فقیر را دوست بدارم.

(۷) امام صادق علیه السلام فرمود: صبر، راستگویی، برباری و خوش‌خلقی از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.

(۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به درگاه خدا تضرع و زاری می‌نمود و همیشه از خداوند درخواست می‌کرد که او را به آداب پسندیده و اخلاق نیک زینت بخشد، از این رو در دعای خود می‌گفت: خدایا اخلاق مرا نیکو ساز ... خدایا مرا از اخلاق آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۲

(۹) ناپسند دور ساز.

(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته روح الامین - جبرئیل - از سوی پروردگار جهانیان بر من نازل شد و گفت: «ای محمّد، بر تو باد به اخلاق خوش، زیرا - بدخلقی خیر دنیا و آخرت را از بین می‌برد.» آگاه باشید که شبیه‌ترین شما به من کسانی هستند که اخلاقشان از همه نیکوتر باشد.

(۲) حسین بن زید گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با کسی شوخی می‌کرد؟ فرمود: خداوند او را به داشتن خلقی بزرگ ستوده است، در همه پیامبرانی که خداوند برانگیخت نوعی خشونت و گرفتگی وجود داشت، ولی محمد صلی الله علیه و آله را با مهر و رافت آن حضرت به امتش این بود که با آنان شوخی می‌کرد تا مبادا عظمتش چندان در آنان تأثیر کند که نتواند به او نگاه کنند! جدم علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از یارانش را غمگین می‌دید با شوخی کردن دل او را شاد می‌ساخت. آن حضرت می‌فرمود: خداوند کسی را که با ترشیوی با برادرانش دیدار کند دشمن می‌دارد.

(۳) زید بن ثابت گوید: چون با رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌نشستیم، اگر از آخرت شروع به سخن گفتن می‌کردیم او نیز با ما همسخن می‌شد، و اگر از دنیا سخن می‌گفتیم باز هم با ما همسخن می‌شد، و اگر از خوردنیها و آشامیدنیها سخن می‌گفتیم باز هم با ما در آن زمینه سخن می‌گفت.

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله با چشم و ابرو و دست اشاره نمی‌کرد.

(۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از زنان خود فرمود: آیا تو را نهی نکردم که چیزی را برای فردا ذخیره نکنی؟! زیرا خداوند روزی هر فدام، را خواهد رساند.

(۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: بهترین و گرامی‌ترین خوی پیامبران و راستان و شهدا و صالحان، به دیدار یک دیگر رفتن برای خدادست.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۳

(۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: از اخلاق پیامبران و راستان خوشروی بی هنگام دیدار و دست دادن به هنگام ملاقات است.

(۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه با مسلمانی دیدار می کرد نخست با او دست می داد.

(۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می فرمود: هیچ یک از شما یارانم از دیگری نزد من بدگویی نکند، زیرا من دوست دارم که با دلی صاف و پاک نزد شما بیایم (واز کسی دلگیر نباشم).

(۱۰) پیامبر صلی اللہ علیہ و آله فرمود: ما گروه پیامبران و امینان و پرهیز گاران از تکلیف و زحمت بی جا به خود دادن بری هستیم.

(۱۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: من برانگیخته شده‌ام تا مرکز حلم و معدن علم و مسکن صبر باشم.

(۱۲) ابوذر رحمه اللہ گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بدون امتیاز در میان اصحاب خود می نشست به گونه‌ای که هر گاه شخص غریبی وارد می شد نمی دانست پیامبر کدام است تا آنکه بپرسد. ما از پیامبر صلی اللہ علیہ و آله خواهش کردیم که برای خود جای خاصی قرار دهد تا شخص تازه وارد آن حضرت را بشناسد. پس برایش سکویی از گل ساختیم و حضرت بر آن می نشست و ما در دو طرف او می نشستیم.

(۱۳) روایت شده که از سنن پیامبر صلی اللہ علیہ و آله آن است که چون با گروهی سخن می گویی در میان آنان فقط به یک فرد معین رو نکنی، بلکه همگان را مورد توجه قرار دهی.

(۱۴) و نیز روایت است که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله لباس خود را می دوخت و کفش خود را پینه می زد، و بیشتر کاری که در خانه انجام می داد خیاطی بود.

(۱۵) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گز غلام و کنیز و غیر آنان را نزد مگر در راه خدا، و هرگز برای شخص خود از کسی انتقام نگرفت و انتقام او تنها آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۴

برای آن بود که خواسته باشد یکی از مجازاتهای الهی را در باره کسی اجرا کند.

(۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به راستگویی و ادای امانت به صاحبیش، نیکوکار باشد یا بدکار.

(۱۷) امام صادق علیه السلام فرمود: امانت را به صاحبیش باز گردانید، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله حتی نخ و سوزنی را که به او سپرده بودند به صاحبیش باز می گرداند.

(۱۸) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با مردی و عده نهاد که در کنار فلاں صخره در انتظار او بماند تا بیاید. پیامبر در آنجا ماند و شدت گرمی آفتاب در آن مکان حضرت را رنج می داد، یارانش گفتند: یا رسول اللہ، خوب است زیر سایه بروید! فرمود: من در اینجا با او و عده نهاده‌ام، و اگر نیامد خلف وعده از او خواهد بود.

(۱۹) امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: ما خاندان پیامبر دستور داریم بینوایان را طعام دهیم، گرفتاران را در سختی‌ها پناه دهیم و آن گاه که مردم در خوابند به نماز برخیزیم.

(۲۰) در روایت آمده: برای حضرت رضا علیه السلام مهمانی رسید، امام مقداری از شب را با او نشسته و گفتگو می کرد، در این

میان نور چراغ تغییر کرد و کم سو شد، مهمان دست دراز کرد تا چراغ را اصلاح کند، حضرت رضا علیه السلام جلو دست او را گرفت و پیشستی نموده، خود به اصلاح چراغ پرداخت، سپس فرمود: ما مردمی هستیم که مهمانان خود را به کار نمی گیریم.

(۶) ۲۹) حریز بن عبد اللہ گوید: گروهی از قبیله جهینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدند و آن حضرت از آنان پذیرایی کرد. چون خواستند از حضورش مرخص شوند امام توشه راه برایشان فراهم ساخت و به آنان صله داد و بخشش نمود، سپس به غلامان خود فرمود: از آنان دور شوید و در بستن بارهاشان کمک نکنید. چون مهمانان از بستن بار و بنه فارغ شدند و برای خدا حافظی خدمت آن حضرت آمدند.

#### آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۵

گفتند: یا بن رسول اللہ، ما را به مهمانی پذیرفتی و خوب هم پذیرایی فرمودی، اما در آخر به غلامان خود دستور دادی که در بستن بارها به ما کمک نکنند؟! فرمود: ما خاندان پیامبر مهمانان را برای رفتن از نزد خود کمک نمی کنیم.

(۱) ۳۰) موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هنگامی که برای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله مهمان می رسید حضرت با او هم غذا می شد، و تا مهمان از غذا خوردن دست نمی کشید آن حضرت نیز دست نمی کشید.

(۲) ۳۱) غزالی گوید: از سنن پیامبر صلی اللہ علیه و آله در باره مهمان آن است که او را تا دم درب خانه مشایعت کنند.

(۳) ۳۲) یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: بسا اتفاق می افتاد که امام صادق علیه السلام از ما با نان روغنی و حلوا روغن و خرما پذیرایی می کرد و سپس نان و زیتون به ما می خورانید. به آن حضرت عرض شد: بهتر است حساب شده تر کار کنید تا اعتدال رعایت شود! فرمود: ما به حساب و تدبیر خدا کار می کنیم؛ وقتی خدا به ما گشایش دهد ما نیز در زندگی گشایش می دهیم، و هر گاه تنگ گیرد ما نیز جمع و جورتر خرج می کنیم.

(۴) ۳۳) امام صادق علیه السلام به یارانش می فرمود: کسی که به شما اظهار دوستی می کند با ذکر عیبهاش به او طعنه تزئین و خوی زشتی را که گرفتار آن است به رخ او نکشید، زیرا این کار نه از اخلاق رسول خدا صلی اللہ علیه و آله و نه از اخلاق اولیای خدادست.

(۵) ۳۴) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: اگر مرا برای خوردن پاچه گوسفندی هم دعوت کنند می پذیرم، و چنانچه آن را به من هدیه دهنده قبول می کنم.

(۶) ۳۵) معمر بن خلّاد گوید: یکی از غلامان حضرت رضا علیه السلام به نام سعد از دنیا رفت، حضرت فرمود: مردی صاحب فضل و امانت را به من معرفی کن. عرض کردم: من به شما معرفی کنم؟! امام بسان مردی خشمگین فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله با یاران خود مشورت می کرد، سپس به آنجه تصمیم می گرفت عمل می کرد.

#### آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۶

(۱) ۳۶) امام عسکری علیه السلام فرمود: به پدر بزرگوارم عرض کردم: هنگامی که یهود و مشرکان با رسول خدا صلی اللہ علیه و آله عناد و لجاجت می ورزیدند، آیا آن حضرت با آنان مناظره و احتجاج می کرد؟ فرمود: آری، بارها و بارها این اتفاق افتاد.

(۲) ۳۷) پیامبر اکرم صلی اللہ علیه و آله فرمود: از نخستین چیزهایی که خداوند مرا از آنها نهی کرد نزاع و کشمکش با مردم بود.

(۳) ۳۸) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: وقتی از رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چیزی می خواستند، اگر می خواست آن را انجام دهد می فرمود: آری (به چشم)، و اگر نمی خواست انجام دهد سکوت می کرد، و هرگز در باره چیزی «نه» نمی گفت.

(۴) ۳۹) انس گوید: هر گاه خدمت پیامبر صلی اللہ علیه و آله می رسیدم حلقهوار دور هم می نشستیم.

(۵) ۴۰) جابر گوید: هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بیرون می شد یارانش پیشاپیش آن حضرت راه می رفتند و پشت سر او را برای فرشتگان می گذاشتند.

(۶) چابر بن عبد اللہ انصاری در حدیثی که برخی از آداب جنگ رسول خدا صلی اللہ علیه و آله را بر شمرده گوید: آن حضرت در جنگها آخر همه مردم حرکت می کرد، و اگر شخص ناتوانی از رفتن باز مانده بود او را به نرمی و آرامی ردیف خود سوار می کرد؛ و برای شرکت کنندگان دعا می نمود.

(۷) روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از کالای دنیا به آنچه در نظر دیگران نیکو و فریبینده بود نگاه نمی کرد.

(۸) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون از چیزی ناراحت و غمگین می شد به نماز و عبادت خدا پناه می برد.

(۹) و نیز روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله با خوبی خوش خود با مردم معاشرت می کرد ولی دلش از آنان جدا بود؛ ظاهرش با خلق خدا و باطنش با حق تعالی بود.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۴۷

(۱۰) و نیز روایت است که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله تنها ی و خلوت با خدا را دوست داشت.

(۱۱) ام سلمه گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در اواخر عمر همواره در حال برخاستن و نشستن و رفتن و آمدن می گفت: «سبحان اللہ و بحمدہ، استغفر اللہ و اتوب الیه»

چون علت آن را پرسیدیم، فرمود: از سوی خداوند دستور دارم؛ سپس سوره إذا جاء نصر اللہ را می خواند [که در آن دستور به تسبیح گفتن و استغفار کردن به آن حضرت داده شده است].

(۱۲) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت چیز دستور فرموده است: مرا سفارش کرده که در تمام کارهای پنهان و آشکار اخلاص ورزم، و از کسی که بر من ستم نماید درگذرم، و به هر که مرا محروم سازد بخشن کنم، و با هر که با من قطع رابطه کرد رابطه برقرار سازم، و سکوتم برای تفکر، و نگاهم برای پند و عبرت باشد.

(۱۳) در روایت آمده که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله کفش خود را پینه می زد، و لباسش را وصله می کرد، و خود در خانه را باز می کرد، و شیر گوسفندان را می دوشید، و شتر را می بست سپس شیر آن را می دوشید، و چون خادمش از آسیاب کردن خسته می شد به او کمک می کرد و خود آسیاب می نمود.

آب وضوی شبش را خود تهیه می کرد؛ هیچ کس در شرم و حیا بر او پیشی نداشت؛ هنگام نشستن تکیه نمی کرد در کارها به اهل خانه کمک می نمود و با دست خود گوشت خرد می کرد.

چون بر سر سفره غذا حاضر می شد مانند بندگان می نشست؛ بعد از غذا انگشتان خود را می لیسید، و هر گز در اثر پرخوری باد گلو نزد.

دعوت هر کسی را- آزاد باشد یا بنده- می پذیرفت اگر چه برای خوردن دست و پاچه گوسفندی بود. هدیه را قبول می کرد گرچه جرعه‌ای شیر بود و از غذای هدیه می خورد ولی از غذای صدقه نمی خورد. به چهره کسی خیره نمی شد. برای

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۴۸

خدا خشم می گرفت اما برای خویش خشم نمی گرفت.

گاهی از گرسنگی سنگ بر شکم می بست. هر طعامی که حاضر می شد میل می کرد، و هر غذایی که می یافت رد نمی کرد.

(۱۴) دو لباس روی هم نمی پوشید، گاه یک نوع برد راه یمانی به تن می کرد، گاه عبایی پشمینه روی دوش می افکند، و گاه لباسهای کلفت از پنبه و کتان می پوشید، و بیشترین لباسهای حضرتش سفید بود. زیر عمامه شبکلاه به سر می گذاشت. پیراهن را از سمت راست آن می پوشید. یک لباس مخصوص روز جمعه داشت. هر گاه پیراهن نو می پوشید پیراهن کهنه خود را به فقیری می داد. عبایی داشت که هر جا می رفت آن را برایش دو تا می کردند و بر روی آن می نشست.

انگشتی نقره در انگشت کوچک دست راست می‌کرد.

هندوانه و خربزه را دوست می‌داشت، و از بوهای ناخوش بدش می‌آمد.

هنگام وضو گرفتن مسواک می‌کرد. موقع سوار شدن، غلام خود و یا کس دیگری را ردیف خود سوار می‌کرد، هر حیوانی که برایش میسر بود سوار می‌شد: اسب، استر، الاغ. بر الاغ بی‌پالان که تنها لگامی بر آن بود نیز سوار می‌شد.

گاهی پیاده نیز و پا بر هنر و بدون پوشیدن عبا و عمامه و عرقچین راه می‌رفت.

تشیع جنازه می‌کرد، و در دورترین نقاط شهر از بیماران عیادت می‌فرمود.

با فقرا می‌نشست، و با تهیدستان هم غذا می‌شد و با دست خود برای آنان لقمه می‌گرفت. به اهل فضیلت احترام می‌گذشت، و با نیکوبی کردن به اشخاص آبرومند با آنان انس می‌گرفت. با خویشاوندان خود صله رحم می‌کرد بدون آنکه آنان را بر دیگران مقدم دارد مگر به آنچه خدا امر فرموده باشد.

بر کسی ستم و درشتی نمی‌کرد. پوزش عذرخواهان را می‌پذیرفت. بیش از همه کس لب خند بر لب داشت مگر زمانی که قرآن بر او نازل می‌شد و یا مردم را موعظه می‌کرد. و خنده‌اش بدون قهقهه بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۴۹

(۱) در خوراک و پوشاك از غلامان و کنیزان خود برتری نمی‌جست. هر گز به کسی فحش و ناسزا نگفت، و هیچ گاه زن یا خادمی را لعن و نفرین نکرد، و هیچ گاه کسی را در حضور آن حضرت سرزنش نکردند جز آنکه می‌فرمود: رهایش کنید و به او کار نداشته باشید.

کسی نزد او نمی‌آمد- آزاد باشد یا غلام یا کنیز- جز آنکه در پی حاجت او بر می‌خاست. خشن و درستخون بود، و در بازارها جار نمی‌زد. در مقابل بدی دیگران بدی نمی‌کرد، بلکه بدی آنان را نادیده می‌گرفت و از آنان در می‌گذشت. به هر کس می‌رسید آغاز به سلام می‌کرد.

هر کس برای کاری نزد او نمی‌آمد با وی همکاری می‌کرد تا آنکه خود آن شخص منصرف گردد. هر گز نشد کسی دست آن حضرت را بگیرد و ایشان پیش از وی دستش را از دست او بیرون کشد. و چون به مرد مسلمانی می‌رسید نخست با او دست می‌داد. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بر نمی‌خاست و نمی‌نشست جز به یاد خدا. و هنگامی که در نماز بود کسی نزد او نمی‌نشست جز آنکه نمازش را کوتاه می‌کرد و به وی رو نموده می‌فرمود: آیا حاجتی داری؟

در نشستن اکثرا کف پاها را بر زمین می‌گذشت و زانوها را در بغل می‌گرفت.

هنگام ورود به مجلس در نزدیکترین جایی که خالی بود می‌نشست، و بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.

هر کس را که بر او وارد می‌شد احترام می‌کرد و بسا لباس خود را زیر او می‌گسترد و شخص تازه وارد را بر خود ترجیح داده، بر تشکیچه‌اش می‌نشاند. در حال خشنودی و خشم جز به حق سخن نمی‌گفت.

آن حضرت خیار را گاه با خرما و گاه با نمک میل می‌کرد. در میان میوه‌های تازه هندوانه و خربزه و انگور را بیش از همه دوست می‌داشت. بیشتر خوراک

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۰

آن حضرت آب و خرما بود. شیر را با خرما میل می‌کرد و آن را دو غذای پاکیزه می‌نماید. گوشت را بیش از غذاهای دیگر دوست داشت، و ترید را با گوشت تناول می‌کرد. کدو را دوست داشت. از گوشت شکار می‌خورد ولی خود شکار نمی‌کرد.

نان و روغن میل می‌کرد. از گوشت گوسفند، ماهیچه و سردست را دوست داشت، و از پختنی‌ها «کدو حلواهی»، از خورش‌ها «سرکه»، از خرما «عجوه» (که نوعی خرمای پر گوشت است)، و از سبزی‌ها «کاسنی و ریحان کوهی و کلم» را دوست داشت.

- (۱) ۴۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در دعای خود می گفت: خدایا، مرا مسکین و تهیدست زنده بدار، و مسکین و تهیدست بمیران، و در زمرة مسکینان و تهیدستان محسشور فرما ...
- (۲) ۵۰) عبد اللہ بن ابی اوفری گوید: هر گاه کسی زکاتی نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می آورد، آن حضرت قوم و قبیله او را دعا می کرد و می گفت: خداوندا، بر آل فلان درود فرست.
- (۳) ۵۱) در روایت آمده که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فال نیک را دوست داشت و از فال بد بدش می آمد (یعنی دوست نداشت کسی فال بد بزند).
- (۴) ۵۲) علی علیه السلام فرمود: هر گاه کسی نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله سخن دروغی می گفت، آن حضرت لبخند می زد و می فرمود: او یک حرفی می زند!
- (۵) ۵۳) روایت است که هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله سخنی می گفت یا چیزی از او می پرسیدند سه مرتبه تکرار می کرد تا هم حرف طرف کاملاً روشن شود و هم دیگران فرمایش او را درست بفهمند.
- (۶) ۵۴) روایت است که چون یاران رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله خدمت ایشان می رسانید [به جای سلام] می گفتند: «صبح به خیر و شب به خیر» و این سلام و تحيیت مردم زمان جاهلیت بود، پس خداوند این آیه را فرستاد: «و هنگامی که نزد تو می آیند تو را به آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۱
- چیزی تحيیت گویند که خداوند تو را با آن تحيیت نگفته است «۱». آن گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به آنان فرمود: خداوند بهتر از این را که تحيیت بهشتیان است به ما ارزانی داشته و آن «السلام علیکم» است.
- (۷) ۵۵) هر گاه یکی از مسلمانان به پیامبر صلی اللہ علیہ و آله سلام می کرد و می گفت: «سلام علیک» در پاسخ می فرمود: «و علیک السلام و رحمة الله»
- ، و چون می گفت: «السلام علیک و رحمة الله» پیامبر می فرمود:
- «و علیک السلام و رحمة الله و برکاته»
- ، و آن حضرت بدین گونه در پاسخ سلام سلام کنندگان می افزوذ.
- (۸) ۵۶) علی علیه السلام فرمود: هر گاه تولد دختری را به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله مژده می دادند می فرمود: شاخه گلی است و روزیش بر خدادست.
- (۹) ۵۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: من مأمورم که زکات را از ثروتمدانتان بگیرم و به نیازمندانتان برسانم.
- (۱۰) ۵۸) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله زکات روستاییان را میان روستاییان، و زکات شهریان را میان شهریان تقسیم می کرد ...
- (۱۱) ۵۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: من تربیت شده خدا هستم، و علی تربیت شده من است؛ پروردگارم مرا به بخشش و نیکی کردن دستور داده، و از بخل و جفا کردن نهی فرموده است.
- (۱۲) ۶۰) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: هر که از ما چیزی بخواهد، اگر آن را داشته باشیم از وی دریغ نمی کنیم.
- (۱۳) ۶۱) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه چیزی را فراموش می کرد پیشانی خود را در میان کف دستش می گذاشت و می گفت: «بار الها، سپاس و ستایش ویژه توست، ای به یادآورنده هر چیز و انجام دهنده آن، آنچه را فراموشم

شده به یادم آر».

## (۱) مجادله / ۸

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۲:

(۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: خدای تبارک و تعالیٰ شش خصلت را برای من خوش نداشت و من نیز آنها را برای جانشینان پس از خود از فرزندانم و پیروانشان خوش نمی‌دارم: بازی کردن در نماز [با اعضای بدن یا لباس]، بذبانی در حال روزه، مُنت نهادن پس از صدقه دادن، با جنابت به مسجد رفتن، سرکشی در خانه‌های مردم، و خندیدن در گورستان.

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: نیکی، بخشش، صبر بر پیشامد ناگوار، و اقدام به ادائی حق مؤمن.

(۳) علی علیه السلام فرمود: بسیاری از اوقات، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نگین انگشتريش را در کف دست قرار می‌داد و به آن می‌نگریست.

(۴) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چیدن خرما و درو کردن زراعت را در شب کراحت داشت [زیرا نمی‌خواست فقرا و تهیدستان بی‌بهره بمانند].

(۵) روایت است که پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آله هنگامی که میوه‌ها می‌رسید دستور می‌داد در دیوار باغ شکافی ایجاد کنند [تا دیگران نیز بتوانند از میوه‌های آن استفاده کنند].

(۶) علی علیه السلام فرمود: کسانی خدمت پیامبر صلی اللہ علیہ و آله می‌رسیدند و گرد او جمع می‌شدند که چیزی نداشتند؛ انصار [که اهل مدینه بودند] گفتند: خوب است از هر نخلستانی یک خوش از خرما به اینان اختصاص دهیم. و این سنت جاری شد و تا امروز ادامه یافته است.

(۷) نقل است که جبرئیل علیه السلام گفت: در روی زمین خانواده‌ای نماند جز اینکه آنها را زیر و رو و بررسی نمودم و کسی را بخشنده‌تر از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نسبت به مال دنیا نیافتم.

(۸) علی علیه السلام فرمود: هر گاه سائلی نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می‌آمد [و درخواستی می‌کرد] آن حضرت می‌فرمود: مانعی نیست، مانعی نیست ...

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۳:

(۱) جابر گوید: هر گز نشد که چیزی از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله درخواست شود و آن حضرت «نه» بگوید. ابن عتبیه گوید: اگر چیزی حاضر نداشت و عده آن را می‌داد.

(۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه می‌خواست لشکری به سویی بفرستد اول روز اعزام می‌کرد.

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون لشکری را روانه می‌ساخت برای آنها دعا می‌کرد.

(۴) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله لشکری را به، سویی می‌فرستاد و فرماندهی بر آنان پیشوایی می‌کرد، آن حضرت یک نفر از معتمدین خود را با وی می‌فرستاد تا اخبار او را گزارش دهد.

(۵) امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرماندهی را با لشکری گسیل می‌داشت، نخست او را به رعایت تقوای الهی در باره خود و عموم یارانش سفارش می‌کرد، سپس می‌فرمود: به نام خدا و در راه خدا پیکار کن، با منکران خدا بجنگید، مکر نکنید، خیانت نکنید، کشتگان را مثله نکنید (گوش و بینی و انگشتان آنان را نبرید) کودکان و کسانی را که در سر کوهی به عبادت مشغولند (راهبان را) نکشید، درختان خرما را آتش نزنید و در آب غرق نسازید، هیچ درخت میوه‌داری را

نبیرید و زراعتی را آتش نزنید، زیرا شما نمی‌دانید، شاید به آن نیازمند شوید. و از چهارپایان حلال گوشت غیر آن را که ناچار از خوردن آنید پی نکنید، و چون با دشمن مسلمانان رو برو شدید آنان را به یکی از سه چیز (مسلمان شدن، جزیه دادن، ترک جنگ) فراخوانید، پس اگر در مورد هر یک از آنها پاسخ مثبت دادند از آنان بپذیرید و دست از سر آنان بردارید.

(۶) علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با دشمن رو برو می‌شد پیادگان و سوارگان و شتر سواران را آماده می‌کرد، آن گاه می‌گفت: خداوندا، تو پناه و یاور و حافظ من از خطرهایی؛ خداوندا، به یاری تو حمله می‌کنم و می‌جنگم.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۴

(۱) (۷۶) قاتده گوید: هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در میدان جنگ حضور می‌بافت می‌گفت: خداوندا، به حق حکم فرما!

(۲) (۷۷) در یکی از نامه‌های علی علیه السلام به معاویه آمده است: هر گاه تور جنگ گرم می‌شد و مردم از ترس عقب‌نشینی می‌کردند، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله اهل بیت خود را پیشاپیش لشکر قرار می‌داد و یارانش را به وسیله خویشان خود از سوز شمشیرها و نیزه‌ها نگاه می‌داشت ...

(۳) (۷۸) حضرت رضا علیه السلام در هنگام بیعت با مردم بر ولایت‌عهدی خویش فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با مردم این چنین بیعت می‌کرد؛ آن گاه خود آن حضرت از مردم بیعت گرفت در حالی که دست مبارکش بالای دست آنان قرار داشت.

(۴) (۷۹) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با زنان دست نمی‌داد و هر گاه می‌خواست از آنان بیعت بگیرد ظرف آبی را می‌آوردند، آن حضرت دست خود را در آب فرو می‌برد سپس بیرون می‌آورد، آن گاه می‌فرمود: شما هم دستهایتان را در آب فرو ببرید، که من با شما بیعت کردم.

(۵) (۸۰) از جمله اموری که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در بیعت با زنان شرط می‌فرمود این بود که جز با مردان محرم با مردان دیگر سخن نگویند.

(۶) (۸۱) ابن عباس گوید: هر گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به مردی می‌نگریست و از او خوشش می‌آمد، می‌پرسید: آیا او شغلی دارد؟ اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد! می‌گفتند: یا رسول الله، چرا از چشمان افتاد؟ می‌فرمود: زیرا وقتی مؤمن بیکار بود دین خود را سرمایه زندگانیش قرار می‌دهد.

(۷) (۸۲) امام صادق علیه السلام فرمود: قرض و عاریه و پذیرایی مهمان از سنن رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله است.

(۸) (۸۳) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در هنگام قرض اگر در همه‌های فاسد می‌گرفت، در هنگام پرداخت در همه‌ای صحیح و سالم می‌داد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۵

(۱) (۸۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: خداوند به من وحی کرد که چهار کس را دوست بدارم: علی، ابا ذر، سلمان و مقداد را ...

(۲) (۸۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خداوند تو را امر می‌کند که علی را دوست بداری، و دیگران را نیز به دوستی و ولایت او امر نمایی.

(۳) (۸۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت خصلت دستور فرموده: دوست داشتن مساکین و تهییدستان و نزدیک شدن به آنان، و اینکه فراوان ذکر لا حول و لا قوّة الا بالله

بگویم، و با خویشان خود صله رحم کنم اگر چه آنان با من قطع رابطه کرده باشند، و [در امور مادی] به کسانی که پایین‌تر از من

قرار دارند بنگرم و به بالاتر از خود نگاه نکنم، و در راه خدا سرزنش کننده مرا دلسرب نکند، و حق را بگویم اگر چه تلغی باشد، و از کسی چیزی درخواست نکنم.

(۴) ۸۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: اگر توانستی که در تمام روز و شب خود حقد و کینه‌ای از کسی به دل نداشته باشی چنین کن، زیرا این از سنت من است، و هر که سنت مرا زنده کند مرا زنده کرده، و هر که مرا زنده کند در بهشت با من خواهد بود.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۶

(۱)

### ۳ آداب و سنن آن حضرت در نظافت و آرایش و مانند آن

#### اشاره

(۲) ۸۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گاه می خواست موی سر و محاسن خود را بشوید با سدر می شست.

(۳) ۸۷) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ موی خود را شانه می زد و بیشتر اوقات آن را با آب صاف و مرتب می کرد، و می فرمود: آب برای خوشبو کردن مؤمن کافی است.

(۴) ۸۸) امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «نzd هر مسجدی زینت کنید ۱» فرمود: مراد از زینت شانه‌زدن است؛ زیرا شانه‌زدن روزی را جلب می کند، موی را نیکو و حاجت را بر آورده می سازد؛ بر قوت مردانگی می افزاید و بلغم را بر طرف می کند.

رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ زیر محاسن خود را چهل بار و روی آن را هفت بار شانه می زد، و

(۱) اعراف / ۳۱

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۷

می فرمود: این کار حافظه را زیاد می کند و بلغم را از بین می برد.

(۱) ۸۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: گرفتن از موی شارب به حدی که خط لب آشکار شود از سنت است.

(۲) ۹۰) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: مجوس (زرتشیان) ریش خود را می تراشند و سبیل را پر پشت می گذارند، و ما سبیل خود را می زنیم و ریش خود را بلند می گذاریم.

(۳) ۹۱) روایت است که دفن کردن مو و ناخن و خون از سنت است.

(۴) ۹۲) امام صادق علیه السلام فرمود: گرفتن ناخن‌ها از سنت است.

(۵) ۹۳) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام از خضاب کردن (رنگ کردن موی سر و صورت) پرسید، آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خضاب می کرد، و اکنون موی خضاب شده آن حضرت نزد ماست.

(۶) ۹۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و حسین بن علی و امام باقر علیهم السلام با رنگ مخصوصی به نام «کتم» (برگ نیل، وسمه) خضاب می کردند، و امام سجاد علیه السلام با حنا و کتم خضاب می نمود.

(۷) ۹۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نوره می کشید، و تا حدی که لنگ به کمر بسته بود دیگری برای آن حضرت نوره می مالید و آن مقدار را که زیر لنگ پوشیده بود خود نوره می کشید.

(۸) ۹۶. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله موهای زیر ناف و میان پاها را در هر جمعه نوره می‌کشید.

(۹) ۹۷. امام صادق علیه السلام فرمود: نوره کشیدن در هر پانزده روز یک بار سنت است.  
و اگر کسی بیست روز بر او بگذرد و پول نداشته باشد، به ضمانت خداوند قرض کند و نوره بکشد. و هر که چهل روز بر او بگذرد و نوره نکشد نه مؤمن است و نه کافر، و ارج و قربی ندارد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۸

(۱) ۹۸. علی علیه السلام فرمود: زدن موی زیر بغل، بوی گند را از انسان دور می‌کند، و آن نظافت و سنتی است که پیامبر پاک صلی اللہ علیہ و آله به آن دستور داده است.

(۲) ۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون به بستر خواب می‌رفت با «سنگ سرمه» سرمه می‌کشید و عدد آن را طاق قرار می‌داد (سه یا پنج یا هفت بار).

(۳) ۱۰۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پیش از خواب سرمه می‌کشید، چهار بار به چشم راست و سه بار به چشم چپ.

(۴) ۱۰۱. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله سه بار به چشم راست و دو بار به چشم چپ سرمه می‌کشید ... و آن حضرت سرمه‌دانی داشت که هر شب با آن سرمه می‌کشید، و سرمه‌اش سنگ سرمه بود (که آن را نرم کنند و به چشم کشند).

(۵) ۱۰۲. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آله سرمه‌دانی داشت که هر شب هنگام خواب سه میله از آن به هر یک از چشمهای خود می‌کشید. «۱»

(۶) ۱۰۳. امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: عطر زدن، تراشیدن موی سر با تیغ، ازاله موی بدن با نوره، و کثرت آمیزش جنسی. «۲»

(۷) ۱۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله مشکدانی داشت که بلافاصله پس از وضو با همان دست تر آن را می‌گرفت و خود را خوشبو می‌ساخت، و چون از خانه بیرون می‌شد مردم از بوی خوش آن می‌دانستند که آن حضرت آمده است.

(۸) ۱۰۵. طبرسی گوید: هیچ گاه عطری به آن حضرت تعارف نمی‌شد مگر آنکه خود را به آن معطر می‌ساخت و می‌فرمود: بویش خوش و حمل کردنیش آسان است.

و اگر [به جهت عذری] از آن عطر استفاده نمی‌کرد انگشت مبارک را در ظرف عطر می‌کرد و سر انگشت را به آن می‌آمیخت.

(۱) اختلاف اخبار در تعداد سرمه کشیدن آن حضرت نشان می‌دهد که در هر وقتی به گونه‌ای عمل می‌کرده است. بنا بر این اصل سرمه کشیدن در هنگام خواب سنت است نه تعداد خاص آن. (مؤلف ره)

(۲) روایات در این باره فراوان است، پاره‌ای در گذشته ذکر شد، و پاره‌ای هم در آینده ذکر خواهد شد. (مؤلف ره)  
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۵۹

(۱) ۱۰۶. و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با «عود قماری» خود را بخور می‌داد.

(۲) در ذخیره المعاد گوید: محبوبترین عطرها نزد آن حضرت مشک بود.

(۳) ۱۰۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بیش از مقداری که خرج خوراک می‌کرد خرج عطر می‌نمود.

- (۴) امام صادق علیه السلام فرمود: عطر زدن به شارب از اخلاق پیامبران و احترام به فرشتگان نویسنده اعمال است.
- (۵) امام صادق علیه السلام فرمود: بر هر مکلفی لازم است که در هر جمعه شارب و ناخنها خود را بگیرد و مقداری عطر مصرف کند. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون جمعه فرا می‌رسید و عطری نزد او نبود برخی از روسربانی‌های زنان خود را [که عطر بود] می‌گرفت و با آب نم می‌زد و به صورت خود می‌گذاشت.
- (۶) شیخ صدوق گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون روز جمعه فرا می‌رسید و عطری پیدا نمی‌کرد، لباسی را که با زعفران رنگ شده بود می‌خواست و بر آن آب می‌پاشید، آن گاه آن را به دست و صورت خود می‌کشید.
- (۷) امام صادق علیه السلام فرمود: چون در روز عید فطر برای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله عطر می‌آوردند، اول به زنان خود می‌داد.
- (۸) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هدیه عطر و حلوارا دارد نمی‌کرد.
- (۹) غزالی در شمار اخلاق رسول خدا صلی اللہ علیه و آله گوید: آن حضرت عطربیات را دوست داشت، و از بوی‌های ناخوش بدش می‌آمد «۱».
- (۱۰) طبرسی گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله روغن زدن به مو را دوست می‌داشت، و از ژولیدگی بدش می‌آمد، و می‌فرمود: روغن زدن غم و پریشانی را بر طرف می‌کند.
- (۱۱) و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از انواع روغن‌ها استفاده می‌کرد و پیش از محسن، سر را روغن می‌زد، و می‌فرمود: باید سر پیش از محسن روغن زده شود.

- (۱) از محتوای این اخبار به دست آمد که آن حضرت از انواع عطر استفاده می‌کرده است (مؤلف).
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۰
- (۱) و نیز گوید: آن حضرت بیشتر با «روغن بنفسه» روغن می‌زد، و می‌فرمود: این روغن بهترین روغن‌هاست.
- (۲) و نیز گوید: آن حضرت اول ابروان خود را روغن می‌زد و بعد شارب را، آن گاه روغن را به داخل بینی می‌برد و می‌بویید، سپس موی سر را روغن می‌زد.
- (۳) و نیز گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله برای رفع سر درد، ابروان خود را روغن می‌زد، و شارب خویش را با غیر روغنی که به محسن مالیه بود روغن می‌مالید.

## ملحقات

- (۴) حضرت رضا علیه السلام فرمود: یکی از اخلاق پیامبران نظافت کردن است.
- (۵) امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز از سنن پیامبران است: عطر زدن، مسوواک کردن، آمیزش با همسران و با حنا رنگ کردن.
- (۶) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فراوان عطر مصرف می‌نمود تا آنجا که عطر، رنگ محسن و موی سر آن حضرت را به زردی تغییر می‌داد.
- (۷) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله شانه می‌زد و سر خود را با شانه مرتب می‌کرد، ... و بسا در روز دو بار محسن خود را شانه می‌زد، و پس از شانه زدن شانه را زیر تشک خود می‌نهاد.
- (۸) عمرو بن ثابت گوید: به امام صادق علیه السلام گفتمن: مردم چنین روایت کنند که فرق باز کردن در موی سر از سنت

- است. امام با تعجب فرمود: از سنت است؟! گفتم:
- گمان مردم آن است که پیامبر صلی اللہ علیه و آله فرق باز می کرد. حضرت فرمود: هرگز رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرق باز نکرد و پیامبران هم موی سرشان را چندان بلند نمی کردند [که محتاج فرق باز کردن باشند].
- (۹) ایوب بن هارون گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۱
- میان موی سر خود فرق باز می کرد؟ فرمود: نه، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هر گاه موی سرش بلند می شد تا نزمه گوش می رسید [و چندان بلند نبود که بخواهد فرق باز کند].
- (۱۰) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هنگام تراشیدن موی سر از جلو سر شروع می کرد، زیرا این از سنن پیامبران علیهم السلام است.
- (۱۱) ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فرق باز کردن در موی سر از سنت است؟ فرمود: نه، گفتم: آیا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هرگز فرق سر را باز کرد؟ فرمود:
- آری، گفتم: چگونه رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرق باز می کرد در حالی که از سنت نیست؟ فرمود: هر که در شرایطی که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله قرار گرفت قرار گیرد و مانند آن حضرت فرق باز کند به سنت او عمل کرده است و الا نه. گفتم: چگونه؟ فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله [در سال ششم هجرت] برای عمره احرام بست و قربانی همراه برد ولی توسط کفار مکه از رفتن به مکه باز داشته شد، خداوند رؤیایی را به او نمود که در قرآن کریم از آن یاد کرده و فرموده: «همانا خداوند رؤیای رسول خود را به حق راست آورد که به خواست خدا با امنیت کامل به مسجد الحرام در خواهید آمد در حالی که سر تراشیده و ناخن گیرنده باشید و هیچ بیمی نداشته باشید.» (۱) از این رو رسول خدا صلی اللہ علیه و آله دانست که خداوند به آنچه به او نموده وفا خواهد کرد [و در آینده نزدیک به سلامت وارد مگه معظمه خواهد شد]. به همین دلیل از زمانی که احرام بسته بود موی سرش را نزد و آن را بلند نمود تا در مگه هنگام عمره بتراشد چنان که خداوند وعده فرموده بود، [لذا به ناچار به خاطر بلندی مو فرق سر را باز می کرد]. اما پس از انجام عمره که آن را تراشید دیگر موی سرش را بلند نکرد و نه پیش از آن زمان موی سر خود را بلند می گذشت [تا محتاج به باز کردن فرق باشد].
- (۱۲) حفص اعور گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا خضاب کردن محاسن و سر از سنت است؟ فرمود: بلی ...

## (۱) فتح / ۲۷

- آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۲
- (۱۳) عایشه گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله دستور می داد هفت چیز از اجزاء بدن انسان را دفن کنند: مو، ناخن، خون، چیزی که ایام حیض از زن خارج می شود، بچه دان، دندان و خون بسته شده هنگام سقط جنین.
- (۱۴) عبد اللہ بن ابی یعفور گوید: ما در مدینه بودیم که زراره با من در باره کنند یا تراشیدن موی زیر بغل به بحث پرداخت. من گفتم: تراشیدن آن بهتر است و زراره گفت: کنند آن بهتر است. با هم به در خانه امام صادق علیه السلام رفته، اجازه ورود خواستیم و حضرت به ما اجازه داد. پس از ورود دیدیم که حضرت در حمام است و زیر بغلهاش نوره کشیده است. به زراره گفتم: همین [عمل امام] تو را کافی است؟
- گفت: نه، شاید این عمل مخصوص آن حضرت باشد و برای من جایز نباشد. حضرت فرمود: چه بحثی دارید؟ گفتم: زراره با من در باره کنند یا تراشیدن موی زیر بغل به بحث پرداخته است، من گویم: تراشیدن آن بهتر است و او گوید: کنند آن بهتر است.

حضرت فرمود: سخن تو مطابق سنت است و زراره از راه سنت به خط رفته؛ تراشیدن آن از کندن بهتر است، و از الله آن با نوره از تراشیدن بهتر ...

(۳) ۹۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حبیم جبرئیل به من گفت: یک روز در میان خود را معطر ساز، و در روزهای جمعه هر گز آن را ترک مکن.

(۴) ۱۰۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، بر تو باد که هر جمعه خود را خوشبو کنی، زیرا که این از سنت من است و تازمانی که بوی آن از تو شنیده شود برایت حسنہ می‌نویسد.

(۵) ۱۰۱) انس گوید: هر گاه به رسول خدا صلی الله علیه و آله گیاه خوشبویی تقدیم می‌شد آن را می‌بویید و به صاحبش باز می‌گرداند، مگر مرزنجوش «۱» را که پس از بوییدن باز نمی‌گرداند.

(۱) مرزنجوش: گیاهی است خوشبو، دارای شاخه‌های بلند، برگ‌های آن باریک و شبیه گوش موش است و خط و خال معشوق را به آن تشییه کنند.

آدَابُ وَسُنَّةُ رَفَتَارِي پَيَامِبر گَرامِي اسلام ،ص: ۶۳

(۱) ۱۰۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه پیش از خارج شدن برای نماز، ناخنها خود را می‌گرفت و شاربیش را کوتاه می‌کرد.

(۲) ۱۰۳) مردی نصرانی گوید: از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: کدام هدیه نزد آن حضرت از همه محبوب‌تر است؟ گفتن: عطر نزد آن حضرت از همه چیز محبوب‌تر است و رغبت زیادی به آن دارد.

(۳) ۱۰۴) امام کاظم علیه السلام فرمود: پنج چیز در سر و پنج چیز در بدن از سنت است.

اما آنچه در سر است مسواك کردن، گرفتن شارب، فرق باز کردن در موی سر، مضمضه و استنشاق است «۱». اما آنچه در بدن است عبارت است از: ختنه کردن، زدودن موی زیر شکم، زدودن موی زیر بغل‌ها، گرفتن ناخنها و طهارت گرفتن.

(۴) ۱۰۵) حضرت رضا علیه السلام فرمود: بر شما باد به سنت‌های روز جمعه و آن هفت چیز است: آمیزش با همسران، شستن سر و محسن با گل ختمی، گرفتن شارب، گرفتن ناخن‌ها، عطر زدن «۲».

(۵) ۱۰۶) تکرار روایت ۱۰۲) است.

(۶) ۱۰۷) تکرار روایت ۹۹) است.

(۷) ۱۰۸) امام صادق علیه السلام فرمود: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در روز جمعه هزار مرتبه، و در غیر روز جمعه صد مرتبه از سنت است ...

(۱) مضمضه: شستن دهان. استنشاق: شستن بینی.

(۲) در اینجا پنج چیز شمرده شده، و در کتاب فقه الرضا علیه السلام تغییر لباس (لباس تمیز پوشیدن) و غسل هم ذکر شده است.

آدَابُ وَسُنَّةُ رَفَتَارِي پَيَامِبر گَرامِي اسلام ،ص: ۶۴

(۱)

## ۴ آدَابُ وَسُنَّةُ آن حضرت در سفر و لواحق آن

- (۲) ۱۲۰. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ روز پنجشنبه مسافت می کرد «۱».
- (۳) ۱۲۱. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به هنگام سفر پنج چیز را با خود بر می داشت: آینه، سرمه دان، شانه، مسواک و قیچی.
- (۴) ۱۲۲. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چنان راه می رفت که ناتوان و کسل به نظر نمی رسید «۲».
- (۵) ۱۲۳. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ سوار شدن بر دراز گوشی را که فقط بالانی روی آن انداخته باشند دوست داشت.
- (۶) ۱۲۴. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در سفر حج خود صحبتگاهان که از منی حرکت فرمود از راه «ضب» آمد و هنگام بازگشت از راه میان مشعر و

- (۱) احادیث در این معنی فراوان است. (مؤلف)
- (۲) در احادیث چندی گذشت که آن حضرت هنگام راه رفتن کمی به جلو تمایل داشت گویی از سراشیبی فرود می آید. (مؤلف)  
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۵  
عرفه برگشت. و به طور کلی آن حضرت از راهی که می رفت از همان راه باز نمی گشت.
- (۱) ۱۲۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گاه می خواست به جنگ رود، مقصد خود را طوری بیان می داشت که کسی به آن پی نبرد.
- (۲) ۱۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در سفر هر گاه از بلندی سرازیر می شد  
«سبحان الله»  
می گفت، و چون به بلندی بالا می رفت  
«الله اکبر»  
می گفت.
- (۳) ۱۲۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در سفر از منزلی به منزل دیگر کوچ نمی کرد جز آنکه در آن منزل دو رکعت نماز می گزارد و می فرمود: می خواهم این مکان برایم به نماز خواندن گواهی دهد.
- (۴) ۱۲۸. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگام وداع با مؤمنانی که عازم سفر بودند می فرمودند:  
خداؤند تقو را توشہ شما کند، شما را با هر خیری مواجه سازد، همه حاجاتتان را برآورد، دین و دنیای شما را برایتان سالم بدارد و شما را سالم به من باز گرداند.
- (۵) ۱۲۹. امام صادق علیه السلام با مردم خدا حافظی کرد و در حق وی چنین دعا فرمود: «دین و امانت را به خدا سپردم، خداوند تقو را توشہ تو کند، و هر جا رو کنی با خیرت مواجه سازد». سپس رو به حاضران کرد و فرمود: این بود وداع رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با علی علیه السلام هر گاه که وی را به جایی روانه می ساخت «۱».
- (۶) ۱۳۰. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به کسانی که از سفر مکه بازمی گشتند می فرمود: «خداؤند اعمال حجّ تو را قبول کند، گناهت را بیامزد، و آنچه خرج کرده ای به تو باز گرداند».

- (۱) روایات در دعاهای آن حضرت در هنگام وداع مختلف است و اختلافات زیادی دارند، ولی در همه آنها دعا به سلامتی و غنیمت نهفته است. (مؤلف)
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۶

## ملحقات

- (۱۰۹) (این شماره در متن از قلم افتاده).
- (۱) (۱۱۰) امام صادق علیه السلام به محمد بن ابی الکرام فرمود: من دوست دارم که روز پنجشنبه برای سفر بیرون شوی، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگامی که می‌خواست به جنگ دشمن رود در این روز بیرون می‌شد.
- (۲) (۱۱۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگامی که می‌خواست سفر کند میان زنان خود قرعه می‌کشید [و به قید قرعه یکی از آنان را با خود همراه می‌برد].
- (۳) (۱۱۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ دوست نداشت کسی بدون همسفر مسافرت کند.
- (۴) (۱۱۳) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: از سنت است که چون گروهی به سفر روند زاد و توشه خویش را با خود بردارند، زیرا این کار سبب دلخوشی و دلگرمی و خوش خلقی آنان خواهد بود.
- (۵) (۱۱۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در مسافرتها چند چیز از او جدا نبود: شیشه روغن (که سر و موی خود را روغن زند)، سرمدهان، قیچی، مسواک، شانه، نخ و سوزن خیاطی، درفش کفاسی، بند چرمی کفش. و آن حضرت در سفر لباسش را می‌دوخت و کفش خود را پینه می‌زد.
- (۶) (۱۱۵) انس بن مالک گوید: هیچ گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ قصد سفر نمی‌کرد جز آنکه هنگام برخاستن از جا می‌گفت: «خدایا به یاری تو سفر می‌کنم، و به سوی تو روی می‌آورم، و به دامن رحمت تو چنگ می‌زنم، تو پشتیبان و نقطه امید منی».
- خداآندا، مرا در آنچه برایم مهم است و آنچه مهم نمی‌شمارم و آنچه که تو خود بهتر از من می‌دانی کفایت کن. خدایا، تقوا را توشه من کن و گناهم را بیامرز، و به هر سو رو کنم مرا با خیر مواجه ساز». این دعا را می‌خواند و برای سفر بیرون می‌شد.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۷
- (۱) (۱۱۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در مسافرت‌ها سریع راه می‌پیمود و چون به راه پهناوری می‌رسید بر سرعت خود می‌افزود.
- (۲) (۱۱۷) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون می‌خواست با مسافری وداع کند دست او را می‌گرفت (سپس به آنچه در نظر داشت در حق او دعا می‌کرد).
- (۳) (۱۱۸) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ عصایی داشت که ته آن آهن نوک تیزی قرار داشت، بر آن تکیه می‌کرد و روزهای عید [فطر و قربان] و در سفرها آن را همراه می‌برد و در نماز جلو خود می‌نهاد [تا حریم نمازش باشد].
- (۴) (۱۱۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: عصا برداشتن نشانه مؤمن و سنت پیامبران است «۱».
- (۵) (۱۲۰) بر عصا تکیه کردن از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.
- (۶) (۱۲۱) کعب بن مالک گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از سفر باز نمی‌گشت مگر هنگامی که روز بر آمده باشد.
- (۷) (۱۲۲) سنت آن است که مسافر برای استراحت فرود نیاید مگر هنگامی که هوا مقداری گرم شده باشد؛ و باید بیشتر سیرش در شب باشد.
- (۸) (۱۲۳) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در سفرها هر گاه اول شب می‌خوابید دستش را دراز می‌کرد و ساق دست را زیر سر می‌نهاد. و هر گاه در آخر شب می‌خوابید دستش را بلند می‌کرد و سر مبارکش را روی کف دست می‌نهاد.
- (۹) (۱۲۴) سنت آن است که از منازل صبح زود حرکت کنند و آغاز سفر روز پنجشنبه باشد.
- (۱۰) (۱۲۵) در سفرها همراه بردن مشک آب و امثال آن از سنت است.

(۱) گفته‌اند: عصا به دست گرفتن نشانه سفر رفتن است، و عصا به دست گرفتن مؤمن نشانه آن است که وی آماده سفر آخرت است و زاد و توشه آن را تهیه دیده است. یا آنکه عصا داشتن نشانه ضعف است و به دست گرفتن عصا برای اظهار تواضع و فروکاستن تکبر است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۸

(۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون از جنگ یا سفر حج بازمی گشت به هر بلندی از زمین می‌رسید سه بار «الله اکبر»

می‌گفت و این دعا را می‌خواند:

لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد، يحيى و يحيي، و هو على كل شيء قادر.

آئيون عابدون ساجدون ربنا حامدون. صدق الله وعده، و نصر عبده، و هزم الاحزاب وحده.

«معبدی جز الله نیست که یگانه و بی‌شريك است، فرمانروایی و ستایش ویژه اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و بر هر چیزی تواناست. ما باز گردندۀ به سوی پروردگارمان، و پرستشگر و سجدۀ کننده و ستاینده پروردگارمان هستیم.

خداآند به وعده‌اش وفا کرد، بنده‌اش را یاری داد و خود به تنها‌ی احزاب کفر را در هم شکست.»

(۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگامی که از سفر بازمی گشت نخست به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند سپس به خانه در می‌آمد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۶۹

(۱)

## ۵ آداب و سنن آن حضرت در لباس

### اشاره

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۵۶۹ آداب و سنن آن حضرت در لباس

(۲) ۱۳۱. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر نوع لباسی که دستری داشت می‌پوشید از روپوش و عبا و پیراهن و جبهه و امثال آن. و از لباس سبز خوشش می‌آمد، و بیشتر لباسهایش سفید بود، و می‌فرمود: زندگان خود را سفید پوشانید و مردگانتان را در آن کفن کنید. آن حضرت چه در جنگ و چه در غیر جنگ لباس لایه‌دار می‌پوشید. و قبایی از سندس «۱» داشت که چون به تن می‌کرد رنگ سبز آن بر سپیدی روی حضرتش غلبه داشت و روی هم رفته زیبا جلوه می‌نمود.

بلندی لباسهای آن حضرت تا بالای قوزک پاها بود، و روپوشی که به تن می‌کرد از آن کوتاه‌تر بود و تا نصف ساق پا می‌رسید.

همیشه میان کمر را می‌بست و بسا در حال نماز و غیر نماز آن را می‌گشود. آن حضرت روپوشی داشت که با زعفران رنگ شده

بود و بسا که با همان یک پوشش با مردم نماز جماعت

(۱) سندس: دیبا و ابریشم لطیف. و در اینجا منظور ابریشم ناخالص است، زیرا پوشیدن ابریشم خالص برای مردان حرام است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۰

می‌گزاشت. و گاهی تنها یک عبا به تن داشت.

و نیز عبای کهنه و صله‌داری داشت که آن را می‌پوشید و می‌فرمود: من بندگان می‌پوشم. و دو جامه داشت مخصوص

روزهای جمعه، غیر از لباسهای دیگری که در غیر جمعه می‌پوشید. و بسا که فقط یک روپوش بدون لباسهای دیگر به تن می‌کرد، و دو طرف آن را میان دو شانه خود گره می‌زد و با همان لباس با مردم بر جنازه‌ها نماز می‌خواند. و بسا همان روپوش را به خود می‌بیچید و آن را از چپ و راست بر دوش می‌افکند و با آن در خانه خود نماز می‌خواند و این لباسی بود که در همان روز در آن مجامعت کرده بود. گاهی در همان ازار نماز شب می‌خواند، یک طرف پارچه را به روی خود و طرف دیگرش را به روی بعضی از زنان خود می‌انداخت و به این ترتیب در آن نماز می‌خواند.

(۱) آن حضرت عبای سیاه رنگی داشت که به کسی بخشید. ام سلمه گفت: پدر و مادرم فدایت! آن عبای سیاه چه شد؟ فرمود: آن را [به برهنه‌ای] پوشاندم. ام سلمه گفت: هر گز چیزی زیباتر از سفیدی شما بر سیاهی آن عبا ندیدم. انس گوید: بسا آن حضرت در قطیفه‌ای که دو طرف آن را [پشت گردن] گره زده بود با ما نماز ظهر می‌خواند. و آن حضرت انگشت‌تر به دست می‌کرد ... و با همان انگشت‌تر نامه‌ها را مهر می‌کرد، و می‌فرمود: مهر کردن نامه‌ها بهتر از ایجاد شک و تهمت است.

آن حضرت شب کلاه به سر می‌گذاشت، گاه زیر عمامه و گاه بدون عمامه. و گاهی آن را از سر بر می‌داشت و جلوی خود به عنوان حریم نماز می‌نهاد و به سوی آن نماز می‌خواند. و بسا عمامه نداشت و شال را بر سر و پیشانی می‌بست. عمامه‌ای داشت به نام سحاب و آن را به علی علیه السلام بخشید. بسا بود که علی علیه السلام با آن عمامه می‌آمد و پیامبر صلی اللہ علیه و آله می‌فرمود: علی در سحاب نزد شما آمد.

همیشه لباس را از طرف راست می‌پوشید و چینی می‌خواند:  
الحمد لله الذي

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۱  
کسانی ما اوواری به عورتی، و اتجمل به فی النّاس

«سپاس و ستایش خدایی را که بر من جامه‌ای پوشانید که با آن شرمگاهم را بپوشانم و آراسته در میان مردم ظاهر شوم.» و چون لباس را در می‌آورد از سمت چپ بیرون می‌آورد.

چون لباس نو می‌پوشید، لباسهای کهنه را به فقیر می‌داد و می‌فرمود: هیچ مسلمانی نیست که لباس کهنه خود را فقط برای رضای خدا به فقیری بپوشاند مگر آنکه در پناه و خیر خداوند خواهد بود تا زمانی که آن لباس بر تن فقیر است، خواه بخشندۀ لباس زنده باشد یا مرده.

(۱) تشكی از پوست داشت که با لیف خرما پر شده بود و طول آن حدود دو ذراع و عرض آن حدود یک ذراع و یک وجب بود. و نیز عبایی داشت که هر جا می‌رفت آن را دو تا کرده به زیر آن حضرت می‌انداختند. و نیز روی حصیر بدون آنکه چیز دیگری زیر خود بیندازد می‌خوابید.

از اخلاق آن جناب این بود که چهارپایان و اسلحه و اثاث خود را نامگذاری می‌نمود. نام پرچمش عقاب، و نام شمشیرش که با آن در جنگها حاضر می‌شد ذو الفقار، و نام شمشیرهای دیگرش مخدمن، رسوب و قضیب بود.

قبضه شمشیرش به نقره آراسته بود، و کمربندی که می‌بست از چرم بود و سه حلقه نقره در آن بود. کمانش کتوم، و جعبه تیرش کافور نام داشت. نام شتر آن حضرت قصوی بود که به آن عضباء می‌گفتند. و نام استرش دلدل، و درازگوشش یغفور، و گوسفندی که از شیر آن می‌آشامید عینه بود.

آن حضرت سبویی از سفال داشت که با آب آن وضو می‌گرفت و از آن می‌نوشید، و مردم کودکان خردسال خود را که خوب و بد را می‌فهمیدند می‌فرستادند و آنان داخل منزل آن حضرت می‌شدند بدون آنکه کسی مانع آنها شود، آن‌گاه اگر در آن سبو آبی

می‌یافتد می‌آشامیدند و برای تبرک بر صورت و بدن خود می‌مالیدند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۲

(۱) ۱۳۲. روایت شده که عمامه آن حضرت به اندازه‌ای بود که سه دور یا پنج دور به سرخ می‌پیچید.

(۲) ۱۳۳. روایت است که آن حضرت عمامه سیاهی داشت که به سر می‌بست و در آن نماز می‌خواند.

(۳) ۱۳۴. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شب کلاه‌های راه راه به سر می‌نهاد ... و زرهی داشت به نام ذات الفضول که دارای سه حلقه از نقره بود، یکی در جلو و دو تا در پشت ...

(۴) ۱۳۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله شمله و نمره «۱» به خود می‌پیچید، اما نمره از آن جهت که خطوط سیاه آن بر سفیدی ساقها و قدمهای نمایان آن حضرت قرار می‌گرفت بر اندام او زیبا می‌نمود.

(۵) ۱۳۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک لباس گشاد نماز می‌خواند.

(۶) ۱۳۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو برد (جامه راه راه) (عبای پشمی سیاه) داشت که فقط در حال نماز می‌پوشید، و امتش را به نظافت ترغیب می‌نمود و به آن دستور می‌داد.

(۷) ۱۳۸. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لباس پنبه بپوشید که لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله از پنبه بود و لباس ما اهل بیت نیز از پنبه است.

(۸) ۱۳۹. علی علیه السلام فرمود: لباس پنبه بپوشید که آن لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. و آن حضرت لباس موین و پشمین نمی‌پوشید مگر آنکه علت و ضرورتی پیدا می‌شد «۲».

(۹) ۱۴۰. آن حضرت کمربندی داشت از چرم دباغی شده که در سر آن قلاب

(۱) شمله لباسی است کوچکتر از قطیفه. و نمره لباسی است از پشم که دارای خطوط سفید و سیاه می‌باشد.

(۲) از این خبر معنای آنچه در باب معاشرت آن حضرت گذشت که لباس پشمینه می‌پوشید روشن می‌شود که حضرت در حال ضرورت لباس پشمینه می‌پوشیده است، بنا بر این منافاتی میان این اخبار نیست. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۳

داشت و طرف دیگرش از نقره بود. و همچنین سه حلقه نقره‌ای در آن بود. و نیز آن حضرت قدحی داشت که به سه قطعه از نقره بند زده شده بود.

(۱) ۱۴۱. علی علیه السلام فرمود: ته غلاف و قبضه شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و ما بین آن دو نیز با حلقه‌هایی از نقره مزین بود.

(۲) ۱۴۲. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عصایی داشت که در ته آهن نوک تیزی بود و بر آن تکیه می‌کرد و روزهای عید فطر و عید قربان آن را با خود می‌برد و در نماز جلوی خود می‌گذاشت.

(۳) ۱۴۳. امام صادق علیه السلام فرمود: انگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود.

(۴) ۱۴۴. امام صادق علیه السلام فرمود: نگین انگشت باید گرد باشد و انگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همین گونه بود.

(۵) ۱۴۵. امام صادق علیه السلام فرمود: نقش نگین انگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله

«محمد رسول الله»

بود.

(۶) ۱۴۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دو انگشت داشت که بر یکی

«لا اله الا الله، محمد رسول الله»

و بر دیگری

«صدق الله»

نقش شده بود.

(۷) ۱۴۷. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین و سایر امامان علیهم السلام انگشت به دست راست می کردند.

مؤلف: کلینی در کافی انگشت به دست راست کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز نقش خاتم آن حضرت را با اندک اختلافی نقل کرده و شیخ صدق در کتابهای خود و دیگران نیز همانها را نقل کرده‌اند. و نیز کلینی روایت کرده که علی و حسن و حسین و برخی از امامان بعد علیهم السلام انگشت به دست چپ می کردند ولی این روایات با هم منافات ندارند، زیرا یا می خواستند بیان کنند که انگشت به هر یک از دستها کردن جایز است، یا آنکه زمانهای مختلف چنین اقتضایی داشته (مثلاً از روی تقیه انگشت به دست چپ می کردند). اما در باره پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نشده که انگشت به دست چپ

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۴

کرده باشد. البته در کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که «رسول خدا صلی الله علیه و آله جز اندک زمانی انگشت به دست نکرد» (که شاید منظور آن بوده که مدت کمی انگشت به دست چپ کرد و سپس آن را ترک نمود). به هر حال منظور ما در این کتاب بیان برخی از اوصاف انگشت آن حضرت است.

(۱) ۱۴۸. علی علیه السلام فرمود: پیامران پیراهن را پیش از شلوار به تن می کنند.

(۲)

## ملحقات

(۳) ۱۲۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارش‌های خود به ابوذر فرمود: ای ابا ذر، من لباس زبر و خشن به تن می کنم، روی زمین می نشینم، انگشتان خود را پس از غذا خوردن می لیسم، و بر الاغ بی پالان سوار می شوم و دیگری را نیز در ردیف خود سوار می کنم، پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست.

(۴) ۱۲۹) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شب کلاهی که سفید و راه راه بود به سر می نهاد، و در جنگ کلاهی که دو گوش مانند داشت.

(۵) ۱۳۰) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از پوشانک سیاه کراحت داشت مگر سه چیز: عمامه، کفش و عبا.

(۶) ۱۳۱) امام باقر علیه السلام فرمود: از سنت است که هنگام کفش پوشیدن اول پای راست را در کفش کنند، و هنگام در آوردن اول پای چپ را در آورند.

(۷) ۱۳۲) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام غذا خوردن کفش‌های خود را از پا در آورید، زیرا هم پاهای شما راحت‌تر می شود و هم سنت نیکویی است.

(۸) ۱۳۳) امام صادق علیه السلام فرمود: پوشیدن کفش سیاه و نعلین زرد از سنت است.

(۹) ۱۳۴) امام صادق علیه السلام فرمود: کتان از پوشانک پیامران است.

(۱۰) ۱۳۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله از لباس سرخ رنگ کراحت داشت.

## آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۵

- (۱۰) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ خیمه‌ای داشت که آن را کن «۱» می‌گفتند.
- (۱۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در روز جمعه برد سرخ رنگ خود را می‌پوشید و عمامه «سحاب» را بر سر می‌نهاد. در روز فتح مکه با عمامه سیاهی که بر سر بسته بود وارد مکه معظمه شد. آن حضرت جعیه‌ای داشت که شانه عاج، سرمه‌دان، قیچی و مسوакش را در آن می‌نهاد ... رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ هنگامی که از دنیا رفت یک روپوش زبرینانی و عبایی که به آن «ملبده» می‌گفتند بر تن داشت. برای آن حضرت تختی بود که اسعد بن زراره آن را اهدا کرده بود. منبر آن حضرت سه پله و از چوب «طرفاء» بود که زنی توسط غلام نجّار خود به نام میمون ساخته بود. مسجدش مناره نداشت و بلال روی زمین اذان می‌گفت.
- (۱۲) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ روپوشی داشت که با گیاهی خوشبو رنگ شده بود و آن را در خانه می‌پوشید و رنگ آن بر بدن حضرت اثر می‌گذاشت.
- (۱۳) امام باقر علیه السلام فرمود: ما در خانه لباس زرد رنگ می‌پوشیم.

## (۱) یعنی سر پناه

## آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۶

(۱)

## ۶ آداب و سنن آن حضرت در مسکن

## اشاره

- (۱۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ از دنیا رفت در حالی که خستی بر روی خستی ننهاد.
- (۱۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: مسجدها مجالس پیامبران است.
- (۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ هر گاه می‌خواست در گرمای تابستان از خانه بیرون رود روز پنجشنبه می‌رفت، و هر گاه می‌خواست در سرمای زمستان به خانه باز گردد روز جمعه به خانه بازمی‌گشت.
- (۱۷) حضرت خدیجه علیها السلام گوید: پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ هنگامی که وارد خانه می‌شد ظرف آب طلب می‌کرد و برای نماز وضو می‌گرفت، آن گاه بر می‌خاست و دو رکعت نماز کوتاه می‌گزاشت، سپس به بستر خواب می‌رفت.
- (۱۸) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ هر گز بر دشمن شیخون نزد «۱».

- (۱) مناسبت این حدیث با آداب مسکن و خانه آن است که هیچ گاه پیامبر (ص) شب هنگام که دشمن در منزل یا اردوگاه خواب است بر او حمله نمی‌کرد.

## آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۷۷

(۱)

## ملحقات

- (۱۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: خروس سفید دوست من است و دشمن آن دشمن خدادست؛ این حیوان صاحبیش را

و تا هفت خانه از همسایگان را پاسبانی می‌کند. (انس گوید) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در خروش سفید پنج صفت از صفات پیامبران وجود دارد: شناختن اوقات نماز، غیرت مردانه، سخاوت، شجاعت و کثرت آمیزش با همسر.

(۳) (۱۴۱) حضرت رضا علیه السلام فرمود: در خروش سفید پنج صفت از صفات پیامبران وجود دارد: شناختن اوقات نماز، غیرت مردانه، سخاوت، شجاعت و کثرت آمیزش با همسر.

(۴) (۱۴۲) امام صادق علیه السلام فرمود: خانه هیچ پیامبری نبود مگر آنکه در آن کبوتری نگهداری می‌شد، زیرا سفیهان جن با بچه‌های خانه سر به سر می‌گذارند، اما وقتی کبوتر در خانه باشد با آنها بازی می‌کنند و به اهل خانه کاری ندارند.

(۵) (۱۴۳) امام صادق علیه السلام فرمود: در خانه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) جفت کبوتر سرخ رنگ بود.

(۶) (۱۴۴) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) کراحت داشت که بدون چراغ وارد خانه تاریک شود.

(۷) (۱۴۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) دوست داشت که در زمستان دخول و خروجش از خانه در شب جمعه باشد.

(۸) (۱۴۶) علی علیه السلام فرمود: از سنت است که چون وارد مسجد شدی رو به قبله بنشینی.

(۹) (۱۴۷) امام صادق علیه السلام فرمود: سقف خانه‌ها را [با عکس‌های حیوانات و صورت جانداران] نقاشی نکنید، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) کراحت داشت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۷۸

(۱)

## ۷ آداب و سنن آن حضرت در خوابیدن و بستر خواب

### اشاره

(۲) (۱۵۴) بستر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) که با لیف خرما پر شده بود. شبی همان عبا را دو تا کرده، زیر آن حضرت انداختند. چون صبح بیدار شد فرمود: این بستر دیشب مرا از نماز [شب] باز داشت. از آن پس دستور داد تا زیرانداز او را یک لایه اندازند. و زیرانداز دیگری از پوست داشت که از لیف خرما پر شده بود. و نیز عبایی داشت که به هر جا نقل مکان می‌کرد آن را دو تا کرده زیر آن حضرت می‌انداختند.

(۳) (۱۵۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) روى حصیر می خوابید بدون آنکه زیرانداز دیگری زیر او باشد.

(۴) (۱۵۶) امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) بر زمین می‌افتد و در برابر خداوند سجده می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۷۹

(۱)

### ملحقات

(۲) (۱۴۸) علی علیه السلام فرمود: پیامبران علیهم السلام طاقباز بر پشت می‌خوابند.

(۳) (۱۴۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) نه زن داشت و همگی یک روانداز داشتند که با گیاه خوشبو و رنگین ورس یا زعفران رنگ شده بود؛ نوبت هر یک که می‌رسید آن را به خانه او می‌فرستادند و نموده می‌شد تا بوييش پخش شود.

(۴) ۱۵۰) علی علیه السیّلام فرمود: شب زنده داری سبب تندرستی و خشنودی پروردگار و در معرض رحمت حق قرار گرفتن است و تمسک به اخلاق و شیوه پیامبران است.

(۵) ۱۵۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون به بستر خواب می‌رفت می‌گفت:  
اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ أَحِيَّ، وَ بِاسْمِكَ أَمُوتُ

(خداؤندا، به نام تو زنده می‌گردم و به نام تو می‌میرم). و چون از خواب بر می‌خاست می‌گفت:  
الحمد لله الذي احياني بعد ما اماتني واليه النشور

(سپاس و ستایش خدای را که مرا پس از میراندن زنده کرد «۱» و همه پس از مرگ به سوی او زنده و محشور می‌شوند).

(۶) ۱۵۲) محدث بن مروان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا شما را خبر ندهم که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون به بستر خواب می‌رفت چه می‌گفت؟ من گفتم: چرا، بفرماید.

فرمود: آن حضرت آیه الکرسی می‌خواند و می‌گفت:

بسم الله، آمنت بالله، و كفرت بالطاغوت، اللهم احفظنى فى منامي و فى يقظتى

(به نام خدا، به خدا ایمان دارم، و از طاغوت بیزارم، خداوندا مرا در خواب و بیداری حفظ فرما).

(۷) ۱۵۳) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بیشتر اوقات بالشی را از پوست که از لیف خرما پر شده بود زیر سر می‌نهاد و هم روی آن می‌نشست.

(۸) ۱۵۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه خواب هولناکی می‌دید می‌گفت:  
هو الله الذي

(۱) در این حدیث از خواب به مرگ تعبیر شده است چنان که در سوره زمر آیه ۴۲ آمده است.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۰  
لا شریک له

(او خدایی است که شریک ندارد). و چون برای نماز [شب] بر می‌خاست می‌گفت:

الحمد لله نور السیّماوات و الارض، و الحمد لله قیوم السیّماوات و الارض، و الحمد لله رب السیّماوات و الارض و من فيهنّ، و انت الحق، و قولك الحق، و لقاوک الحق، و الجنة حق، و النار حق، و الساعة حق. اللهم لك اسلمت، وبك آمنت، و عليك توكلت، و

اليك انيب، وبك خاصمت، و اليك حاكمت، فاغفر لي ما قدّمت و ما اخّرت، و ما اسررت و ما اعلنت. انت الهي، لا اله الا انت

(سپاس و ستایش خدای را که نور آسمانها و زمین است. سپاس و ستایش خدای را که برپا دارنده آسمانها و زمین است. سپاس و ستایش خدای را که پروردگار آسمانها و زمین و همه آفریدگانی است که در آنها به سر می‌برند. خداوندا تو بر حقی، و گفتار تو و دیدار تو و بهشت و دوزخ و قیامت حق است. خداوندا تسلیم تو شدم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم، و به سوی تو بازمی‌گردم، و به نیروی تو با دشمن مبارزه و ستیز کردم، و به سوی تو داوری نمودم، پس گناهان گذشته و آینده و نهان و آشکار مرا بیامز، تو خدای منی، جز تو معبدی نیست).

آن گاه پیش از وضو مسواک می‌کرد «۱».

(۱) ۱۵۵) امام هادی علیه السلام فرمود: ما اهل بیت هنگام خوابیدن ده چیز را مراعات می‌کنیم: طهارت داشتن، صورت بر کف دست راست نهادن، سی و سه مرتبه سبحان الله

، سی و سه مرتبه

الحمد لله

، و سی و چهار مرتبه

الله اکبر

گفتن، رو به قبله خوابیدن به گونه‌ای که صور تهامتان رو به قبله قرار گیرد، خواندن سوره حمد و آیه الکرسی و آیه شهد الله ... «۲» و «۳». پس هر که چنین کند بهره خود را از آن شب خود گرفته است.

(۱) دعاهای دیگری برای هنگام خواب و بیدار شدن هست که به خواست خدا در باب دعاها خواهد آمد.

(۲) آل عمران / ۱۸.

(۳) اینها نه مورد است و مورد دهم ذکر نشده.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۱

(۱) (۱۵۶) تکرار روایت (۱۵۲) است.

(۲) (۱۵۷) امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به نماز شب، که آن از سنت پیامبر شماست.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۲

(۱)

## ۸ آداب و سنن آن حضرت در زناشویی و تربیت فرزند

### اشاره

(۲) (۱۵۷) علی علیه السلام فرمود: ازدواج کنید، که ازدواج سنت رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم است، زیرا که آن حضرت می فرمود: هر که دوست دارد از سنت من پیروی کند، از جمله سنت من ازدواج است.

(۳) (۱۵۸) حضرت رضا علیه السلام فرمود: سه چیز از سنت پیامبران است: عطر زدن، زدودن موهای زايد بدن و آمیزش زیاد با همسران.

(۴) (۱۵۹) علی علیه السلام فرمود: گروهی از اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم با زنان، غذا خوردن در روز و خوابیدن در شب را بر خود حرام کرده بودند. ام سلمه این موضوع را به رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم داد، آن حضرت به سوی اصحاب آمد و فرمود: آیا به زنان بی رغبت شده اید با آنکه من با زنان آمیزش می کنم، و روز غذا می خورم، و در شب می خوابم؟! پس هر که از سنت روی گرداند از من نیست «۱».

(۵) (۱۶۰) امام صادق علیه السلام فرمود: از اخلاق پیامبران دوست داشتن زنان است.

(۱) این معنی در کتابهای شیعه و غیر آنان از طرق بسیاری روایت شده است. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۳

(۱) (۱۶۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: روشنی چشم من در نماز، ولذتمن در زنان قرار داده شده است.

(۲) (۱۶۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ هر گاه می خواست با زنی ازدواج کند کس می فرستاد تا او را بینند.

(۳) ۱۶۳. حضرت رضا علیه السلام می فرمود: خداوند شب را و نیز زنان را مایه آرامش قرار داده. و از سنت است در شب ازدواج کردن و طعام دادن.

(۴) ۱۶۴. هارون بن مسلم گوید: به صاحب الدار (امام) عسکری علیه السلام نوشت: فرزندی برای من به دنیا آمده، سر او را تراشیدم و به وزن موی سرش در هم صدقه دادم. در پاسخ فرمود: وزن کردن موی سر بچه به طلا و نقره جایز نیست، و سنت چنین جاری شده است.

(۵) ۱۶۵. علی علیه السلام فرمود: برای فرزنداتان روز هفتم عقیقه کنید، و به وزن موی سرشان نقره به مسلمانی صدقه دهید؛ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در باره حسن و حسین و سایر فرزندانش این گونه عمل کرد.

(۶)

## ملحقات

(۷) ۱۵۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: آگاه باشد که بهترین شما کسانی هستند که با زنان خود خوبتر باشند، و من از هر کس با زنان خود خوبترم.

(۸) ۱۵۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: ابراهیم خلیل علیه السلام مردی غیرتمند بود، و من از او غیرتمندترم.

(۹) ۱۶۰) امام صادق علیه السلام در بیان داستان موسی پیامبر علیه السلام (که به دنبال دختر شعیب علیه السلام روان شد تا خدمت شعیب برسر) فرمود که موسی به وی گفت: پشت سر من حرکت کن و راه را به من نشان ده، زیرا ما (پیامبران) مردمی هستیم که به پشت

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۴  
سر زنان نگاه نمی کنیم.

(۱) ۱۶۱) بکر بن محمد گوید: از امام صادق علیه السلام در باره ازدواج موقت پرسیدم، فرمود: من دوست ندارم که مسلمانی بمیرد در حالی که سنتی از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ مانده باشد و او بدان عمل نکرده باشد.

(۲) ۱۶۲) ابو قلابه گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گاه با زن باکره ازدواج می کرد هفت روز نزد او می ماند، و هر گاه با زن بیوه ازدواج می کرد سه روز نزد او می ماند.

(۳) ۱۶۳) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هنگامی که نجاشی «ام حبیبه دختر ابو سفیان» را برای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خواستگاری کرد و به همسری آن حضرت در آورد سوری ترتیب داد و گفت: از سنتهای پیامبران سور دادن در ازدواج است.

(۴) ۱۶۴) ابو قلابه گوید: پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ اوقات خود را میان زنان خویش تقسیم می کرد و می گفت: «خداؤندا، این قسمتی است که در اختیار من است، پس مرا در آنچه تنها در اختیار توست و در اختیار من نیست سرزنش مکن».

(۵) ۱۶۵) ام سلمه همسر پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در حجه الوداع زنان خود را همراه برد و در هر شبانه روز نزد یکی از زنانش به سر می برد، و بدین وسیله می خواست میان آنان عدالت را مراحت نماید.

(۶) ۱۶۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون نماز صبح را می خواند به یک یک زنان خود سر می زد [و از آنان احوالپرسی می نمود].

(۷) ۱۶۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: هر بازی و سرگرمی باطل و نارواست مگر سه بازی: تیراندازی، تعلیم اسب و بازی و شوخی با همسر که از سنت است.

(۸) ۱۶۸) امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرده که فرمودند:

پیامبر صلی اللہ علیہ و آله در هنگام بیماری نیز اوقات خود را میان همسران تقسیم می‌کرد و آن حضرت را به متزل زنی که نوبتش بود انتقال می‌دادند.

(۹) امام باقر علیه السلام فرمود: میمونه (همسر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله) می گفت:

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۵

پیامبر صلی اللہ علیہ و آله به من در ایام ماهانه‌ام دستور می‌داد که لنگی به خود بپیچم و در بستر در کنار آن حضرت بخوابم.

(۱۰) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله برای هیچ یک از دختران و زنان خود بیش از دوازده اوقيه و یک نش مهریه قرار نداد. و اوقيه چهل درهم و نش بیست درهم است (که مجموعاً پانصد درهم می‌شود).

(۱۱) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در دعای خود می گفت:

اللّٰهُمَّ انِّي اعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رِبًا، وَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ ضِيَاعًا، وَ مِنْ زَوْجٍ تَشَيَّبَنِي قَبْلَ أَوَانِ مَشِيبٍ.

«خداؤندا، به تو پناه می‌آورم از فرزندی که بر من حاکم باشد، و از مالی که باعث هلاکتم شود (یا از مالی که مفت از دستم بیرون رود) و از همسری که مرا پیر سازد پیش از آنکه به پیری برسم».

(۱۲) حضرت رضا علیه السلام فرمود: هیچ فرزندی برای ما خاندان به دنیا نمی‌آید جز آنکه او را محمد می‌نامیم، و پس از هفت روز اگر بخواهیم نامش را تغییر می‌دهیم و اگر نه به همان نام صدا می‌زنیم.

(۱۳) پیامبر صلی اللہ علیہ و آله چون صبح می‌کرد دست نوازش بر سر فرزندان و نوه‌های خود می‌کشید.

(۱۴) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که فاطمه علیها السلام را به خانه همسرش علی علیه السلام می‌بردند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل فرود آمدند ... پس آن سه فرشته تکییر گفتند و فرشتگان دیگر نیز به پیروی آنها تکییر گفتند؛ از این رو تا روز قیامت تکییر گفتن در شب زفاف سنت شد.

(۱۵) علی علیه السلام فرمود: کام فرزندان خود را با خرما بردارید، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نیز در باره حسن و حسین چنین کرد.

(۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: هفت چیز در باره نوزاد از سنت است:

۱) نامگذاری، ۲) تراشیدن موی سر او، ۳) در صورت امکان به وزن موی سرش

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۶

نقره یا طلا صدقه دادن، ۴) برای او عقیقه کردن، ۵) به سر او زعفران مالیدن، ۶) پاکیزه ساختن او با ختنه کردن، ۷) از عقیقه او به همسایگان خوراندن.

(۱۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: ختنه برای مردان سنت است و برای زنان کرامت.

(۱۸) امام صادق علیه السلام فرمود: سوراخ کردن گوش پسر بچه از سنت است، و ختنه کردن او نیز در روز هفتم از سنت است.

(۱۹) محمد بن زیاد از دی گوید: هنگامی که حضرت رضا علیه السلام به دنیا آمد، از موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: این فرزندم ختنه شده و پاک و پاکیزه به دنیا آمده است و هیچ یک از امامان متولد نشوند مگر آنکه ختنه شده و پاک و پاکیزه باشند، ولی ما برای عمل کردن به سنت نبوی و پیروی کردن از آیین پاک و معتمد ابراهیمی، در جای ختنه کودک تیغ می‌کشیم.

(۲۰) امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل بیت برای فرزندان خود در کودکی آنها کنیه «۱» نیکو می‌گذاریم، مبادا که نامها و القاب زشت روی آنان بگذارند.

- (۵) امام صادق علیه السلام فرمود: از سنت است که شخص را به نام پدرش (یا به نام پسرش) کنیه بگذارند.
- (۶) امام صادق علیه السلام فرمود: ما خاندان کودکان خود را چون به سن پنج سالگی رسیدند به نماز خواندن دستور می‌دهیم، شما هم کودکان خود را از هفت سالگی امر به نماز خواندن کنید. و ما کودکان خود را در هفت سالگی امر می‌کنیم به هر اندازه که توانایی دارند نصف روز یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب آمد افطار کنند. این دستور برای آن است که به روزه گرفتن عادت نمایند و طاقت پیدا کنند. شما نیز کودکان خود را در نه سالگی

(۱) کنیه نامی است که برای مردان با «ابو» یا «بن» و برای زنان با «ام» یا «بنت» شروع می‌شود و برای احترام روی افراد گذاشته می‌شود، مانند ابو القاسم، ابن الفارض، ام سلمه، بنت الشاطی.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۷

به هر اندازه که می‌توانند امر به روزه گرفتن کنند و چون تشنگی بر آنان غالب آمد افطار کنند.

(۱) از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله روایت است که هر گاه به خانواده‌شان سختی و تنگدستی می‌رسید می‌فرمود: به نماز برخیزید، زیرا پروردگارم مرا به این کار امر کرده است، چنان که فرموده: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش، ما روزی از تو نمی‌خواهیم بلکه تو را هم ما روزی می‌دهیم، و فرجام نیکو از آن پرهیز گاری است».

(۲) از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله روایت است که چون می‌خواست با بانوی ازدواج کند زنی را نزد او می‌فرستاد و به او می‌فرمود: صفحه گردن او را بو کن، زیرا اگر بُوی گردنش پاکیزه بود عرق بدنی نیز پاکیزه خواهد بود ...

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۸

(۱)

## ۹ آداب و سنن آن حضرت در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و آداب سفره

### اشاره

(۲) ۱۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود: نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چیزی محبوب‌تر از این نبود که پیوسته در راه خدا گرسنه و ترسان باشد.

(۳) ۱۶۷. عیض بن قاسم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حدیثی از پدر بزرگوارتان روایت می‌شود که فرموده: هر گز رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از زنان گندم سیر نخورد؛ آیا این مطلب درست است؟ فرمود: نه، بلکه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گز نان گندم نخورد، و از نان جو نیز هر گز سیر نخورد.

(۴) ۱۶۸. یکی از پرسش‌هایی که آن مرد یهودی شامی از امیر مؤمنان علیه السلام کرد آن است که گفت: مردم پندارند که عیسی علیه السلام مردی زاهد بود. علی علیه السلام به او فرمود:

آری، چنین بود و محمّد صلی اللہ علیہ و آله از همه پیامبران زاهدتر بود، زیرا آن حضرت علیوه بر کنیزه‌ایی که داشت دارای سیزده تن زن (در زمانهای متفاوت) بود، با این حال هیچ گاه سفره‌ای از نزد آن حضرت برچیده نشد که در آن طعامی باقی مانده باشد و

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۸۹

هر گز نان گندم نخورد و از نان جو نیز سه شبانه روز پیاپی سیر نخورد.

- (۱) ۱۶۹. علی علیه السلام فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق قرار ده ... که پهلویش از همه اهل دنیا لاغرتر، و شکمش از همه آنان تهی تر بود ... با شکم خالی از دنیا رخت بربست، و با سلامت به سرای آخرت در آمد.
- (۲) ۱۷۰. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در حال تکیه دادن غذا نخورد مگر یک بار، آن هم پس از یادآور شدن نشست و گفت: خدایا، من بنده و پیامبر تو هستم.
- (۳) ۱۷۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از روزی که خداوند او را به پیامبری برانگیخت تا روزی که جان او را گرفت در حال تکیه دادن غذا نخورد.
- آن حضرت مانند بردگان غذا می خورد و مانند آنان می نشست. گفتم: چرا چنین می کرد؟ فرمود: برای فروتنی در برابر خدای بزرگ.
- (۴) ۱۷۲. ابو خدیجه گوید: در مجلسی که من حاضر بودم بشیر دهان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در حالی که بر دست راست یا چپ تکیه کرده باشد غذا می کرد؟ فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هیچ گاه در حال تکیه دادن بر دست راست یا چپ غذا می می کرد، بلکه مانند بردگان می نشست. من گفتم: چرا چنین بود؟ فرمود: برای فروتنی در برابر خدای بزرگ.
- (۵) ۱۷۳. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله مانند بردگان غذا می خورد و مانند آنان می نشست. و بر زمین پست غذا می خورد و می خوابید.
- (۶) ۱۷۴. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون برای غذا خوردن می نشست، زانوها و قدمهای خود را جمع می کرد آن گونه که نمازگزار دو زانو می نشیند، با این فرق که یکی از زانوها و قدمها را روی زانو و قدم دیگر می نهاد، و می فرمود: همانا من بندهام، مانند بندگان غذا می خورم و مانند آنان می نشینم.
- (۷) ۱۷۵. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون بر سر سفره می نشست مانند بندگان می نشست و بر ران چپ خود تکیه می کرد.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۹۰
- (۱) ۱۷۶. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله روی زمین می نشست، و گوسفندان را به دست خود می بست، و دعوت غلامان را برای خوردن نان جو می پذیرفت.
- (۲) ۱۷۷. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله مانند بندگان می نشست و دست خود را بر زمین می نهاد (به آن تکیه می کرد «۱»)، و با سه انگشت غذا می خورد. و فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله این چنین غذا می می کرد نه مانند جباران که با دو انگشت غذا می خورند.
- (۳) ۱۷۸. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله پس از غذا خوردن، انگشتان خود را می لیسید.
- (۴) ۱۷۹. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هر گاه انار می خورد کسی را در آن شرکت نمی داد.
- (۵) ۱۸۰. پیامبر صلی اللہ علیه و آله از هر گونه غذا می کرد، و هر غذایی را که خداوند برای او حلال کرده بود با خانواده و پیشکاران خود می خورد، و نیز با کسانی که ایشان را دعوت می کردند بر روی زمین و یا هر چه فرش نموده بودند می نشست و از هر غذایی که داشتند با آنان می فرمود، مگر آنکه مهمانی برای آنان بر سد که با مهمان غذا می خورد. و بهترین غذا نزد آن حضرت غذایی بود که شرکت کنندگان در آن بیشتر باشند.
- (۶) ۱۸۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون با مردم غذا می خورد نخستین کسی بود که دست به غذا دراز می کرد و آخرین کسی بود که دست بر می داشت تا مردم هم [شرم نکنند و] غذا بخورند.

(۷) ۱۸۲. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگامی که نزد قومی افطار می کرد

(۱) از این جمله روشن می شود که مسأله تکیه نکردن رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در حال غذا خوردن غیر از تکیه دادن بر دست بر روی زمین است، بلکه مراد تکیه نکردن بر پشتی و بالش و امثال آن است چنان که رسم پادشاهان و سایر متفکران است. شاهد این مطلب فرمایش امام صادق علیه السلام است که آن حضرت را از تکیه دادن بر دست در حال غذا خوردن نهی کرد، در بار سوم فرمود: به خدا سوگند رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هرگز از چنین چیزی نهی نکرده است. (مؤلف)

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۱

می فرمود: روزه داران نزد شما افطار کردند، نیکان از غذای شما خوردن و برگزیدگان بر شما درود فرستادند و در حق شما دعا کردند.

(۱) ۱۸۳. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شام پیامبران پس از نماز عشا بوده است، شما نیز شام خوردن را ترک نکنید، زیرا ترک آن باعث خرابی بدن است.

(۲) ۱۸۴. امام صادق علیه السلام فرمود: ظرف طعامی که در آن [علاوه بر سایر غذاهای] خرماء باشد نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نیاوردنند مگر آنکه از خرماء شروع می کرد.

(۳) ۱۸۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ میان هر دو لقمه حمد خدا می کرد.

(۴) ۱۸۶. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گاه خرماء می خورد هسته آن را پشت دست می نهاد سپس به سویی پرتاپ می کرد.

(۵) ۱۸۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گاه شیر می نوشید مضمضه می کرد و می فرمود: شیر چربی دارد.

(۶) ۱۸۸. وهب بن عبد ربه گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم خلال می کرد، چون به ایشان نگاه کردم فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خلال می کرد؛ خلال دهان را پاکیزه می کند.

(۷) ۱۸۹. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با هر چه به دستش می رسید خلال می کرد، مگر با برگ درخت خرماء و چوب تو خالی گیاهان (زیرا اینها خرد شده، می شکند و لای دندان می ماند).

(۸) ۱۹۰. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ هر گاه آب می نوشید اول «بسم اللہ»

می گفت ... و آب را می مکید و آن را به یک نفس نمی نوشید، و می فرمود: درد کبد از آب را به یک نفس خوردن حاصل می شود.

(۹) ۱۹۱. ابن مسعود گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در هنگام خوردن آب از ظرف آن را با سه نفس می نوشید و در هر نفس

«بسم اللہ»

می گفت، و در آخر شکر خدا می نمود.

(۱۰) ۱۹۲. ابن عباس گوید: دیدم رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با دو نفس آب نوشید.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۲

(۱۱) ۱۹۳. علی علیه السلام فرمود: بارها پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ را زیر نظر گرفتم دیدم هنگام نوشیدن آب آن را با سه نفس می نوشید و در هر نفس

«بسم اللہ»

می گفت و در آخر حمد خدا می کرد. از سبب آن پرسیدم، فرمود: یا علی،

«حمد»

برای ادائی شکر خدا، و

«بسم اللہ»

برای ایمنی از درد است.

(۲) ۱۹۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در هنگام آب خوردن در ظرف آب نفس نمی کشید، بلکه هر وقت می خواست نفس بکشد ظرف را از دهان دور می داشت.

(۳) ۱۹۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون برای «استشفا» در آبی دعا می خواند ظرف را نزدیک دهان می برد و تا آنجا که خدا می خواست به آن دعا می خواند ولی در آن آب دهان نمی انداخت.

(۴) ۱۹۶. امام باقر علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام ایستاده آب می خورد. روزی از بقیه آب وضوی خویش در حالی که ایستاده بود نوشید، سپس رو به امام حسن علیه السلام کرد و فرمود: ای پسر کم، جدت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ را دیدم که چنین کرد.

(۵) ۱۹۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خرمای نورس و پیه درخت خرما را با خرمای خورد، و می فرمود: شیطان- لعنه الله- سخت به خشم می آید و می گوید: آدمیزاده زنده ماند تا کهنه را با تازه خوردا!

(۶) ۱۹۸. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون گوشت می خورد سر خود را به سوی آن پایین نمی برد، بلکه گوشت را به سوی دهان بالا- می آورد و آن را به دندان پاره می کرد ... و هر گاه گوشت می خورد به خصوص دستهای خویش را خوب می شست، آن گاه دست تر را به صورت می کشید.

(۷) ۱۹۹. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گونه غذایی را میل می فرمود.

(۸) ۲۰۰. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ همه نوع غذا را می خورد ... و خیار را با خرمای اوقات با خرمای میل می کرد ... و در فصل خرما روزه را با خرمای افطار

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۹۳

می نمود. اکثرا انگور را دانه دانه میل می نمود. آن حضرت پنیر هم می خورد ... و چون خرمای خورد روی آن آب می نوشید و بیشتر خوراکش خرمای آب بود. شیر و خرمای حلیم می خورد. گوشت را از همه چیز بیشتر دوست داشت. کدو را دوست داشت به ویژه کدو حلوایی که آن را زودتر از هر چیز از سینی غذا بر می گرفت.

گوشت مرغ و حیوانات وحشی حلال گوشت و پرنده کان و نیز نان و روغن و سرکه و کاسنی و ریحان کوهی و کلم نیز میل می کرد.

(۱) ۲۰۱. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خیار را با نمک می خورد.

(۲) ۲۰۲. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از گوشت پرنده شکار شده می خورد ولی خود در پی شکار نمی رفت و به دوست خود شکار نمی نمود و دوست داشت که دیگران برای آن حضرت شکار کنند و بیاورند تا میل کند.

(۳) ۲۰۳. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از گوشت، ماهیچه دست را دوست داشت.

(۴) ۲۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ عسل را بسیار دوست داشت.

(۵) ۲۰۵. سلیمان بن جعفر جعفری گوید: بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدم و در برابر آن حضرت خرمای برنی بود که با

جدّ و استهای کامل از آن می‌خورد، و به من فرمود: ای سلیمان، نزدیک بیا و بخور. من هم با آن حضرت از آن خوردم و عرض می‌کردم: فدایت شوم، می‌بینم از این خرما با استهای کامل میل می‌کنید! فرمود: بلی، من آن را بسیار دوست دارم. گفتم: چرا؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین، امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق و پدرم علیهم السّلام همه، خرما را بسیار دوست داشتند و من نیز بسیار خرما دوستم و شیعیان ما نیز بسیار خرما دوست‌اند، زیرا از سرشت ما آفریده شده‌اند، و دشمنان ما- ای سلیمان- شراب مست‌کننده را دوست دارند، زیرا آنان از شعله‌ای از آتش آفریده شده‌اند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۴

(۱) ۲۰۶. امام صادق علیه السّلام فرمود: غذای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله نان جو بود- اگر به آن دست می‌یافتد- و حلواش خرما، و هیزمش چوب درخت خرما بود.

(۲) ۲۰۷. امام باقر و امام صادق علیهمما السّلام می‌فرمودند: روی زمین میوه‌ای نزد رسول خدا صلی اللہ علیه و آله محبوبتر از انار نبود. به خدا سوگند چون آن حضرت انار میل می‌کرد دوست داشت کسی با او در آن شرکت نکند.

(۳) ۲۰۸. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله غذای داغ را نمی‌خورد تا اینکه سرد شود، و می‌فرمود: خداوند به ما آتش نخوارانیده است؛ غذای داغ برکت ندارد، پس آن را سرد کنید.

آن حضرت هنگام غذا خوردن

«بسم اللہ»

می‌گفت، و با سه انگشت و از جلو خود غذا می‌خورد و از جلو کسی دیگر غذا می‌آوردند پیش از دیگران شروع می‌کرد و سپس دیگران شروع می‌کردند. و با سه انگشت یعنی شصت و سیاهه و انگشت وسط دست غذا می‌خورد، و گاه از انگشت چهارم کمک می‌گرفت. گاه هم با تمام کف دست غذا می‌خورد، ولی با دو انگشت غذا نمی‌خورد و می‌فرمود: خوردن با دو انگشت راه و رسم شیطان است.

روزی اصحاب آن حضرت فالوده‌ای آوردند، حضرت با ایشان از آن میل فرمود و پرسید: این از چه درست شده است؟ گفتند: روغن و عسل را به هم می‌آمیزیم و همین چیزی که مشاهده می‌فرماییم به دست می‌آید. فرمود: این غذای پاکیزه‌ای است! آن حضرت نان جو الک نشده را می‌خورد، و هرگز نان گندم نخورد، و از نان جو نیز سیر نخورد، و تازنده بود بر سر سفره رنگین غذا نخورد. هندوانه و خربزه و انگور می‌خورد، و نیز خرما را می‌خورد و هسته‌اش را به گوسفندان می‌داد. سیر و پیاز و تره و عسل مومدار (که بوی بد آن در دهان باقی می‌ماند) نمی‌خورد.

رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هرگز طعامی را نکوهش نکرد، اگر دوست داشت می‌خورد و اگر دوست نداشت رها می‌کرد، ولی بر دیگران حرام نمی‌نmod. ظرف غذا را با

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۵

انگشت پاک می‌کرد و می‌فرمود: ته‌مانده ظرف با برکت تر است. و چون از غذا خوردن دست می‌کشید هر سه انگشت خود را با آن غذا خورده بود یکی پس از دیگری می‌لیسید. پس از غذا دست خود را می‌شست تا خوب پاک شود. و تنها غذا نمی‌خورد.

(۱) ۲۰۹. امام صادق علیه السّلام فرمود: در این میان که امیر مؤمنان علیه السّلام در رحبه کوفه با چند تن از یاران قرار داشت طبق فالوده‌ای برای ایشان هدیه آوردند؛ حضرت به یاران خود فرمود: دست دراز کنید (و بخورید) آنان دست دراز کردند و آن حضرت نیز دست به سوی ظرف دراز نمود، سپس دست خود را عقب کشید و فرمود:

رسول خدا صلی اللہ علیه و آله را به یاد آوردم که فالوده نخورد «۱»، من نیز از خوردن آن کراحت دارم.

(۲) ۲۱۰. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هر گاه غذای چرب می‌خورد کمتر آب می‌نوشید.

عرض شد: یا رسول اللہ، شما کم آب می نوشید! فرمود: این برای غذایم گواراتر است.

(۳) ۲۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله خوش می داشت که از قدح شامی آب بنوشد، و می فرمود: این پاکیزه ترین ظرفهای شماست.

(۴) ۲۱۲. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از قدحهای شیشه‌ای که از شام می آوردن آب می نوشید، و از قدحهای چوبین و پوستی و سفالی هم آب می نوشید.

(۵) ۲۱۳. پیامبر صلی اللہ علیہ و آله با کف دست هم آب می نوشید؛ آب را کف دست می ریخت و می فرمود: ظرفی پاکیزه تر از دست نیست.

(۶) ۲۱۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از دهانه مشکهای بزرگ و کوچک آب می نوشید، ولی در حال آب خوردن دهانه آن را به بیرون بر نمی گردانید، و می فرمود: این کار

(۱) از روایات دیگری بر می آید که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فالوده میل کرد ولی بسیار اندک، و شاید مراد این حدیث همین باشد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۶  
آب مشک را بدبو می کند.

(۱) ۲۱۵. از مطالبی که ابن طاووس رحمه اللہ در کتاب مهج الدعوات از کتاب زاد العابدین درباره کیفیت گرفتن آب نیسان نقل کرده معلوم می شود که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از آن آب استفاده می کرده است.

(۲) ۲۱۶. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دو قوچ شاحدار ابلق (سیاه و سفید) در عید قربان ذبح می کرد.

(۳) ۲۱۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در روز عید قربان دو قوچ ذبح می کرد، یکی از طرف خود و دیگری از طرف [نیازمندان] امت خود.

(۴)

## ملحقات

(۵) ۱۸۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: ما قومی هستیم که تا گرسنه نشویم غذا نمی خوریم، و چون غذا خوردیم سیر نمی خوریم.

(۶) ۱۸۶. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بسا چند شب پیاپی گرسنه می ماند و شامی برای خود و خانواده اش نمی یافت، و عمدۀ خوراکش نان جو بود.

(۷) ۱۸۷. عایشه گوید: سو گند به خدایی که محمد صلی اللہ علیہ و آله را به حق برانگیخت ما الک نداشتیم [که آرد را الک کنیم و نان الک کرده بخوریم] و آن حضرت از روزی که خداوند او را مبعوث فرمود تا روزی که از دنیا رفت هرگز نانی که آرد آن را الک کرده باشند میل نفرمود.

(۸) ۱۸۸. انس گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از غذایی که بر طبق و مجمععه نهاده شده بود نخورد، و نیز از نان سبوس گرفته (که نان اشرافی آن روز بوده) نخورد. از او پرسیدند: آنان غذا را بر روی چه می خورند؟ گفت: بر سر سفره.

(۹) ۱۸۹. عایشه گوید: هرگز رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله شکم را از سیری پر نکرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۷

- (۱) ۱۹۰) امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد، شاید پنداری که رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود کسی آن حضرت را- اگر چه یک بار- دیده باشد که در حال تکیه دادن غذا خورده باشد؟ ای محمد، شاید گمان کنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود سه روز پیاپی از نان گندم سیر خورده باشد؟ آن گاه حضرت پاسخ خود را چنین داد: نه، به خدا سو گند تا روزی که خداوند جان او را قبض نمود سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد. البته نمی‌گوییم آن حضرت دسترسی به آن نداشت، بلکه گاهی به یک مرد صد شتر می‌بخشید؛ و اگر می‌خواست بخورد حتماً می‌توانست. همانا جبرئیل سه بار کلید گنجهای زمین را نزد آن حضرت آورد و او را در انتخاب آن مخیر ساخت بدون آنکه خداوند چیزی از پاداش اخروی که برای او آماده ساخته بکاهد، ولی او در هر بار تواضع و فروتنی در برابر پروردگارش را [بر تمام گنجهای زمین] برمی‌گردید. هر گز چیزی از او درخواست نشد که در پاسخ «نه» بگوید. اگر داشت می‌بخشید، و اگر نداشت می‌فرمود: به خواست خدا انجام خواهد شد.
- (۲) ۱۹۱) علی علیه السلام فرمود: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هر گز سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد تا به رحمت الهی پیوست.

- (۳) ۱۹۲) ابو هریره گوید: هر گز رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانواده او تا هنگام رحلت آن حضرت سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخوردند.
- (۴) ۱۹۳) عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله تا دم مرگ نشد که سه روز پیاپی از طعام سیر شده باشد، و اگر می‌خواست می‌توانست خود را سیر کند، ولی گرسنگان دیگر را بر خود مقدم می‌داشت.
- (۵) ۱۹۴) هیچ گاه دو رنگ غذا در یک لقمه رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نشد، اگر گوشت بود نان نداشت، و اگر نان بود گوشت نداشت.

#### آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۸

- (۱) ۱۹۵) هیچ گاه دو نوع غذا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نشد مگر آنکه یکی را خود خورد و دیگری را صدقه داد.
- (۲) ۱۹۶) ابن حولی ظرفی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد که در آن شیر و عسل ریخته بود. آن حضرت از خوردن آن خودداری کرد و فرمود: دو نوع نوشیدنی در یک جا، و دو ظرف (دو نوع) غذا در یک ظرف؟! پس، از خوردن آن خودداری نمود، سپس فرمود: آن را حرام نمی‌کنم، ولی دوست ندارم در دنیا فخر و مبارفات کنم و در فردای قیامت به خاطر بهره‌مندی بیش از حد از دنیا حساب پس بدهم. من فروتنی را دوست دارم، زیرا هر که برای خدا فروتنی کند خدایش سربلند گرداند.
- (۳) ۱۹۷) علی علیه السلام در هنگام شهادت به دخترش ام کلثوم علیها السلام فرمود: من می‌خواهم از برادر و پسر عمومی رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی کنم که تا زنده بود هیچ گاه دو نوع غذا برای او در طبقی نیاوردند.
- (۴) ۱۹۸) رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آنجا که ممکن بود به تنهایی غذا نمی‌خورد.
- (۵) ۱۹۹) علی علیه السلام در سفارشاتش به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل، در کیفیت غذای خود زیاد دقت مکن، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله خلیل در کیفیت غذا دقت نمی‌کرد.
- (۶) ۲۰۰) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانواده خود غذای باب میل و مطبوعشان را می‌داد؟ فرمود: آری، زیرا هر گاه نفس آدمی غذای مطبوع خود را بیابد به آن قانع شده، آن غذا موجب رشد گوشت و چاقی وی می‌گردد.
- (۷) ۲۰۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله کاسه غذا را [با انگشت] می‌لیسید.
- (۸) ۲۰۲) امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: دوازده خصلت است که سزاوار است هر مسلمانی آنها را برای غذا خوردن فرا

بگیرد، چهار تای آنها واجب، چهار تای سنت و چهار تای دیگر آداب است ... اما آنچه سنت است عبارت است از: بر پای چپ آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۹۹ نشستن، با سه انگشت غذا خوردن و از جلوی خود لقمه برگرفتن «۱».

- (۱) ۲۰۳) در حدیث سنت طعام آمده است: شستن دستها پیش از غذا و بعد از غذا سنت است.
- (۲) ۲۰۴) پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آله هنگام غذا خوردن به کسی که پیش روی آن حضرت بود لقمه تعارف می‌کرد، و هنگام آب نوشیدن به کسی که در سمت راست او بود آب را تعارف می‌نمود.
- (۳) ۲۰۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در حال ایستاده و بسا در حال سواره آب می‌نوشید. و بسا ایستاده از مشک و کوزه یا هر ظرف دیگر و گاه با دستهای مبارکش آب می‌نوشید.
- (۴) ۲۰۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با سه نفس آب می‌نوشید، و هر بار در اول **«بسم اللہ»** و در آخر **«الحمد للہ»**

می‌گفت. بعد از نفس اول می‌گفت:  
**«الحمد للہ»**

، و بعد از نفس دوم می‌گفت:  
**«الحمد للہ رب العالمین»**

، و بعد از نفس سوم می‌گفت:  
**«الحمد للہ رب العالمین، الرحمن الرحيم»**

- (۵) ۲۰۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه آب می‌نوشید می‌گفت:

**الحمد لله الذي لم يجعله اجاجاً بذنبنا، و جعله عذباً فراتاً بنعمته**

«سپاس خدایی را که آن را در اثر گناهان ما تلخ نکرد، و به واسطه نعمت خود آن را شیرین و گوارا قرار داد».

- (۶) ۲۰۸) پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آله چون قسمتی از لقمه‌اش را می‌خورد می‌گفت:

**اللهم لك الحمد، اطعمت و سقيت و ارويت، فلك الحمد غير مكفور ولا موعد ولا مستغنى عنك**

«خداؤندا، تو را سپاس که اطعام کردی و نوشاندی و سیراب نمودی، پس تو را سپاس بی آنکه تو را ناسپاسی کنیم و دست از تو باز داریم و خود را از تو بی نیاز شماریم».

- (۷) ۲۰۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: سر که خوب خورشی است. خدایا، سر که را بر

- (۱) و در نقل دیگر آمده است: «شستن دست پیش از غذا ... و لیسیدن انگشتان پس از غذا» - (مؤلف).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۰

ما مبارک گردان، زیرا که آن خورش پیامبران پیش از من بوده است.

- (۱) ۲۱۰) امام صادق علیه السلام فرمود: محبوبترین خورشها نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله سر که و زیتون بود، و می‌فرمود: اینها خوراک پیامبران علیهم السلام است.

(۲) ۲۱۱) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله گوشت کلیه (قلوه) های حیوان را نمی‌خورد، بدون آنکه آن را بر

دیگران حرام کند، و می‌فرمود: به خاطر اینکه کلیه‌ها به بول حیوانات نزدیک است.

(۳) ۲۱۲) امام صادق علیه السلام فرمود: از سوی انصار یک سینی بزرگ برنج خدمت رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هدیه آوردند، آن حضرت سلمان و مقداد و ابو ذر (رضی اللہ عنهم) را هم دعوت کرد و آنان کمی خوردن و زود دست کشیدند، رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود:

شما که چیزی نخوردید! سپس فرمود: از شما آن کس که بیشتر ما را دوست دارد بیشتر نزد ما غذا می‌خورد.

(۴) ۲۱۳) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: اگر مؤمنی مرا برای خوردن سردست و پاچه گوسفندی دعوت کند می‌پذیرم، و این خود از دین محسوب است. و اگر مشرک یا منافقی مرا برای خوردن شتری که نحر کرده دعوت کند نمی‌پذیرم، و این نیز از دین محسوب است. خداوند عطا و غذای مشرکان و منافقان را برای من نخواسته است.

(۵) ۲۱۴) مانند روایت ۲۰۸. است.

(۶) ۲۱۵) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: هنگام غذا خوردن کفشهای خود را در آورید، زیرا که این کار سنت خوبی است و پاها را راحتی می‌بخشد.

(۷) ۲۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله گوشت ماهیچه و سردست را دوست داشت و گوشت ران را دوست نمی‌داشت، زیرا این قسمت به محل بول حیوان نزدیک است.

(۸) ۲۱۷) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هرگز طعامی را نکوهش نکرد، اگر میل داشت می‌خورد و گرنه ترک می‌کرد.  
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۱

(۱) ۲۱۸) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله غذا را فوت نمی‌کرد، و در ظرف آب هم نمی‌دمید.

(۲) ۲۱۹) سرکه و سبزی بر سر سفره از سنت است.

(۳) ۲۲۰) امام صادق علیه السلام فرمود: مقداری حلوای روغن و خرما خدمت رسول خدا صلی اللہ علیه و آله آوردند، آن حضرت میل نکرد، عرض شد: آیا خوردن آن را حرام می‌دانید؟ فرمود: نه، ولی خوش ندارم نفسم به اینها تمایل نیافرید، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «شما از خوبیها و خوشیهای خود در زندگانی دنیاتان بهره‌مند شدید ... ۱۱».۱۱

(۴) ۲۲۱) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله ظرف غذا را برای گربه کج نگاه می‌داشت [تا حیوان بتواند راحت از آن بخورد].

(۵) ۲۲۲) امام صادق علیه السلام با پنج انگشت غذا می‌خورد و می‌فرمود:

رسول خدا صلی اللہ علیه و آله این گونه غذا می‌خورد نه آن گونه که جباران [با دو انگشت] می‌خورند.

(۶) ۲۲۳) علی علیه السلام فرمود: ما کشمش و خرما را برای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در ظرف آب خیس می‌کردیم، در روزهای اول و دوم از آن میل می‌کرد، و چون رنگ آن بر می‌گشت دستور می‌داد آن را دور بریزند.

(۱) احراق / ۲۰.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۲

(۱)

## ۱۰ آداب و سنن آن حضرت در بیت الخلاء

اشارة

- (۲) هیچ گاه رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در حال بول یا غائط دیده نشد.
- (۳) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ چون می خواست آب بینی یا خلط سینه خود را بگیرد سر خود را می پوشانید و سپس آن را دفن می کرد. در هنگام آب دهان انداختن نیز چنین می کرد. و چون می خواست به بیت الخلاء رود نیز سر خود را می پوشانید.
- (۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در سفارشات خود به ابوذر فرمود: ای ابا ذر، از خدا شرم بدار، که من - سوگند به خدایی که جانم به دست اوست - چون به بیت الخلاء می روم لباس خود را بر سر می کشم، زیرا از دو فرشته‌ای که با من هستند شرم می کنم.
- (۵) شیخ مفید رحمه اللہ گوید: پوشانیدن سر - در صورتی که برھنه باشد - در هنگام قضاء حاجت از سنن پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ است.
- (۶) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ پس از بول کردن سه بار دست خود را به مجرای بول می کشید.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۳
- (۱) حسین بن خالد گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: به ما حدیث رسیده است که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در حالی که انگشت در دست داشت و نقش آن «محمد رسول اللہ» بود طهارت می گرفت، و امیر مؤمنان علیه السلام نیز چنین می کرد؟! فرمود: راویان راست گفته‌اند. گفتم: برای ما هم سزاوار است که چنین کنیم؟ فرمود:
- آنان انگشت را به دست راست می کردند و شما به دست چپ می کنید (بنا بر این باید هنگام طهارت گرفتن انگشت را بیرون آورید).
- (۲) امام صادق علیه السلام فرمود: سه سنت از سنن رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در باره براء بن معورو انصاری جاری شد «(۱) مردم قبل - با سنگها خود را پاک می کردند؛ یک بار براء بن معورو کدو خورد و مزاجش نرم شد، پس با آب طهارت گرفت، خداوند در باره او این آیه را نازل کرد: «خداؤند توبه کنند گان و پاکیزگی جویان را دوست دارد (۲)». از آن وقت طهارت گرفتن با آب سنت شد. (۲) هنگام وفات، او در مدینه بود [و رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در مکه]، ولی دستورداد تا او را به طرف قبله (یعنی کعبه) که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در آنجا بود) دفن کنند. این بود که آیه توجه به قبله نازل شد [و توجیه میت به قبله نیز از سنن پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ گردید]. (۳) وصیت کرد ثلث مالش را [به رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ] بدھند، در نتیجه وصیت به ثلث سنت گردید.
- (۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ بیش از هر کس از ترشح بول اجتناب داشت، از این رو هر گاه می خواست بول کند به زمین بلندی می رفت یا زمین نرم و پر خاکی را انتخاب می کرد تا مبادا بول به او ترشح کند.
- (۴) امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام به من فرمود: فرزندم، برای من لباسی مخصوص قضاء حاجت آماده کن، زیرا دیدم مگس‌ها پس از نشستن روی مایعات نجس بر جامه من می نشینند. من هم لباس را آماده کرده،

(۱) یعنی براء بن معورو سه کار کرد که پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ آنها را به عنوان سنت حسنہ پذیرفت.  
(۲) بقره / ۲۲۲

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۴

خدمت پدرم بود، اما فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ و یاران او یک جامه بیشتر نداشتند [که در همه احوال می پوشیدند]، از این رو آن را قبول نکرد و کنار گذاشت (۱).

(۱)

**ملحقات**

- (۲) ۲۲۴) صدق رحمة الله گوید: سنت در بيت الخلاء آن است که هنگام ورود پای چپ را قبل از پای راست پيش گذارد، و سر را پوشاند، و خدا را ياد كند (ذکر بگوید).
- (۳) ۲۲۵) مردی از امام صادق عليه السلام پرسید: آداب و سنن رفتن به بيت الخلاء چیست؟ فرمود: خدا را ياد می کنی، و از شیطان رانده شده به خداوند پناه می بری  
 (اعوذ بالله من الشیطان الرجيم  
 می گویی) و چون فارغ شدی می گویی:  
 الحمد لله على ما اخرج مني من الاذى في يسر و عافية  
 «سپاس و ستایش خدا را که در آسانی و سلامتی، فضولات آزار دهنده را از من خارج ساخت».
- (۴) ۲۲۶) امام باقر عليه السلام فرمود: نمازی نیست مگر با طهارت، و برای «طهارت گرفتن» سه عدد سنگ کافی است، و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر این جاری بوده است، اما بول را حتما باید آب کشید.
- (۵) ۲۲۷) امام صادق عليه السلام فرمود: سنت در «طهارت گرفتن» به سه عدد سنگ تمیز جاری شده، و پس از آن شستن با آب دو را با هم نشوید.

- (۱) ظاهرا این عمل امام سجاد عليه السلام برای آن بود تا عمل وسوس را از خود دور کند و به دیگران نیز دوری از وسوس را تعلیم دهد.
- (۲) شستن با آب زمانی لازم است که نجاست به اطراف مقعد رسیده باشد، و گر نه مستحب است.  
 آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۵
- (۱) ۲۲۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر برای قضای حاجت، مقدار زیادی از مردم دور می شد و خود را پنهان می ساخت.
- (۲) ۲۳۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به بيت الخلاء می رفت سرش را می پوشانید، و هیچ کس او را [در حال قضای حاجت] ندید.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۶

(۱)

**۱۱ آداب و سنن آن حضرت در امور اموات****اشارة**

- (۲) ۲۲۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه جوش کوچکی در بدن خود می دید به خداوند پناه می برد و اظهار مسکن و زاری در برابر او می نمود. به او عرضه می داشتند: یا رسول الله، چیز مهمی نیست؟ می فرمود: خدا اگر بخواهد چیز کوچک را

- بزرگ، و چیز بزرگ را کوچک خواهد نمود.
- (۳) ۲۲۸. ابو سعید خدری در حالی که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله تب داشت، از روی لحاف دست بر بدن آن حضرت گذاشت و حرارت بدن او را دریافت، گفت: یا رسول اللہ، چقدر تب شما شدید است! فرمود: ما چنین هستیم، بلاها بر ما سخت می‌شود و پاداش ما هم دو برابر است «۱».
- (۴) ۲۲۹. امام باقر علیه السلام فرمود: سنت در حمل تابوت آن است که حمل کننده چهار طرف آن را (به ترتیبی که در حدیث بعد ذکر شده) به دوش گیرد. پس از آن

- (۱) در باب شمایل آن حضرت، حدیث ۴۰ و در باب معاشرت آن حضرت، حدیث ۷۰ گذشت که آن حضرت از بیماران عیادت می‌کرد. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۷  
هر گونه حمل دیگری مستحب است «۱».

- (۱) ۲۳۰. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: حمل چهار گوشه تابوت که سنت بر آن جاری شده چنان است که اول طرف دست راست می‌تابد و دوش گیرد، سپس طرف پای راست، سپس پای چپ و در آخر طرف دست چپ را حمل نماید، تا به این ترتیب چهار گوشه آن را به دوش گرفته باشد.

- (۲) ۲۳۱. امام باقر علیه السلام فرمود: امام حسن مجتبی علیه السلام با گروهی از یاران خود نشسته بود که جنازه‌ای را از آنجا عبور دادند، برخی از یاران برخاستند و امام حسن علیه السلام برنخاست. چون جنازه را بردند برخی از یاران گفتند: خدا شما را سلامتی دهد، چرا برنخاستید حال آنکه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله اگر جنازه‌ای را حرکت می‌دادند از جا برمی‌خاست؟! امام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فقط یک بار برای جنازه از جا برخاست، آن هم به خاطر آن بود که جنازه یهودی را عبور می‌دادند و جا هم تنگ بود، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله برخاست، زیرا نمی‌خواست که جنازه بالاتر از سر آن حضرت حرکت داده شود.
- (۳) ۲۳۲. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه جنازه‌ای را تشییع می‌نمود اندوه بر او غالب می‌شد و بسیار در خود فرو می‌رفت و کمتر سخن می‌گفت.

- (۴) ۲۳۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پس از دفن می‌تابد سه مشت خاک بر روی قبر می‌ریخت.
- (۵) ۲۳۴. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در خصوص اموات بنی هاشم کاری می‌کرد که با دیگر اموات مسلمانان نمی‌کرد. هر گاه بر مرده‌ای از بنی هاشم نماز می‌خواند و آب بر روی قبر او می‌پاشید دست خود را بر قبر می‌نهاد به طوری که اثر انگشتانش در گل دیده می‌شد، و چون شخص غریب یا مسافر به مدینه وارد می‌شد و قبر تازه را با اثر دست رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بر آن می‌دید می‌گفت: تازگی چه کسی از

- (۱) یعنی پس از آنکه چهار طرف را دور زد اگر باز هم زیر تابوت را بگیرد مستحب است.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۸  
آل محمد صلی اللہ علیہ و آله از دنیا رفته است؟
- (۱) ۲۳۵. عبد الرحمن بن ابی عبد اللہ گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دست گذاردن آدمی بر روی قبر چه معنی دارد و چرا چنین می‌کنند؟ فرمود:
- رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پس از آنکه بر روی قبر پرسش آب پاشید چنین کرد. پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبر مسلمانان بگذارم؟ حضرت در حالی که مقابل قبله بود [انگشتان] دست خود را در زمین فرو برد سپس برآورد.

(۲) ۲۳۶. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه به کسی تسلیت می‌گفت می‌فرمود:

آخر کم اللہ و رحمکم

«خدا شما را اجر دهد و بر شما رحمت آورد». و هر گاه تبریک و تهنیت می‌گفت می‌فرمود:

بارک اللہ لكم و بارک اللہ علیکم

«خداؤند بر شما برکت دهد و برای شما مبارک گرداند».

(۳) ۲۳۷. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام به مصیبی دچار نشد جز آنکه در آن روز هزار رکعت نماز

می‌گزاشت و بر شخص مسکین صدقه می‌داد و سه روزه هم روزه می‌گرفت. و به فرزندان خود فرمود: هر گاه به مصیبی دچار شدید همین گونه که من عمل کردم عمل کنید، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله را دیدم که چنین می‌کرد.

پس از اثر پیامبران پیروی کنید و مخالفت نورزید که خدا هم با شما مخالفت خواهد کرد، خدای متعال فرموده: «و هر که صبر کند و گذشت نماید [بسیار شایسته است] که این از امور جدی است». امام زین العابدین علیه السلام فرمود: پس من همیشه مانند امیر مؤمنان علیه السلام عمل می‌کنم.

(۴)

## ملحقات

(۵) ۲۳۱) انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از بیمار عیادت می‌کرد و به تشیع جنازه می‌رفت.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۰۹

(۱) ۲۳۲) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه به عیادت بیماری می‌رفت چنین دعا می‌کرد: اذهب الباس ربّ الباس، و اشف انت الشافی، لا شافی الا انت

«بیماری را ببرای که بیماری در دست توست، و شفا ده که تنها تو شفا دهنده‌ای، و جز تو شفا دهنده‌ای نیست».

(۲) ۲۳۳) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه خود یا یکی از خانواده یا اصحابش چشم درد می‌گرفتند این دعا را می‌خواند:

اللّٰهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصْرِي، وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثِينَ مَنِّي، وَ انْصُرْنِي عَلَى مِنْ ظَلْمِنِي، وَ ارْنِي فِيهِ ثَارِي  
«خداؤند، مرا از گوش و چشم بهره‌مند گردان، و آن دو را وارث من قرار ده (پیش از مردنم آنها را از من مگیر)، و مرا بر کسی که به من ستم کرده پیروز کن، و انتقام را از او به من بنمای».

(۳) ۲۳۴) ابن عباس گوید: پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آله برای رهایی از همه دردها و تب و سردرد این دعا را می‌آموخت: باسم اللہ الکبیر، اعوذ باللہ العظیم من شرّ کلّ عرق نغار، و من شرّ حرّ النار

«به نام خدای بزرگ، از شرّ هر رگ زننده که خون به شدت در آن جریان دارد و از شرّ آتش دوزخ به خدای بزرگ پناه می‌برم».

(۴) ۲۳۵) پیامبر صلی اللہ علیہ و آله هر گاه چیزی او را اندوه‌گین می‌ساخت با روزه گرفتن و نماز خواندن بر دفع آن یاری می‌جست.

(۵) ۲۳۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه به مصیبی دچار می‌شد بر می‌خاست، وضو می‌گرفت و دو رکعت نماز می‌خواند و چنین دعا می‌کرد:

اللّٰهُمَّ قَدْ فَعَلْتَ مَا أَمْرَتَنَا، فَاجْزِ لَنَا مَا وَعَدْنَا

«خدایا، من آنچه را به ما دستور داده بودی انجام دادم، پس آنچه را به ما وعده داده‌ای محقق فرما».

(۶) ۲۳۷ علاء بن کامل گوید: نزد امام صادق علیه السی‌لام نشسته بودم که از درون خانه زنی صدا به شیون بلند کرد، امام صادق علیه السی‌لام (از ناراحتی) برخاست، سپس نشست و گفت: إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَبِهِ سَخْنٌ كَذَّبَتْهُ خُودُ ادَّامَهُ دَادَ تَأْرِيفَ تَمَامَ شَدَّهُ،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۰

سپس فرمود: ما دوست داریم که جان و اولاد و اموال‌مان سالم باشد، ولی هر گاه سرنوشت الهی واقع شد دیگر سزاوار ما نیست که آنچه را خدا برای ما دوست نداشته، دوست داشته باشیم.

(۱) ۲۳۸ امام علیه السی‌لام فرمود: سنت در کافور برای میت حد اکثر مقدار سیزده درهم و ثلث درهم است [زیرا] جبرئیل برای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله حنوطی آورد که چهل درهم وزن داشت، آن حضرت آن را سه قسمت کرد، یک جزء برای خود، یک جزء برای علی علیه السلام و جزء دیگر برای فاطمه علیها السلام.

(۲) ۲۳۹ زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر علیه السی‌لام گفتیم: آیا عمامه برای میت از کفن محسوب است؟ فرمود: نه، کفن واجب سه پیراهن است (لنگ، جامه، سرتاسری) یا یک پوشش سرتاسری که تمام بدنش را پوشاند نه کمتر از آن «۱». و بیش از اینها تا پنج جامه سنت است، و زیادتر از آن بدعت خواهد بود، و عمامه سنت است.

(۳) ۲۴۰ در حدیثی وارد است که جریده (دو قطعه چوب تر خرما، که همراه میت دفن می‌کنند) از سنت است.

(۴) ۲۴۱ موسی بن جعفر علیه السی‌لام فرمود: ما خاندانی هستیم که مهریه زنان و مخارج حج واجب و کفن امواتمان از پاکیزه‌ترین اموال ما تهیه می‌شود، و من کفن خود را آماده دارم.

(۵) ۲۴۲ علی علیه السی‌لام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هر گاه بر جنازه‌ای نماز می‌خواند، اگر میت مرد بود مقابل سینه او، و اگر زن بود مقابل سر او می‌ایستاد.

(۶) ۲۴۳ ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در تشییع جنازه و یا بیرون رفتن برای نماز عید هرگز سواره نرفت.

(۷) ۲۴۴ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: سنت رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بر این جاری شده که زن

(۱) این در صورتی است که پیراهن پیدا نشود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۱

را کسی در قبر گذارد که در زمان حیاتش می‌توانسته او را ببیند (محرم او باشد. و شوهر از دیگران اولویت دارد).

(۱) ۲۴۵ امام کاظم علیه السی‌لام می‌فرمود: با عمامه و شب کلاه و نعلین و طیسان (جامه گشاد و بلندی که تمام بدن را می‌پوشاند) وارد قبر نشو، و به هنگام وارد شدن دکمه‌هایت را باز کن، زیرا سنت رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بر این جاری شده، و دفن کننده باید

«اعوذ باللّٰهِ مِن الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بگوید، و سوره «فاتحه» و «قل اعوذ برب الناس» و «قل اعوذ برب الفلق» و «قل هو اللّٰهُ احٰد» و «آيَةُ الْكَرْسِيِّ» بخواند.

(۲) ۲۴۶ عمر بن اذینه گوید: دیدم امام صادق علیه السی‌لام خاک بر قبر میتی می‌ریخت و پیش از آن خاک را لحظاتی در دست نگاه می‌داشت سپس روی قبر می‌ریخت و بیش از سه مشت هم بیشتر نمی‌ریخت. علت آن را از ایشان پرسیدم، فرمود: ای عمر، داشتم این دعا را می‌خواندم:

ایمانا بک، و تصدیقا بیعثتک، هذا ما وعد الله و رسوله، و صدق الله و رسوله، و ما زادهم الا ایمانا و تسليما.

«خداؤندا، به تو ایمان دارم و به برانگیختن تو مردگان را در قیامت باور دارم. این چیزی است که خدا و رسولش ما را وعده داده‌اند، و خدا و رسولش راست گفته‌اند. و گفته آنان جز بر ایمان و تسليم ما نیفزوود». رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌کرد و سنت هم بدان جاری شده است.

(۳) علی علیه السلام فرمود: سنت است که بر روی قبر آب بپاشند.

(۴) امام صادق علیه السلام فرمود: سنت در پاشیدن آب بر روی قبر آن است که رو به قبله بایستد و از طرف سر میت شروع کند به ریختن آب تا به طرف پایش برسد، سپس از همانجا دور زند و آب بریزد تا به طرف دیگر سر برد، و در آخر مقداری آب بر وسط قبر بپاشد، سنت در این کار چنین است.

(۵) حضرت رضا علیه السلام فرمود: سنت آن است که قبر به قدر چهار انگشت باز از زمین بلندتر ساخته شود و اگر بیشتر هم شد مانع ندارد، و نیز باید قبر مستطح

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۲

باشد و مانند کوهان شتر (یا گرده ماهی) برآمده ساخته نشود.

(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که جعفر بن ابی طالب علیه السلام شهید شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیهم السلام را امر کرد که سه روز برای اسماء بنت عمیس (همسر جعفر) غذا تهیه کند و خودش با زنان دیگر سه روز نزد او بمانند. از این رو سنت بر این شد که برای مصیبت‌زدگان تا سه روز غذا ببرند.

(۲) امام باقر علیه السلام وصیت کرد که هشت‌تصد درهم در مخارج ماتم او مصرف کنند، و این عمل را از سنت می‌دانست، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود: برای خانواده جعفر [بن ابی طالب] غذا تهیه کنید، که آنان گرفتار مصیبت‌اند.

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: نزد مصیبت‌زدگان غذا خوردن از عمل جاھلیت است، و سنت آن است که غذا به خانه آنان بفرستند «۱».

(۱) امروزه متأسفانه به عکس این دستور عمل می‌شود، از این رو مصیبت‌زدگان مصیبت اصلی خود را فراموش نموده، گرفتار مصیتی بزرگتر می‌شوند که آن خرج دادن به شرکت کنندگان در تشییع و غیره است!

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۳

(۱)

## ۱۲ آداب و سنن آن حضرت در معالجه و مداوا

### اشاره

(۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسط سر خود را حجامت کرد، و ابو ظبیه با آلت مخصوص حجامت که از مس بود آن حضرت را حجامت نمود و رسول خدا صلی الله علیه و آله یک صاع خرما (که تقریباً سه کیلو گرم است) به او عطا فرمود. و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه سردرد می‌گرفت روغن کنجد داخل بینی می‌کرد (یا با تخم گشنیز بخور می‌داد) «۱».

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زکام خود را مداوا نمی‌کرد، و می‌فرمود: هیچ کس نیست

جز اینکه رگی از جدام دارد، و هر گاه به زکام مبتلا شود زکام بیماری جدام را ریشه کن می‌کند.

(۴) ۲۴۰. محمد بن فیض گوید: به امام صادق علیه السلام گفت: وقتی کسی از ما بیمار می‌شود پزشکان او را از خوردنیها پرهیز می‌دهند. حضرت فرمود: ولی ما خاندان فقط از خرما پرهیز می‌کنیم، و با سیب و آب سرد خود را معالجه می‌کنیم. گفت: چرا

(۱) در باب نظافت گذشت که آن حضرت برای رفع سردرد ابروان خود را روغن می‌مالید. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۴

از خرما پرهیز می‌کنید؟ فرمود: زیرا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله علی علیه السلام را در زمان بیماریش از آن پرهیز داد.

(۱)

## ملحقات

(۲) ۲۵۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وسط سرش را حجامت می‌کرد و آن را «پناه دهنده» یا «نجات دهنده» می‌نامید.

(۳) ۲۵۴) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت می‌کرد.

(۴) ۲۵۵) امام کاظم علیه السلام می‌فرمود: شستن سر با خطمی در روز جمعه از سنت است، روزی را فراوان، فقر را دور و مو و پوست بدن را نیکو می‌سازد، و این کار امام از سردرد است.

(۵) ۲۵۶) امام صادق علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله سر خود را با سدر می‌شست، و می‌فرمود: هر که سر خود را با سدر بشوید خداوند وسوسه شیطان را از دور می‌سازد، و هر که وسوسه شیطان از او دور شد گناه نمی‌کند، و هر که گاه نکند داخل بهشت می‌شود.

(۶) ۲۵۷) امام صادق علیه السلام فرمود: از دواهای پیامبران علیهم السلام حجامت، نوره کشیدن و انفیه کشیدن است «۱».

(۷) ۲۵۸) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: آیا به شما نیاموزم دارویی را که جبرئیل به من آموخته، تا دیگر به پزشک و دارویی محتاج نشوید؟ گفتند: چرا، یا رسول الله.

فرمود: آب باران را بگیرید و هفتاد بار سوره فاتحه، و هفتاد بار سوره ناس، و هفتاد

(۱) انفیه گردی قهوه‌ای رنگ و مکیف و عطسه‌آور است که بیشتر از تباکو ساخته می‌شود و آن را برای عطسه کردن جلو بینی قرار می‌دهند و برخی از مردم آن را داخل بینی می‌کنند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۵  
بار سوره فلق، و هفتاد بار صلوات بر پیامبر صلی اللہ علیه و آله و هفتاد بار سبحان اللہ

بر آن بخوانید و هفت روز پیاپی هر صبح و شام از آن آب بیاشامید.

(۱) ۲۵۹) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از درد کمر به خداوند شکایت کرد، خدای متعال آن حضرت را دستور داد به خوردن گندم با گوشت (یعنی حیم).

(۲) علی علیه السلام فرمود: هیچ گاه رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بیمار نشد مگر آنکه به حجامت کردن پناه برد.

(۳) ۲۶۱) امام صادق علیه السلام می‌فرمود: جد ما (رسول خدا صلی اللہ علیه و آله) برای معالجه تب فقط ده درهم (حدود دو سیر)

شکر را می‌گرفت و با آب سرد می‌آمیخت و ناشتا میل می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۶

(۱)

## ۱۳ آداب و سنن آن حضرت در مسواک کردن

### اشاره

(۲) ۲۴۱. امام صادق علیه السلام فرمود: مسواک کردن از سنن پیامبران است.

(۳) ۲۴۲. علی علیه السلام فرمود: مسواک کردن موجب خشنودی خداوند، و سنت پیامبر، و خوشبوکننده دهان است.

(۴) ۲۴۳. پیامبر صلی اللہ علیہ و آله هر شب سه بار مسواک می‌کرد: یک بار پیش از خواب، یک بار وقتی از خواب برای نماز شب بر می‌خاست، و یک بار پیش از آنکه برای نماز صبح از خانه بیرون رود.

(۵) ۲۴۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون نماز عشا را می‌خواند دستور می‌داد آب و ضو و مسواکش را آماده کنند و روی آن را پوشانیده نزد سر او بگذارند. آن گاه می‌خواهد آنقدر که خدا بخواهد. سپس از خواب بر می‌خاست و مسواک می‌کرد و ضو می‌گرفت و چهار رکعت نماز می‌گزارد، دوباره می‌خواهد و باز از خواب بر می‌خاست و مسواک می‌کرد و ضو می‌گرفت و نماز می‌خواند.

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود: در رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله برای شما سرمشق خوبی است (شما

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۷

هم به او اقتدا کنید). و در آخر سخن فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آله هر بار که از خواب بر می‌خاست مسواک می‌کرد.

(۱) ۲۴۵. پیامبر صلی اللہ علیہ و آله برای هر نمازی مسواک می‌کرد.

(۲) ۲۴۶. پیامبر صلی اللہ علیہ و آله در هنگام مسواک کردن مسواک را به عرض دندانها می‌کشید.

(۳) ۲۴۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با چوب اراک مسواک می‌کرد، و جبرئیل او را چنین دستور داده بود.

(۴)

### ملحقات

(۵) ۲۶۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فراوان مسواک می‌کرد.

(۶) ۲۶۳. مسواک کردن در سحر پیش از ضو، از سنت است.

(۷) ۲۶۴. مانند روایت ۲۶۳ است.

(۸) ۲۶۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: چوب درخت مبارک زیتون برای مسواک خوب است، دهان را خوشبو می‌کند، جرم دندان را می‌برد، و آن مسواک من و مسواک پیامبران پیش از من است.

(۹) ۲۶۶. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: هر که روزی دو بار مسواک کند بر سنت پیامبران علیهم السلام مداومت نموده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۸

(۱)

## ۱۴ آداب و سنن آن حضرت در وضو

## اشاره

- (۲) ۲۴۸. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله برای هر نماز واجب و مستحبی تجدید وضو می کرد.
- (۳) ۲۴۹. بریده گوید: پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آله برای هر نمازی جداگانه وضو می گرفت، اما در سال فتح مکه تمام نمازهای شباهنگ روز را با یک وضو خواند. عمر گفت: یا رسول اللہ، کاری کردید که تاکنون نکرده بودید! فرمود: عمدًا چنین کردم (تا مردم نپندارند که برای هر نمازی وضوی جداگانه لازم است).
- (۴) ۲۵۰. امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام برای هر نمازی وضوی جداگانه می گرفت و این آیه را تلاوت می کرد: «ای مؤمنان، هر گاه برای نماز برخاستید صورتها و دستها را تا آرنج بشویید ... ۱» و با این روش می خواست به مستحب عمل کند و الا خود رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و امیر مؤمنان علیه السلام و اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ و آله نمازهای متعدد را با یک وضو هم می خواندند.
- (۵) ۲۵۱. زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: آیا وضوی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله را برایتان

(۱) مائده / ۶

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۱۹

بیان نکنم؟ گفتیم: چرا. حضرت ظرفی را که مقداری آب در آن بود خواست و آن را جلو خود نهاد، سپس آستین‌های خود را بالا زد، آن گاه دست راست را در آن فرو برد و فرمود: این وقتی است که دست پاک باشد. سپس کف خود را پر از آب کرد و روی پیشانی ریخت و گفت:

«بسم اللہ»

و آن را به اطراف محسن خود روان ساخت و یک بار دست خود را بر صورت و پیشانی کشید (تا همه جای صورت را شست). سپس دست چپ را در آب فرو برد و آن را پر کرد و بر آرنج دست راست ریخت و با دست چپ بر ساق دست راست راست کشید تا آب به سر انگشتان روان شد. سپس دست راست را در آب فرو برد و آن را پر کرد و بر آرنج دست چپ ریخت و دست راست را بر ساق دست چپ کشید تا آب به سر انگشتان روان شد. آن گاه جلو سر و پشت پاها را با تری دست چپ و راست مسح کرد. سپس فرمود: خداوند فرد و یکتاست و عدد فرد را دوست دارد، از این رو سه مشت آب برای وضوی تو کافی است: یک مشت آب برای صورت، و دو مشت هم برای ساقهای دست؛ و با تری دست راست جلو سر و روی پای راست را، و با تری دست چپ روی پای چپ را مسح می کنی.

آن گاه فرمود: مردی از امیر مؤمنان علیه السلام از کیفیت وضوی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پرسید و آن حضرت همین گونه برای او بیان داشت «۱».

- (۱) ۲۵۲. ابو هریره گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگام وضو گرفتن اول طرفهای راست خود را می شست.
- (۲) ۲۵۳. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از مقدار آب وضو پرسیدم، فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با یک مذ (تقریباً ده سیر) آب وضو می گرفت، و با یک صاع (تقریباً سه کیلوگرم) آب غسل می کرد.
- (۳) ۲۵۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: ما خاندانی هستیم که صدقه بر ما حلال نیست،

- (۱) روایات اهل بیت علیهم السلام در این مورد مستفیض بلکه متواتر است. (مؤلف)  
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۰
- و دستور داریم که شاداب و پر آب و ضو بگیریم، والاغ را برای جفت گیری بر مادیان نمی کشیم.
- (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: مضمضه (آب در دهان گرداندن) و استنشاق (آب در بینی کشیدن) از چیزهایی است که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله سنت نهاده است.
- (۲)

**ملحقات**

- (۳) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: دو چیز است که دوست ندارم کسی در آن با من شرکت کند و در آنها مرا یاری دهد: یکی وضویم که جزء نماز من است. و دیگر صدقه‌ام (که دوست دارم با دست خود بدhem) زیرا صدقه در دست خدای رحمان قرار می‌گیرد.
- (۴) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله شبهای آب وضویش را با دست خود آماده می‌کرد و بالای سر می‌نهاد.
- (۵) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون برای نماز وضو می‌گرفت سه بار انگشت خود را در انگشت می‌گردانید.
- (۶) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در وضو بر ناصیه- یعنی جلو سر که تقریباً یک چهارم تمام مساحت سر است- مسح می‌کشید.
- (۷) علی علیه السلام در سفارش به محمد بن ابی بکر به هنگام اعزام وی به حکومت مصر فرمود: برای وضو سه بار آب در دهان بگردان، و سه بار آب در بینی بکش، و صورت سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوی، آن‌گاه [جلو] سر و روی پاها را مسح کن، زیرا من دیدم رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چنین می‌کرد ...
- (۸) (نسخه این روایت اختلاف دارد و مراد از آن روشن نیست.)
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۱
- (۱)

**۱۵ آداب و سنن آن حضرت در غسل****اشارة**

- (۲) امام صادق علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله با یک صاع (سه کیلو گرم) آب غسل می‌کرد، و اگر با یکی از زنانش غسل می‌کرد یک صاع و یک مدد (سه کیلو و یک چارک) آب مصرف می‌نمود «۱».
- (۳) حسن بن محمد از جابر بن عبد الله در باره غسل رسول خدا صلی اللہ علیه و آله پرسید، جابر گفت: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله سه بار آب بر سر می‌ریخت. حسن بن محمد گفت: موی سر من چنان که می‌بینی بسیار است؛ جابر گفت: ای آزاده، این را مگو، همانا موی سر رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بیشتر و خوشبوتر بود.
- (۴) علی علیه السلام فرمود: غسل کردن در عیدها موجب پاکیزگی کسی است که در طلب حوانج خود می‌رود، و نیز پیروی از سنت پیامبر صلی اللہ علیه و آله است.

(۵) امام صادق علیه السلام فرمود: غسل جمعه سنتی است که رعایت آن بر هر مرد

(۱) در روایتی دیگر این اضافه را دارد که «هر دو از یک ظرف غسل می‌کردند». (مؤلف)

آداب، سُنَّة و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۲

و زن، در حضر و سفر لازم است «۱» ... غسل جمعه وسیله پاکیزگی و کفاره گناهان از جمعه تا جمعه دیگر است. و علت تشریع غسل جمعه آن است که انصار در ایام هفته به کار شتران آبکش و سایر حیوانات خود سرگرم بودند و چون روز جمعه فرا می‌رسید به مسجد می‌آمدند و مردم از بوی بد زیر بغلهای آنان اذیت می‌شدند، بدین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا روزهای جمعه غسل کنند. این بود که سنت بر آن جاری شد.

(۱) ۲۶۰. امام صادق علیه السلام فرمود: غسل در روز عید فطر سنت است.

(۲) ۲۶۱. علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چون ده آخر ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید برای عبادت آماده می‌شد و دامن همت به کمر زده، از خانه بیرون می‌آمد و در مسجد اعتکاف می‌نمود و شبها را تا صبح بیدار بود و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می‌کرد «۲».

(۳)

## ملحقات

(۴) ۲۷۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا دستور داد که در هنگام وضو و غسل جنابت انگشت خود را در انگشت بگردانم (تا آب به زیر آن رود).

(۵) ۲۷۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل مرا دستور داد که هنگام غسل جنابت، با انگشت خود داخل ناف را بشویم.

(۱) یعنی مستحب مؤکد است.

(۲) به خواست خدا در باب نماز، برخی غسلهای دیگر ذکر خواهد شد. (مؤلف)

آداب، سُنَّة و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۳

(۱)

## ۱۶ آداب و سُنَّة آن حضرت در نماز

### اشارة

(۲) ۲۶۲. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نمازهای واجب شبانه روز نماز مستحبی می‌خواند. و دو برابر روزه واجب روزه می‌گرفت.

(۳) ۲۶۳. حنان بن سدیر گوید: عمرو بن حریث در مجلسی که من هم نشسته بودم از امام صادق علیه السلام پرسید و گفت: فدایت شوم، مرا از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر ده. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هشت رکعت نماز نافله ظهر و چهار رکعت نماز واجب ظهر، و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نماز واجب عصر، و سه رکعت نماز واجب مغرب و چهار رکعت

نافله آن، و چهار رکعت نماز عشا «۱»، و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر (دو رکعت به نام شفع و یک رکعت به نام وتر) و دو رکعت نافله صبح و دو رکعت نماز واجب صبح می‌خواند.

گفتم: فدایت شوم، اگر من توانستم بیش از این مقدار نماز بخوانم، آیا خداوند مرا به زیاد خواندن نماز عذاب می‌کند؟ فرمود: نه، ولی تو را به ترک سنت

(۱) نافله عشا که دو رکعت نماز نشسته است ذکر نشده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۴  
عذاب می‌نماید.

(۱) ۲۶۴. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نماز عتمه (دو رکعت نماز نافله عشا که نشسته می‌خوانند) را می‌خواند سپس می‌خواهد «۱». آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۱۶ آداب و سنن آن حضرت در نماز

(۲) مؤلف: روایات در این باره بیش از حد تواتر است و ما به همین که ذکر شد اکتفا کردیم. و از این روایات استفاده می‌شود که نماز «وتیره» از پنجاه رکعت نماز واجب و مستحبی که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می‌خواند خارج است و دو رکعت آن یک رکعت حساب می‌شود و به جای نماز «وتیر» تشريع شده تا اگر مرگ فرا رسید به جای نماز «وتیر» آخر شب به حساب آید. شاهد این مطلب روایتی است که شیخ صدقه رحمه الله از ابو بصیر نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید بدون خواندن نماز وتر نخوابد. ابو بصیر گوید: عرض کردم: مقصود همان دو رکعتی است که بعد از نماز عشا به حال نشسته خوانده می‌شود؟ فرمود: اری، آن دو رکعت به جای یک رکعت حساب می‌شود، و اگر کسی آن را بخواند و در آن شب مرگش فرا رسید مانند کسی است که نماز وتر آخر شب را خوانده باشد، و اگر هم نمرد وتر را در آخر شب می‌خواند. گفتم: آیا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نیز این دو رکعت را می‌خواند؟ فرمود: نه، گفتم: چرا؟ فرمود: برای آنکه به رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وحی می‌رسید و می‌دانست که آیا آن شب از دنیا خواهد رفت یا نه؟ و دیگران چنین علمی را ندارند. از همین رو بود که خودش نمی‌خواند و به دیگران دستور می‌داد آن را بخوانند».

البته معنی این که راوی گفت: «آیا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نیز این دو رکعت را می‌خواند؟» این است که آیا آن حضرت آن را با عمل خود سنت نهاد و بر آن

(۱) ممکن است مقصود از عتمه نماز عشا باشد، زیرا در قدیم نماز مغرب را در مسجد می‌خوانند آن‌گاه به منزل آمده شام می‌خوردند و اندکی استراحت می‌کردند، سپس برای نماز عشا به مسجد می‌رفتند. ولی برخی از آنان پس از شام به خواب عمیق فرو می‌رفتند به طوری که نماز عشاء آنان به دیر وقت می‌کشید.

و در این حدیث می‌فرماید رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله تا نماز عشا را نخوانده نمی‌خوابد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۵  
مداومت می‌نمود یا نه؟

(۱) ۲۶۵. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در حضر و سفر [سحرگاه] هر شب سیزده رکعت نماز می‌خواند که از آن جمله نماز وتر و دو رکعت نافله صبح بود.

(۲) حضرت رضا علیه السلام فرمود: در خروس سفید پنج خصلت از خصلتهای پیامبران وجود دارد، که از جمله آنها شناختن

اوقات نماز است.

(۳) ۲۶۷. زراره گوید: از امام باقر علیه السلام از وقت نماز ظهر پرسیدم، فرمود: وقتی سایه شاخص یک ذراع از زوال آفتاب گذشت وقت (فضیلت) نماز ظهر است. وقت (فضیلت) نماز عصر بلند شدن سایه به مقدار دو ذراع از اول ظهر است و آن به اندازه چهار قدم از سایه زوال ظهر است. سپس فرمود: دیوار مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلندی یک قامت بود، وقتی سایه آن به اندازه یک ذراع می‌شد آن حضرت نماز ظهر را می‌خواند، و چون به قدر دو ذراع می‌شد نماز عصر را می‌خواند. سپس فرمود: آیا می‌دانی چرا وقت نماز به اندازه یک ذراع و دو ذراع تأخیر افتاد؟ گفتند:

چرا این گونه است؟ فرمود: به خاطر خواندن نافله است. می‌توانی از اول ظهر به خواندن نافله مشغول شوی تا وقتی که سایه شاخص به یک ذراع برسد. چون سایه به یک ذراع رسید نماز واجب را شروع کرده نافله را ترک می‌کنی، و چون سایه به قدر دو ذراع رسید نماز واجب عصر را شروع کرده نافله را ترک می‌کنی.

(۴) ۲۶۸. زراره گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز تا هنگام ظهر نمازی نمی‌خواند. چون ظهر می‌شد و سایه به اندازه نصف انگشت می‌رسید هشت رکعت (نافله ظهر) می‌خواند، و چون سایه به قدر یک ذراع می‌شد به نماز ظهر می‌پرداخت. آن‌گاه پس از نماز ظهر دو رکعت (از نافله عصر) می‌خواند و پیش از رسیدن وقت عصر نیز دو رکعت می‌خواند، تا آنکه سایه به قدر دو ذراع می‌شد، آن وقت نماز عصر را به جا می‌آورد. وقتی آفتاب غروب می‌کرد نماز مغرب را می‌خواند، و بعد از پنهان شدن شفق (سرخی طرف مغرب) وقت نماز عشا

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۶

می‌رسید و آخر وقت مغرب پنهان شدن شفق است و چون شفق پنهان شد وقت عشا می‌رسد. وقت عشا تا ثلث شب امتداد دارد. و بعد از آن نماز دیگری نمی‌خواند تا شب به نصف می‌رسید، آن‌گاه بر می‌خاست و سیزده رکعت نماز می‌خواند که نماز «وتر» و دو رکعت «نافله صبح» از آن سیزده رکعت بود. چون سیزده صبح می‌دمید و هوا روشن می‌شد به خواندن نماز صبح مشغول می‌گردید (۱).

(۱) ۲۶۹. امام صادق علیه السلام در بیان چگونگی نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: شبها به هنگام خواب ظرف آبی را که روی آن را پوشانده بودند بالای سر آن حضرت و مسواک او را زیر بسترش می‌نهاشند و آن حضرت می‌خواهد آن قدر که خدا بخواهد. چون از خواب بیدار می‌شد می‌نشست و دیده به آسمان می‌گرداند و آیات آخر سوره آل عمران: انْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... (آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴) را تلاوت می‌نمود. سپس مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل نماز می‌رفت و چهار رکعت [از نماز شب] می‌خواند، و رکوع هر رکعتش به قدر حمد و سوره‌ای بود که می‌خواند، و سجودش به قدر رکوع آن طول می‌کشید به حدی که می‌گفتند:

کی سر از رکوع بر می‌دارد و به سجده می‌رود؟! و آن قدر در سجده می‌ماند که می‌گفتند: کی سر از سجده بر می‌دارد؟! آن‌گاه به بستر خود بازمی‌گشت و دوباره می‌خواهد آن قدر که خدا بخواهد، سپس بیدار می‌شد و می‌نشست و دیده به آسمان می‌گرداند و آیات آخر آل عمران را تلاوت می‌نمود. آن‌گاه مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل نماز می‌رفت و به خواندن چهار رکعت دیگر از نماز شب می‌پرداخت به همان نحو که قبل از خواندن بود. باز به بستر می‌رفت و مقداری که خدا بخواهد می‌خواهد سپس بیدار می‌شد و دیده به آسمان می‌گرداند و همان آیات را

(۱) راجع به وقت نماز شب روایات دیگری نیز روایت کرده‌اند، همچنین راجع به وقت نافله ظهر و ناگفته نماند که این حدیث تمام رکعات نافله عصر را متذکر نشده است، و ظاهرا جمله «پیش از رسیدن وقت عصر نیز دو رکعت می‌خواند» در صدد بیان جمله قبل

است (نه بیان کامل نافله عصر). (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۷

تلاوت می‌نمود و باز مسواک کرده، وضو می‌گرفت و (دو رکعت شفع و یک رکعت) وتر را می‌خواند و بعد از آن دو رکعت نافله صبح را می‌گزارد و برای نماز صبح به مسجد می‌رفت<sup>۱۱</sup>.

(۱) ۲۷۰. و نیز روایت شده که آن حضرت نافله صبح را در اول سپیده دم به طور اختصار می‌خواند، سپس برای ادائی نماز صبح از منزل خارج می‌شد.

(۲) ۲۷۱. شیخ طوسی گوید: نماز رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پس از «حمد» ایستاده پانزده مرتبه سوره آیا انزلناه را می‌خوانی، پانزده مرتبه دیگر در رکوع، پانزده مرتبه پس از آنکه از رکوع سر برداشتی، پانزده مرتبه در سجده اول، پانزده مرتبه پس از سر برداشتن از سجده، پانزده مرتبه در سجده دوم و پانزده مرتبه دیگر پس از آنکه سر از سجده دوم برداشتی. و به همین کیفیت رکعت دوم را می‌خوانی. چون سلام نماز دادی و آنچه دلت خواست تعقیب خواندی و از نماز بازگشتی، هیچ گناهی بین تو و خدای عز و جل نماند جز آنکه خداوند آن را بر تو خواهد بخشید.

(۳) ۲۷۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پس از جمع شدن می‌افروزد، من نیز به آن می‌افرایم، شما هم بیفراید.

(۴) ۲۷۳. محمد بن یحیی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که از آن جناب سؤال شد: آیا در ماه مبارک رمضان می‌توان به نمازهای نافله افزود؟ فرمود: آری، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ [شباهی ماه رمضان] پس از خواندن نماز «وتیره» در مصلای خود مشغول خواندن نوافل [ماه رمضان] می‌شد و فراوان نماز می‌خواند، تا اینکه مردم کم کم پشت سر آن حضرت جمع می‌شدند و می‌خواستند با آن حضرت نوافل را به طور جماعت بخوانند، اما پس از جمع شدن مردم، حضرت آنان را رها کرده و به منزل می‌رفت. چون آنان متفرق می‌شدند، دوباره به مصلای خود بازمی‌گشت و

(۱) به زودی تفصیل عمل آن حضرت در نماز وتر خواهد آمد. (مؤلف)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۸:

مانند گذشته مشغول خواندن نوافل می‌شد. باز چون مردم پشت سر آن حضرت جمع می‌شدند [و می‌خواستند با آن حضرت به جماعت نماز بخوانند] حضرت آنان را ترک می‌کرد و به منزل تشریف می‌برد. این کار مکرر از آن حضرت سر می‌زد.

(۱) ۲۷۴. گروهی از اصحاب ائمه علیهم السلام گویند: ما از امام صادق و حضرت رضا علیه السلام از نماز [رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ] در ماه رمضان پرسیدیم که چگونه بود و آن حضرت چگونه عمل می‌کرد؟ سپس همگی بالاتفاق حدیث نامبرده را چنین روایت کرده‌اند: چون شب اول ماه رمضان فرا رسید، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نماز عشا فارغ شد، دو رکعت نماز نشسته نافله آن را که هر شب می‌خواند گزارد، سپس هشت رکعت دیگر بر آن افزود. و چون از نماز عشا فارغ شد، دو رکعت نماز نشسته نافله آن را خواند، و بعد از آن به پا ایستاد و دوازده رکعت دیگر نماز نافله به جا آورد، سپس داخل خانه شد. چون مردم دیدند که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با فرا رسیدن ماه رمضان بر نمازهایش افزود، از علت آن جویا شدند، فرمود: این نمازهایی که خواندم به خاطر فضیلت ماه رمضان بر ماههای دیگر است.

چون شب بعد فرا رسید و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ خواست نماز نافله بخواند مردم پشت سر آن حضرت صفات کشیدند تا اقامه جماعت کنند، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به سوی آنان برگشت و فرمود: ای مردم، این نماز نافله است و نماز نافله با جماعت خوانده نمی‌شود، هر یک از شما به تنها یی نماز بخواند و آنچه را خدا در کتابش به او آموخته بگوید. بدایید که در

نمازهای نافله جماعت نیست. پس مردم همگی متفرق شدند و هر یک به تنها بی نماز خود را خواند. چون شب نوزدهم ماه رمضان فرا رسید، موقع غروب آفتاب غسل کرد و نماز مغرب را خواند، سپس چهار رکعتی که همیشه بعد از نماز مغرب می خواند گزارد، بعد وارد منزل شد. چون بلاں اذان نماز عشا را گفت و مردم برای نماز آماده شدند، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله تشریف آورد و نماز عشا را با مردم به جماعت خواند. و پس

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۲۹

از آن دو رکعت نافله عشا را مانند شب های دیگر نشسته انجام داد، سپس ایستاد و صدر رکعت نماز [نافله مخصوص شب قدر را] به جا آورد، و در هر رکعت از آن پس از «حمد» ده مرتبه سوره قل هو اللہ احد را قرائت فرمود. پس از آنکه از صدر رکعت نماز فارغ شد، به خواندن نماز شب و وتر که در سایر شب ها می خوانند مشغول گردید.

چون شب بیستم ماه رمضان فرا رسید، مانند شب های قبل آن ماه، پس از نماز مغرب هشت رکعت، و بعد از نماز عشاء دوازده رکعت نافله مخصوص ماه مبارک رمضان را خواند.

در شب بیست و یکم هنگام غروب آفتاب غسل کرد و عمل شب نوزدهم را انجام داد.

در شب بیست و دوم به نمازهای خود افزود، هشت رکعت پس از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از نماز عشاء نافله مخصوص به جا آورد.

چون شب بیست و سوم فرا رسید باز هم مانند شب نوزدهم و بیست و یکم غسل کرد و مانند عمل آن دو شب را انجام داد. سپس از حضرت راجع به نوافل یومیه (پنجاه رکعتی) پرسیدند که در ماه رمضان چگونه خوانده شود. فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نمازهای شب های ماه رمضان را به اضافه نوافل پنجاه رکعتی که در غیر ماه رمضان می خواند بهجا می آورد و ابدا از آن پنجاه رکعت چیزی کم نمی نمود.

مؤلف: کیفیت انجام نوافل شب های دیگر، از شب بیست و چهارم تا آخر ماه، مانند شب بیست و دوم می باشد، چنان که اخبار دیگر بر آن دلالت دارد.

(۱) ۲۷۵. حضرت رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در روز اول محرم دو رکعت نماز می خواند.

(۲) ۲۷۶. یزید بن خلیفه گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: عمر بن حنظله

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۰

در باره وقت نمازها از شما برای ما مطالبی نقل کرده. حضرت فرمود: او بر ما دروغ نمی بند ... عرض کرد: عمر بن حنظله گوید: وقت نماز مغرب هنگامی است که قرص آفتاب پنهان شود، ولی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در مسافرت گاهی که با شتاب راه می پیمود نماز مغرب را تأخیر می انداخت و آن را با نماز عشا می خواند. امام فرمود: عمر بن حنظله درست گفته است.

(۱) ۲۷۷. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در شب های بارانی نماز مغرب را تأخیر می انداخت و در خواندن نماز عشاء عجله می فرمود و آن دو را با هم یک جا می خواند و می فرمود: هر که به دیگران رحم نکند به او رحم نخواهد شد.

(۲) ۲۷۸. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وقتی که در سفر بود و یا کار فوری داشت، نماز ظهر و عصر را با هم می خواند، و همچنین بین نماز مغرب و عشاء فاصله نمی انداخت.

(۳) ۲۷۹. امام صادق علیه السلام فرمود: در روزهای بسیار گرم چون مؤذن برای گفتن اذان نماز ظهر اجازه می خواست رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می فرمود:

ابرد، ابرد

«بگذار هوا خنک شود، بگذار هوا خنک شود».

(۴) مؤلف: شیخ صدوق گوید:

«ابرد، ابرد»

یعنی شتاب کن، شتاب کن. و آن را از کلمه «برید» یعنی نامه رسان گرفته است که به سرعت راه می‌پوید. ولی ظاهرا مراد از آن تأخیر اندختن اذان است تا هوا خنک شود و شدت گرما بکاهد، چنان که روایتی که در کتاب علاء از محمد بن مسلم نقل شده این معنی را تأیید می‌کند. محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که من داشتم نماز می‌خواندم مرا دید. بعده روزی به من فرمود هیچ وقت نماز واجب را در آن وقت نخوان. آیا نماز را در آن شدت گرما می‌خوانی؟ عرض کردم: نماز نافله بود.

(۵) ۲۸۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه در نماز، کسی به خدمتش می‌آمد و در کنارش می‌نشست، به خاطر او نماز را کوتاه می‌کرد و متوجه او می‌شد و می‌فرمود: آیا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۱

حاجتی داری؟ پس از آنکه حاجات او را بر می‌آورد، مجدداً به نماز می‌پرداخت.

(۱) ۲۸۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به نماز می‌ایستاد، از ترس خدا رنگش می‌پرید و صدایی سوزناک مانند صدای جوشش دیگ از سینه یا درونش به گوش می‌رسید.

(۲) ۲۸۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به نماز می‌پرداخت مانند جامه‌ای بود که روی زمین افتاده باشد.

(۳) ۲۸۳. عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما سخن می‌گفت و ما با او سخن می‌گفتیم، همین که وقت نماز می‌رسید او را حالتی دست می‌داد که گویی نه او ما را می‌شناسد و نه ما او را می‌شناسیم.

(۴) ۲۸۴. رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز، گاهی [اندکی] به طرف راست و چپ خود نظر می‌افکند ولی به عقب گردن نمی‌کشید و روی خود را برنمی‌گرداند.

(۵) ۲۸۵. علی علیه السلام چون محمد بن أبي بکر را والی مصر قرار داد، ضمن دستور العملی که برای او نوشته، فرمود: سپس مواظب رکوع و سجودت باش، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم نمازش کامل تر و در عین حال از همه سبک تر بود.

(۶) ۲۸۶. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت میل می‌کرد، بدون آنکه دست‌های خود را بشوید به نماز مشغول می‌شد، ولی چون شیر میل می‌فرمود، پیش از آنکه دست خود را بشوید و آب در دهان بگرداند نماز نمی‌خواند.

(۷) ۲۸۷. ابن سنان گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ما مؤذنی داریم که صبح نشده اذان می‌گوید. فرمود: اگر چه صبح نشده اذان گفتن به نفع همسایگان است، زیرا برای نماز شب (یا آمادگی برای نماز صبح) بیدار می‌شوند، ولیکن سنت این است که هنگام طلوع فجر اذان گفته شود و میان اذان و اقامه، تنها همان دو رکعت نافله فجر فاصله شود.

(۸) ۲۸۸. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: چون وقت نماز داخل می‌شد، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله به بالال می‌فرمود: بالای دیوار برو و با صدای بلند اذان بگو.

(۱) ۲۸۹. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی برای نماز از خانه بیرون آمد در حالی که حسین علیه

السیلام را به دوش خود گرفته و به مسجد آورد و در کنار خود ایستاد و مردم نیز پشت سر آن حضرت برای نماز جماعت صاف کشیدند- و حسین علیه السلام دیر به سخن آمده بود به طوری که می ترسیدند زبان باز نکند- چون رسول خدا صلی اللہ علیه و آله تکبیر نماز گفت حسین علیه السلام با آن حضرت تکبیر گفت. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وقتی تکبیر فرزندش را شنید دوباره تکبیر گفت. حسین علیه السلام نیز تکبیر گفت، تا آنکه رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هفت بار تکبیر گفت و حسین علیه السلام نیز تکبیر گفت. به این سبب هفت بار تکبیر گفتن در آغاز نماز سنت گردید<sup>(۱)</sup>.

(۲) ۲۹۰. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله موقع گفتن تکبیره الاحرام و همچنین هنگام گفتن تکبیر برای رکوع و نیز هنگامی که سر از رکوع بر می داشت، دستها را تا برابر گوشها بلند می کرد.

(۳) ۲۹۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در نماز «بسم اللہ الرحمن الرحيم» را آشکار می کرد و صدایش را به آن بلند می نمود.

(۴) ۲۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وقتی با مردم نماز می خواند «بسم اللہ الرحمن الرحيم» را آشکار می کرد.

(۵) ۲۹۳. علی علیه السلام فرمود: هر گاه به رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در نماز حالت «خمیازه» دست می داد، دست راستش را جلو دهان می گرفت.

(۶) ۲۹۴. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله گاهی در حال نماز دست خود را به محاسن شریف می کشید؛ به آن حضرت عرض کردیم: یا رسول اللہ، شما را می بینیم که گاهی در نماز به محاسن خود دست می کشید؟! فرمود: این وقتی است که غم زیاد می شود و دلم می گیرد.

(۱) در بعضی روایات لفظ «حسن» نقل شده ولی «حسین» معروف تر است. (مؤلف)  
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۳

(۱) ۲۹۵. ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در نماز قبل از اشتغال به قرائت «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» می گفت.

(۲) ۲۹۶. شیخ صدوق رحمه اللہ گوید: نماز رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از همه مردم کامل تر و مختصرتر بود، وقتی داخل نماز می شد پس از گفتن «الله اکبر»

بلا فاصله می گفت:

«بسم اللہ الرحمن الرحيم» .<sup>(۱)</sup>

(۳) ۲۹۷. امام باقر علیه السلام فرمود: دو نفر از اصحاب رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در کیفیت قرائت نماز آن حضرت اختلاف کردند، برای روشن شدن آن به ابی بن کعب نامه نوشتند که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چند بار در نماز مکث می کرد؟ او پاسخ داد:

رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در حال قرائت دو جا مکث می کرد: یکی پس از فراغت از فاتحه‌الکتاب، و دیگری پس از پایان یافتن سوره.

(۴) مؤلف: صدوق این حديث را به طور مفصل روایت کرده و در آن آمده که مکث اول پس از تکبیره‌الاحرام، و مکث دوم پس از فراغ از قرائت و قبل از رفتن به رکوع بوده است.

(۵) ۲۹۸. سمره و ابی بن کعب روایت کرده‌اند که مکث اول رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در نماز «عمر» بعد از پایان یافتن سوره حمد بوده است.

(۶) ۲۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در نماز «صبح» سوره‌هایی مانند «عمر یتسائلون» و «هل اتیک حدیث الغاشیة» [و «هل اتی علی الانسان»] و «لا اقسم بیوم القيامة» و مانند آن را می‌خواند. و در نماز «ظهر» مانند سوره‌های «سبیح اسم ربیک» و «والشمس و ضحیها» و «هل اتیک حدیث الغاشیة» و مانند آن را قرائت می‌کرد. و در نماز «مغرب» سوره‌های کوتاهتری چون «قل هو الله احد» و «اذا جاء نصر الله و الفتح» و «اذا زلزلت» را می‌خواند. و در نماز «عشاء» آنچه در نماز «ظهر» و

(۱) از این روایت معلوم می‌شود که آن حضرت در هنگام عجله و گاه برای رعایت حال عموم، أَعُوذ بالله نمی‌گفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۴

در نماز «عصر» آنچه در نماز «مغرب» می‌خواند، قرائت می‌فرمود.

(۱) ۳۰۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در رکعت آخر نماز شب سوره «هل اتی علی الانسان» را قرائت می‌کرد.

(۲) ۳۰۱. روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در سه رکعت آخر نماز شب (شفع و وتر) نه سوره را می‌خواند: در رکعت اول سوره «الهیکم التکاثر» و «انا انزلناه» و «اذا زلزلت»، و در رکعت دوم: «الحمد» (۱) و «والعصر» و «اذا جاء نصر الله»، و در یک رکعت وتر «قل يا ایها الكافرون» و «تبت» و «قل هو الله احد».

(۳) ۳۰۲. امام صادق علیه السلام فرمود: قنوت در تمام نمازها، در رکعت دوم پیش از رکوع و پس از قرائت، سنت لازمی است.

(۴) ۳۰۳. براء بن عازب گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در رکعت دوم «قنوت» انجام نمی‌داد.

(۵) ۳۰۴. هفتاد و چند تن از شیعیان از امام حسن عسکری علیه السلام-در یک حدیث طولانی-روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: خدای عز و جل به جدّم رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در رکعت دوم از هر نماز. قیامت به ده خصلت مخصوص کردم، که از جمله آنهاست: قنوت خواندن در رکعت دوم از هر نماز.

(۶) ۳۰۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در رکعت دوم که اگر مقداری آب بر پشت او ریخته می‌شد ثابت می‌ماند و از هیچ طرف فرو نمی‌ریخت.

(۷) ۳۰۶. هشام بن حکم گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: به چه علت در رکوع «سبحان ربی العظیم و بحمده» و در سجده «سبحان ربی الاعلی و بحمده» گفته می‌شود؟ فرمود: ای هشام، هنگامی که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صل) در آنجا نماز گزارد و متذکر عظمت و بزرگی حق تعالی- که در آن شب دیده بود-شد، بدنش

(۱) «انا اعطیناک الکوثر» درست است چنان که در روایت دیگر آمده است. (محمد هادی فقهی)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۵

به لرزه افتاد و بی اختیار به حالت رکوع در آمد و در آن حال گفت:

«سبحان ربِّ العظیم و بحمدہ»

. و چون از رکوع برخاست، به سوی حق تعالی در مقام و جایگاهی بالاتر از حالت قبلی متوجه شد [از ترس و عظمت حق] به سجده افتاد و گفت:

«سبحان ربِّ الاعلی و بحمدہ»

. چون این ذکر را هفت بار تکرار کرد حالت خوف و ترس از او زایل شد. به این جهت «سنت» بر آن قرار گرفت.

(۱) ۳۰۷. عبایه گوید: امیر المؤمنین علیه السلام به محمد بن أبي بکر نوشت: مراقب رکوع و سجودت باش، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله که نمازش را کامل تر از همه انجام می‌داد و بهتر از دیگران مراعات می‌کرد، چون به رکوع می‌رفت سه بار می‌گفت: «سبحان ربِّ العظیم و بحمدہ»

... و چون به سجده می‌رفت، می‌گفت:

«سبحان ربِّ الاعلی و بحمدہ»

. (۲) ۳۰۸. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون به سجده می‌رفت، دو زانوی خود را قبل از دست‌ها به طرف زمین پیش می‌برد.

(۳) مؤلف: در اخبار زیادی از اهل بیت علیهم السلام ذکر شده که مستحب است هنگام سجده رفتن دست‌ها را پیش از زانوها بر زمین بگذارند. و شاید مراد از «استقبال» زانوها به طرف زمین، در این حدیث، پیش بردن آن در موقع خم شدن باشد نه آن که آنها را قبل از دست‌ها بر زمین گذارد (به این صورت که رسول خدا چون می‌خواست به سجده برود، اول با زانو به طرف زمین خم می‌شد ولی دست‌های خود را پیش از زانوان بر زمین می‌نهاد).

(۴) ۳۰۹. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله موقع سجده کردن بر کف‌های دست خود تکیه می‌کرد و بازوهای خود را باز نگه می‌داشت به طوری که زیر بغل‌هایش از پشت سر دیده می‌شد.

(۵) ۳۱۰. روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بر «خرمه»- یعنی حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما بافته می‌شود- سجده می‌کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۶

(۱) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله به محل سجده خود آب می‌پاشید.

(۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله عصای نوک تیزی داشت که بر آن تکیه می‌کرد و روزهای عید آن را به دست می‌گرفت و موقع نماز خواندن آن را جلوی خود می‌نهاد (یعنی به زمین فرو می‌کرد تا حریم نمازش باشد).

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وقی نماز می‌خواند چوبدستی مخصوص خود را جلو سجاده‌اش می‌نهاد.

(۴) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در نماز عید فطر و عید قربان و نماز استسقا (طلب باران) در رکعت اول هفت تکبیر (تکبیره‌ای‌حرام به اضافه پنج تکبیر برای قنوت‌ها، و تکبیر هفتم برای رفتن به رکوع) و در، رکعت دوم پنج تکبیر (چهار تکبیر برای چهار قنوت و یکی هم برای رفتن به رکوع) می‌گفت.

(۵) ۳۱۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در نماز عید فطر و قربان، سوره «سبح اسم ربک الاعلی» و «هل اتیک حديث الغاشیة» را قرائت می‌کرد.

(۶) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله اول برای استسقا و طلب باران دو رکعت نماز می‌خواند، و

سپس همان طور که نشسته بود دعا می کرد و از خداوند طلب باران می نمود. و نیز فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله اول نماز استسقا را تمام می کرد و بعد از آن خطبه می خواند، و در نماز هم قرائت را بلند می خواند.

(۷) ۳۱۷. امام باقر علیه السیلام فرمود: از سنت است که اهل هر شهری برای نماز عید فطر و قربان به سوی صحراء بیرون روند، مگر اهل مکه که آنان در مسجد الحرام نماز عید می خوانند.

(۸) ۳۱۸. علی علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگامی که برای نماز از شهر خارج می شد و به مصلی می رفت، در رفتن از طریق «شجره» می رفت و در مراجعت از طریق «معرس» بازمی گشت. به طور کلی آن حضرت در رفتن به سوی مصلی راه درازتر، و در هنگام مراجعت راه کوتاهتر را اختیار می فرمود.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۷

(۱) ۳۱۹. امیر المؤمنین علیه السیلام فرمود: سنت آن است که جز در صحراءها نماز باران نخوانند، یعنی در آنجا که مردم بتوانند به آسمان نظر کنند. و هیچ جا نباید در مساجد نماز باران بخوانند و طلب باران کنند جز در مکه معظمه (که در مسجد الحرام نماز استسقا می خوانند و طلب باران می نمایند).

(۲) ۳۲۰. نعمان گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله صفحهای نماز ما را چنان مرتب و منظم می کرد که گویی چوبهای تیر را جفت و جور می کند و فکر می کرد که ما از این کار او غافلیم. روزی به مسجد آمد و به نماز ایستاد، چون خواست تکبیره الاحرام بگوید متوجه شد که مردی سینه اش جلوتر از سایرین است، فرمود: بندگان خدا، صفوف خود را منظم کنید و گرنه میان دلهایتان اختلاف خواهد افتاد.

(۳) ۳۲۱. ابن مسعود گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگام نماز دست بر شانه های ما می گذاشت و می فرمود: منظم بایستید و کج و راست نایستید، که دلهایتان نیز کج و راست خواهد شد.

(۴)

## ملحقات

(۵) ۲۷۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با اشتیاق تمام انتظار وقت نماز را می کشید و چشم به راه داخل شدن وقت بود و [چون وقت نماز می رسید] به مؤذنش می فرمود: ای بلال [با اذان گفتن] راحتمن کن.

(۶) ۲۷۶) امیر المؤمنین علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هیچ چیز را- از شام و غیر آن- بر نماز مقدم نمی داشت، و چون وقت نماز فرا می رسید گویا هیچ یک از خانواده و دوست و رفیق خود را نمی شناخت.

(۷) ۲۷۷) امام صادق علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون خورشید غروب می کرد هیچ کاری را بر نماز مغرب مقدم نمی داشت و در اول وقت، نماز مغربش را آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۸

می خواند.

(۱) ۲۷۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می فرمود: نور چشم من در نماز و روزه قرار داده شده (یعنی آن دو را از هر چیز دوست تر می دارم).

(۲) ۲۷۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به ابو ذر فرمود: ای ابا ذر، خدای متعال روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و آن را محبوب من گردانیده چنان که طعام را برای گرسنه و آب را برای تشنه محبوب ساخته است. آدم گرسنه با خوردن غذا سیر می شود، و تشنه با نوشیدن آب سیراب می گردد، ولی من از خواندن نماز سیر نمی شوم.

- (۳) ۲۸۰) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در حال نماز قلبش چون دیگر جوشان، از خوف خدای متعال می‌جوشید.
- (۴) ۲۸۱) گفته‌اند: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هنگام نماز خواندن دیدگانش را به سوی آسمان برمی‌داشت، و چون آیه شریفه: الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَوةِهِمْ خَاطِعُونَ «۱» نازل شد، سرش را پایین آورد و به سوی زمین نظر افکند.
- (۵) ۲۸۲) شیخ صدق رحمه اللہ گوید: در شش نماز «توجه» (خواندن دعای وجهت وجهی للذی فطر السماوات و الارض ...
- «۶) بعد از تکبیره الاحرام) از سنت است:

ركعت اول نماز شب، يك رکعت اول از نافله ظهر، رکعت اول نماز احرام، رکعت اول نافله مغرب، رکعت اول از هر نماز واجب.

(۶) ۲۸۳) در ضمن پاسخهایی که از ناحیه مقدسه به مسائل محمد بن عبد اللہ حمیری داده شده، چنین آمده: هیچ یک از دعاها مذکوره در «توجه» واجب نیست، لیکن سنت مؤکد در آن، که مانند اجماع همگی بر آن اتفاق دارند آن است که [پس از تکبیره الاحرام] چنین بگویی: وجهت وجهی للذی فطر السماوات و الارض حنیفا مسلما- علی ملئ ابراهیم و دین محمد و هدی علی امیر المؤمنین- و

(۱) مؤمنون / ۲.

(۲) این دعا در حدیث بعد ذکر شده است.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۳۹

ما أنا من المشركين. إنّ صلاتي و نسكى و محياي و مماتي لله رب العالمين، لا شريك له و بذلك امرت وانا من المسلمين. اللهم اجعلنى من المسلمين، أعوذ بالله الشميم العليم من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم.

روی خود را به سوی خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده، برگرداندم در حالتی که- بر طبق ملت ابراهیم و دین محمد و هدایت امیر مؤمنان علی- یکتا پرست و مسلمان و هرگز از مشرکان نیستم. همانا نماز و قربانی و زندگی و مرگم تنها برای خدا و در اختیار پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، و به همین اعتقاد مأمورم و از مسلمانانم.

خدایا، مرا از مسلمانان قرار ده. به خدای شنو و دانا از شر شیطان رانده شده پناه می‌برم ...» سپس شروع به خواندن سوره حمد کن.

(۱) ۲۸۴) ابو الحسن بن راشد گوید: از امام رضا علیه السلام راجع به «تکبیرات افتتاحیه» سؤال کردم، فرمود: هفت تکبیر است. عرض کردم: از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ روایت شده که در افتتاح نماز یک تکبیر بیشتر نمی‌گفته است. فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ یک تکبیر را بلند و شش تکبیر دیگر را آهسته می‌گفت.

(۲) ۲۸۵) سید بن طاووس گوید: نمازگزار پس از تمام شدن سلام نماز، سه بار تکبیر بگوید، و در هر بار دستها را تا مقابل نرمه گوش بلند نماید، زیرا آن سنت مؤکدی است که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به شکرانه بعضی بشارتها یکی که به او رسید، آن را سنت قرار داد.

(۳) ۲۸۶) امام صادق علیه السلام می‌فرمود: از سنت است که در نماز صبح و مغرب و عشا، بین اذان و اقامه بشنید و نافله نخواند. و از سنت است که در نماز ظهر و عصر بین اذان و اقامه دو رکعت نافله بخواند.

(۴) ۲۸۷) امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: سنت بر آن جاری شده که زنان در نماز جماعت، پس از مردان سر از سجده بردارند.

(۵) ۲۸۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون رکوع می‌کرد، سرش را نه پایین می‌انداخت و نه

## آدَابٌ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِينَ

طوری بلند می‌کرد که از بدنش بالاتر باشد، بلکه حد وسط را رعایت می‌فرمود.

(۱) ۲۸۹) امام باقر علیه السَّلَام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ چون در نماز می‌شنید که طفلي گريه می‌كند، نمازش را تخفيف می‌داد تا مادرش (که در جماعت به حضرت اقتدا کرده) به او رسیدگی کند.

(۲) ۲۹۰) امام صادق علیه السَّلَام فرمود: رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ گاهی (ظاهرًا در اوقات سفر بوده) خورجین (و یا پالان شتر) خود را که طولش یک ذراع بود (اعرض چوبدستی که در روایات دیگر ذکر شده) جلوی خود قرار می‌داد و نماز می‌خواند تا حایلی میان او و عابرین باشد.

(۳) ۲۹۱) ابان بن تغلب گوید: به امام صادق علیه السَّلَام عرضه داشتم: رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ در چه ساعتی نماز «وتر» می‌خواند؟ حضرت اظهار داشت به اندازه فاصله‌ای که میان غروب خورشید و وقت نماز مغرب هست (یعنی قبل از طلوع فجر به طوری که تمام شدن نماز «وتر» با طلوع فجر متصل باشد).

(۴) ۲۹۲) امام صادق علیه السَّلَام ضمن حدیثی فرمود: سنت بر آن جاری شده که آدمی روز عید فطر، قبل از رفتن به مصلی، برای خواندن نماز عید افطار کند. ولی در عید قربان بعد از رفتن به مصلی، [و خواندن نماز] چیز بخورد.

(۵) ۲۹۳) امام صادق علیه السَّلَام فرمود: در روز عید فطر برای پدرم حصیر کوچکی آوردند که زیر پا بیندازد، پدرم آن را رد کرد و فرمود: این روزی است که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ دوست داشت در فضای باز باشد تا به آفاق آسمان بنگرد و جبهه شریفیش را روی زمین بنهد.

(۶) ۲۹۴) امام صادق علیه السَّلَام فرمود: در روز عید فطر یا قربان به رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ گفتند: کاش در مسجد خودتان نماز عید می‌خواندید! پاسخ داد: دوست دارم به فضای باز بروم تا آفاق آسمان را نظاره کنم.

(۷) ۲۹۵) روایت شده که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ در عید فطر و قربان- هر اندازه هوا آدَابٌ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ

سرد و یا گرم بود- برد می‌پوشید و عمame به سر می‌نهاد.

(۱) ۲۹۶) روایت شده که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ چون برای نماز عید خارج می‌شد، صدایش را به تکبیر بلند می‌کرد.

(۲) ۲۹۷) امام صادق علیه السَّلَام فرمود: تنها در مدینه نه در غیر آن، قبل از رفتن به مصلی برای انجام نماز عید فطر و قربان، خواندن دو رکعت نافله در مسجد پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ است، زیرا رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ آن را انجام داده است.

(۳) ۲۹۸) در حدیثی چنین ذکر شده: چون عید فرا رسید، مأمون از حضرت رضا علیه السَّلَام خواست تا سوار شده برای ادائی نماز عید و خطبه خواندن به مصلی برود ...

چون مأمون اصرار زیاد کرد، حضرت اظهار داشت: یا امیر المؤمنین، اگر مرا از این کار معاف داری بیشتر دوست دارم، و اگر معاف نداری من به همان وضع و هیئتی که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسُنْنَةُ الْمُؤْمِنِینَ علی بن ابی طالب علیه السَّلَام به نماز عید می‌رفتند می‌روم ...

صبح روز عید چون آفتاب طلوع کرد، حضرت رضا علیه السَّلَام غسل کرد و عمame سفیدی که پارچه‌اش از پنبه بود به سر بست و یک طرف آن را به روی سینه و طرف دیگر را به پشت سر انداخت و آستین‌ها را بالا زد و به تمام غلامان و خدمتگزاران خود تیز فرمود که شما هم مثل من عمل کنید. سپس عصای نوک تیزی را به دست گرفت و پای برhenه، در حالی که لباسهایش را بالا زده و

ساق پایش نمایان بود و ما هم در خدمت او بودیم، آماده بیرون رفتن شد. پس چون ایستاد و ما هم در برابر او به راه افتادیم، سر به سوی آسمان برداشت و چهار بار تکییر گفت ... امام علیه السلام با همان جلال و عظمت بر مردم نمایان شد، بر در خانه ایستاد و سه بار با صدای بلند فرمود:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا»  
و ما نیز با او هم‌صدا شدیم ... حضرت در هر ده قدم یک بار توقف می‌کرد و چهار تکییر را (با صدای بلند) می‌گفت ...  
(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله و قمی برای نماز عید از راهی می‌رفت، هنگام برگشتن

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۲  
از راه دیگر بازمی‌گشت.

(۱) ۳۰۰) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز عید فطر و قربان فقط یک تکییر می‌گفت: حسین علیه السلام دیر به سخن آمده بود. روزی مادرش (فاطمه) علیها السلام لباس به تنش کرد و همراه جدش فرستاد. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله تکییر گفت حسین علیه السلام هم با آن حضرت تا هفت بار موافقت کرد و تکییر گفت. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله برای رکعت دوم بلند شد و تکییر گفت، و حسین علیه السلام نیز تا پنج مرتبه موافقت کرد و تکییر گفت.  
پس رسول خدا صلی الله علیه و آله این عمل را سنت قرارداد و این سنت تا به امروز ثابت و برقرار است.

(۲) ۳۰۱) علی علیه السلام فرمود: در نماز استسقا سنت چنان است که امام برخیزد و دو رکعت نماز بخواند، سپس دستها را بگشاید و دعا کند (و از خداوند طلب باران نماید).

(۳) ۳۰۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون برای استسقا و طلب باران به بیابان می‌رفت، به سوی آسمان نظر می‌کرد و عبای مبارکش را پشت و رو می‌پوشید.

راوی گوید: به حضرت عرض کردم: معنی این کار چیست؟ فرمود: این نشانه‌ای بین آن حضرت و اصحابش بود که (وقت استجابت دعا رسیده و) خشکسالی به فراوانی نعمت تبدیل خواهد شد «۱».

(۴) ۳۰۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای استسقا سه بار می‌گفت:  
اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ، وَانْشِ رَحْمَتَكَ، وَاحْسِنْ بَلَادَكَ الْمَيِّتَةَ.

«خدایا، بندگان و حیوانات را سیراب کن، و رحمت را بر آنان منتشر ساز، و سرزمین‌های مردهات را زنده کن».

(۵) ۳۰۴) علی علیه السلام فرمود: بارانی که روزی حیوانات از آن به وجود می‌آید از زیر عرش نازل می‌شود، و از این جهت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام بارندگی، زیر

(۱) یا آنکه این عملی است که حالت انکسار و شکستگی را نشان می‌دهد و رحمت حق را به جوش می‌آورد و موجب می‌شود تا خشکسالی را به فراوانی نعمت تبدیل سازد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۳

قطرات اولیه باران می‌ایستاد تا آنکه سر و محاسن شریفش از آب باران تر می‌شد ...

(۱) ۳۰۵) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به باران نظر می‌کرد، می‌گفت:  
اللَّهُمَّ اجْعِلْهُ صَبَّاً نَافِعاً

«خدایا، این بارندگی را فراوان و سودمند قرار ده».

(۲) ۳۰۶) امام باقر علیه السلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز جمعه بیرون می‌رفت بالای منبر می‌نشست تا

آنکه مؤذن‌ها از گفتن اذان فارغ شوند.

(۳۰۷) علی علیه السلام فرمود: از سنت است که چون امام جمعه بالای منبر رفت هنگامی که روی به جمعیت کرد بر آنان سلام کند.

(۳۰۸) حضرت سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله (در نماز جمعه) دو خطبه می‌خواند. پس از خطبه اول روی منبر می‌نشست، سپس بلند می‌شد و خطبه دوم را می‌خواند.

(۳۰۹) امام باقر علیه السلام فرمود: در نماز جمعه حمد و سوره را بلند بخوانید، زیرا که آن سنت است.

(۳۱۰) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگامی که آفتاب از وسط آسمان رد می‌شد نماز جمعه را می‌خواند.

(۳۱۱) امام زین العابدین علی بن الحسین علیهم السلام فرمود: قنوت خواندن در نماز جمعه سنت است.

(۳۱۲) امام صادق علیه السلام فرمود: در نماز جمعه سنت بر این است که امام در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون بخواند.

(۳۱۳) علی علیه السلام فرمود: چون رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وارد مسجد می‌شد و بلال مشغول گفتن اقامه نماز بود، آن حضرت می‌نشست.

(۳۱۴) سهل سعید گوید: میان جای نماز رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و دیوار به اندازه عبور گوسفند فاصله بود.

(۳۱۵) هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از تسبیح (در رکوع و سجود) پرسید، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۴،

آن حضرت فرمود: در رکوع

«سبحان ربِّ العظیم»

و در سجده

«سبحان ربِّ الاعلیٰ»

بگو. سپس فرمود: یک بار ذکر گفتن واجب است و سه مرتبه سنت، و فضیلت در این است که ذکر رکوع و سجده هفت بار گفته شود.

(۳۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در هر رکعتی از نماز پانزده آیه قرائت می‌کرد، و رکوعش به اندازه قیامش، و سجده‌اش به اندازه رکوعش طول می‌کشید، و سر برداشتن آن حضرت از رکوع و سجده مساوی بود.

(۳۱۷) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نماز واجب صبح را هنگامی که هوا خوب روشن شده بود می‌خواند.

(۳۱۸) اسحاق بن فضل از امام صادق علیه السلام از سجده کردن بر حصیر و بوریا پرسید، آن حضرت فرمود: اشکال ندارد، اما من بیشتر دوست دارم که بر زمین سجده شود، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دوست داشت که پیشانی خود را بر زمین نهاد، و من دوست دارم برای تو آنچه را که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دوست داشت.

(۳۱۹) در باره نماز نافله از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: سنت آن است که نوافل روز آهسته و نوافل شب بلند خوانده شود.

(۳۲۰) از معصوم علیه السلام روایت شده که فرمود: سوره «قل هو الله احد» یک سوم قرآن، و سوره «قل يا أئيها الكافرون» برابر یک چهارم قرآن است و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله «قل هو الله أحد» را در نماز وتر (یک رکعتی آخر نماز شب) جمع

می کرد تا آنکه همه قرآن را خوانده باشد «۱».

(۶) امام باقر علیه السلام می فرمود: دعا خواندن پس از نماز واجب بیشتر از خواندن نماز مستحبی ثواب دارد و سنت نیز بر این جاری شده است.

(۷) ابو هارون مکفوف، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ای ابا هارون، ما (اهل بیت) فرزندان خویش را به گفتن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام امر

(۱) ظاهرا مراد این است که آن حضرت در نماز وتر سه مرتبه «قل هو الله أحد» را می خواند.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۵

می کنیم همان گونه که به خواندن نماز امر می کنیم، تو نیز بر آن مواظبت کن، زیرا هر که به گفتن تسبیح آن حضرت مداومت کند شقی نخواهد شد.

(۱) (۳۲۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی، بر تو باد در تعقیب نمازهای واجب به خواندن آیه الکرسی، زیرا بر این عمل غیر از پیامبر و یا صدیق و شهید مواظبت نمی کند.

(۲) (۳۲۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله در نمازهای شفع و وتر، در رکعت اول «سبح اسم ربک الاعلی» و در رکعت دوم «قل يا أیهَا الکافرون» و در رکعت سوم که (یک رکعتی است و) باید در آن قنوت خواند «قل هو الله أحد» را قرائت می کرد. و خواندن همه این سوره ها بعد از خواندن سوره حمد است.

(۳) (۳۲۵) امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سجده این دعا را می خواند: اللهم لك سجدت، وبك آمنت، ولك اسلمت، سجد وجهي للذى خلقه و صوره، و شق سمعه و بصره، فتبارك الله أحسن الخالقين

. «بار الها، برای تو سجده کردم، و به تو ایمان آوردم، و تسليم تو هستم. چهره (و حقیقت) من بر کسی سجده کرد که آن را آفرید و تصویرش نمود، و چشم و گوش برایش شکافت، پس مقدس و والاست خدای یکتا که بهترین آفرینندگان است».

(۴) (۳۲۶) امیر المؤمنین علی علیه السلام به محمد بن أبي بکر (هنگامی که او را والی مصر نمود) نوشت: مواظب رکوع نمازت باش - تا آنجا که می فرماید: - چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از رکوع بلند می شد، می گفت:

سمع الله لمن حمده. لك الحمد ملأ سماواتك و ملأ أرضك، و ملأ ما شئت من شيء.

«خداؤند ستایش کسی را که او را ستد بشنود و اجابت کند، خداوندا، تو را سپاس و ستایش به حجم آسمانها و زمینت، و حجم هر چه که خواهی».

(۵) (۳۲۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله میان دو سجده نماز این دعا را می خواند:

اللهم اغفر لي و ارحمني، و اجرني و عافني، انى لما انزلت الى من خير فقير، تبارك الله رب

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۶

العالمين.

«خداؤند، مرا یامرز و بر من رحمت آر، و مرا پناه ده و عافیت بخش، من به خیری که بر من فرو فرستی نیاز مندم، مقدس و والاست خدای یکتا که پروردگار عالمیان است».

(۱) (۳۲۸) میمونه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله گوید: برای آن حضرت حصیر کوچکی که از برگ درخت خرما بافته شده بود در مسجد پهنه می کردند تا بر آن نماز بخواند.

(۲) ۳۲۹ امام حسن عسکری علیه السیلام فرمود: خدای بزرگ به جدم رسول خدا صلی اللہ علیه و آله و حسی کرد که تو و علی و حجت‌های دیگر از نسل علی و شیعیان شما را تا روز قیامت به ده خصلت مخصوص گردانیده‌ام، که از جمله آنها پیشانی بر خاک نهادن است بعد از هر نماز (برای سجده شکر).

(۳) ۳۳۰ رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون نماز می‌خواند آن را به طور کامل انجام می‌داد.

(۴) ۳۳۱ روایت شده: محبوب ترین نمازها نزد رسول خدا صلی اللہ علیه و آله نمازی بود که بر آن مداومت شود اگر چه نماز مختصری باشد. و آن حضرت چون شروع به خواندن نمازی می‌فرمود بر آن مداومت می‌کرد.

(۵) ۳۳۲ رسول خدا صلی اللہ علیه و آله می‌فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، نزد من محبوب‌تر است از دنیا و آنچه در آن است.

(۶) ۳۳۳ رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: سو گند به خدایی که مرا برانگیخت، جریل از اسرافیل، از خدای تبارک و تعالی به من خبر داد که فرمود: هر کس در شب آخر ماه مبارک رمضان ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره «قل هو اللہ أَحَدٌ» را ده بار بخواند و در رکوع و سجده آن ده مرتبه «سبحان اللہ و الحمد لله و لا اله الا اللہ و اللہ اکبر»

بگوید، و در هر دو رکعت تشهید بخواند و سلام دهد، و چون از ده رکعت نماز فارغ شد هزار مرتبه استغفار کند (استغفار اللہ بگوید) و پس از استغفار به سجده رفته بگوید:

يا حي يا قيوم، يا ذا الجلال والاكرام، يا رحمان الدّنيا والآخرة و رحيمهما، يا أرحم الرّاحمين، يا الله الاولين والآخرين، اغفر لنا آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۴۷ ذنوينا، و تقبل منا صلاتنا و صيامنا و قياما

(بعد در باره اجر کسی که این عمل را انجام دهد و در فضیلت این نماز بیانات زیادی فرمود تا آنجا که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: این نمازی است که تنها خدای متعال به من و امّتم از مردان و زنان هدیه فرموده و به احدی از پیغمبران و غیر آنان پیش از من عطا نکرده است.

(۱) ۳۳۴ رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون وارد خانه می‌شد پیش از آنکه بنشیند اول کاری که انجام می‌داد این بود که چهار رکعت نماز (به دو سلام) می‌خواند، در رکعت اول سوره «لقمان» و در رکعت دوم سوره «یس» و در رکعت سوم سوره «حم دخان» و در رکعت چهارم سوره «تبارک الملک» را قرائت می‌فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۴۸

(۱)

## ۱۷ آداب و سنن آن حضرت در روزه

### اشارة

(۲) ۳۲۲ امام صادق علیه السیلام می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله آن قدر پی در پی روزه می‌گرفت که می‌گفتند: دیگر افطار نمی‌کند. سپس آن قدر پشت سر هم افطار می‌کرد که می‌گفتند: دیگر روزه نمی‌گیرد. پس از آن یک روز در میان روزه می‌گرفت.

سپس روزهای دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته را روزه می‌گرفت. سرانجام سنت بر آن جاری شد که آن حضرت در هر ماه سه روز: پنجشنبه اول ماه، و چهارشنبه وسط، و پنجشنبه آخر ماه را روزه می‌گرفت. و آن حضرت می‌فرمود: این روزه همه عمر است (اگر

کسی چنین کند مثل آن است که تمام عمرش روزه باشد).

امام صادق علیه السیلام فرمود: پدرم می‌فرمود: هیچ کس نزد خداوند مبغوض تر از کسی نیست که وقتی به او نگویند: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چنان و چنان می‌کرد، او در جواب بگوید: خدا مرا به خواندن نماز و روزه بسیار عذاب نخواهد کرد (نماز و روزه حد معینی ندارد و هر چه بیشتر بهتر!). زیرا معنی این حرف این است که گویا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از انجام بیش از آن عاجز بود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۴۹

(۱) ۳۲۳. امام صادق علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در آغاز بعثت آن قدر پی در پی روزه می‌گرفت که می‌گفتند دیگر افطار نمی‌کند. سپس آن قدر افطار می‌کرد که می‌گفتند دیگر روزه نمی‌گیرد. آن‌گاه از این روش دست برداشت و یک روز در میان روزه می‌گرفت که روزه حضرت داود علیه السیلام باشد. سپس آن را ترک کرد و سه روز ایام الیض (سیزده و چهارده و پانزدهم هر ماه) را روزه می‌گرفت. و سرانجام از آن هم صرف نظر کرد و سه روز را در دهه‌های ماه پخش کرد: پنجشنبه دهه اول، و چهارشنبه دهه دوم، و پنجشنبه دهه سوم. و تا زنده بود این روش را ادامه داد.

(۲) ۳۲۴. علی علیه السیلام فرمود: روزه گرفتن سه روز از هر ماه که پنجشنبه اول و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر باشد و روزه ماه شعبان، و سوسه را از دل، و غم و غصه را از قلب آدمی می‌زداید ... ما اهل بیت پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه را روزه می‌داریم.

(۳) ۳۲۵. عنیسه عابد گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله رحلت فرمود در حالی که همیشه ماه شعبان و ماه رمضان و سه روز از هر ماه را روزه می‌گرفت.

(۴) ۳۲۶. روزی رسول خدا صلی اللہ علیه و آله به یاران خود فرمود: کدام یک از شما تمام روزها را روزه می‌دارید؟ سلمان گفت: یا رسول اللہ، من. یکی از حاضران گفت: ای سلمان، اکثر روزها تو را دیده‌ام که غذا می‌خوری! سلمان گفت: چنان نیست که تو گمان کرده‌ای، من در هر ماه سه روز آن را روزه می‌گیرم، و خدا فرموده: «هر که یک عمل خوبی انجام دهد ده برابر آن ثواب داده می‌شود». و از طرفی هم روزه ماه شعبان را به ماه رمضان وصل می‌کنم، و هر که چنین کند ثواب روزه تمام دهر را دارد. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله به آن مرد فرمود: کجا دیگر با مثل لقمان حکیم برخورد خواهی کرد؟ آنچه خواهی از او بپرس که تو را پاسخ خواهد داد.

(۵) ۳۲۷. سمعاء گوید: از امام صادق علیه السیلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی اللہ علیه و آله ماه شعبان را روزه می‌گرفت؟ فرمود: آری، ولی تمام آن را روزه نبود. پرسیدم: چند روز از آن آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۰

را افطار می‌کرد؟ فرمود: افطار می‌کرد. این سؤال را سه بار تکرار کردم و آن حضرت بجز کلمه «افطار می‌کرد» چیزی نمی‌فرمود. سپس سال بعد نیز همان سؤال را از حضرت کردم و باز همان طور پاسخ فرمود.

(۱) ۳۲۸. امام باقر علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله ماه شعبان و ماه رمضان را روزه می‌گرفت و آن دو را به هم وصل می‌کرد، ولی دیگران را از این کار نهی می‌نمود، و می‌فرمود: این دو ماه، ماه خدادست و روزه آن کفاره گناهان قبل و بعد آنها خواهد بود.

(۲) مؤلف: شاید مراد از نهی این باشد که آن حضرت خوش نداشت مردم تمام ماه شعبان را روزه بگیرند، چنان که در پاره‌ای از اخبار امر شده که میان روزه ماه شعبان و ماه رمضان و لو به یک روز در اواسط آن افطار کنند.

(۳) انس بن مالک گوید: طعام رسول خدا صلی اللہ علیه و آله شربتی در افطار و شربتی در سحر بود، و بسا اتفاق می‌افتد که

- شبانه روز جز یک بار خوردنی نداشت. و خیلی از اوقات این شربت شیر بود و گاهی غذای آن حضرت نان خیس خورد بود.
- (۴) ۳۳۰. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله زمانی که رطب (خرمای تازه) وجود داشت اول چیزی که با آن افطار می‌کرد رطب بود و در زمان تمر (خرمای خشک) با تمر افطار می‌فرمود.
- (۵) ۳۳۱. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وقتی روزه می‌گرفت و برای افطار به چیز شیرینی دست نمی‌یافت با آب افطار می‌کرد.
- (۶) ۳۳۲. و در بعض روایات وارد است: آن حضرت گاهی با کشمش افطار می‌کرد.
- (۷) ۳۳۳. شیخ مفید رحمه اللہ گوید: از آل محمد علیهم السلام روایت شده که سحری خوردن مستحب است اگر چه با یک شربت آب باشد. و روایت شده که بهترین غذای سحر «خرما» و «قاووت» است، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در سحرها از آن میل می‌کرد.
- آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۱
- (۱) ۳۳۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بیشتر اوقات حلیم می‌خورد و گاهی نیز آن را غذای سحر قرار می‌داد.
- (۲) ۳۳۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون ماه رمضان فرا می‌رسید تمامی اسیران را آزاد می‌کرد، و به هر سائلی چیزی می‌داد.

۶

- (۳) ۳۳۶. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دهه آخر ماه مبارک رمضان بستر خود را جمع می‌کرد و کمر همت برای عبادت محکم می‌بست. و در شب بیست و سوم اهل بیت خود را بیدار نگه می‌داشت و به صورت هر کدام که خواب بر او غلبه می‌کرد آب می‌پاشید تا خواب از چشمش برود. همچنین حضرت فاطمه علیها السلام هیچ یک از اهل خانه خود را نمی‌گذاشت که در آن شب بخوابند و برای اینکه خوابشان نبرد غذای کمتری به آنان می‌داد و از روز، خود را برای شب زنده‌داری آماده می‌کرد، و می‌فرمود: محروم است کسی که از خیر این شب بی‌بهره ماند.
- (۴) ۳۳۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله روز عید فطر هنگامی که می‌خواست برای نماز عید به سوی مصلی بیرون رود قبلاً با چند دانه خرما یا کشمش افطار می‌نمود.
- (۵) ۳۳۸. شیخ صدق رحمة اللہ گوید: سنت آن است که آدمی در عید قربان بعد از نماز، و در عید فطر قبل از نماز چیزی بخورد.
- (۶)

## ملحقات

- (۷) ۳۳۵) از برخی زنان پیامبر صلی اللہ علیہ و آله روایت شده که آن حضرت روز نهم ماه ذی حجه و سه روز از هر ماه (پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر ماه) را روزه می‌گرفت.
- (۸) ۳۳۶) چون ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید رنگ رخسار رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله تغییر می‌کرد و نماز خواندن زیاد می‌شد، و در دعا و درخواست از خداوند بسیار زاری و تصرع می‌کرد و از خدا ترسان بود.
- (۱) ۳۳۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه از امری غمگین می‌شد، با نماز خواندن و روزه گرفتن بر دفع آن غم یاری می‌جست.

- (۲) ۳۳۸) علی علیه السلام فرمود: چون ماه شعبان فرا می‌رسید، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در اول آن، سه روز، و در وسط آن سه روز، و در آخر آن سه روزه می‌گرفت، و دو روز به ماه مبارک رمضان مانده روزه نمی‌گرفت، سپس ماه رمضان را روزه

می داشت.

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون می خواست افطار کند با حلوا آغاز می کرد، و اگر حلوا نبود با یک حبه قند یا خرما افطار می فرمود، و اگر هیچ کدام نبود با آب نیم گرم افطار می نمود.

(۴) جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با دو چیز سیاه افطار می کرد. پرسیدم: دو چیز سیاه چیست؟ فرمود: یکی خرمای خشک و آب، و دیگری خرمای تازه و آب.

(۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با خرما افطار می کرد، و هر گاه شکر می یافت با آن افطار می نمود.

(۶) امام صادق علیه السلام فرمود: چون دهه آخر ماه مبارک رمضان می رسید، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله کمر همت می بست و از نزدیکی گردن با زنانش احتراز می کرد و شب زنده داری می نمود و خود را برای عبادت فارغ می ساخت.

به روایت دیگر: خود به عبادت می کوشید و خانواده اش را نیز به کوشش و امیداشت و آنان را از خواب بیدار می کرد.

(۷) شیخ طوسی رحمه اللہ گوید: آنچه از سنت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله ثابت شده این است که آن حضرت خود متصلی رویت هلال ماه مبارک رمضان می شد و در جستجوی آن برمی آمد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۳

(۱) علی علیه السلام فرمود: جدا کردن زکات فطره پیش از [نماز] فطر از سنت است.

(۲) شیخ صدق رحمه اللہ گوید: گفتن تکییر [های مخصوص] پس از ده نماز، از شب عید فطر بعد از نماز مغرب و عشا تا بعد از نماز عصر روز دوم شوال، و پس از ده نماز، از روز عید قربان پس از نماز ظهر و عصر تا بعد از نماز صبح روز دوازدهم ذی حجه [برای کسانی که در مکه نیستند] از سنت است.

(۳) سعید نقاش گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آگاه باش که در عید فطر تکییر گفتن از سنت است. گفتم: چه زمانی باید گفت؟ فرمود: بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح عید و بعد از نماز عید فطر، سپس تکییرات را قطع کند.

(۴) علی علیه السلام فرمود: تعجیل در افطار روزه و تأخیر در خوردن سحری و خواندن نماز مغرب پیش از افطار سنت است

...

(۵) امام صادق علیه السلام می فرمود: سنت بر این است که زکات فطره یک صاع (که تقریباً سه کیلو گرم است از یک جنس، مثلاً) از خرما یا کشمش و یا جو داده شود.

(۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: خدای متعال شش خصلت را برای من نپسندید و من نیز آنها را برای جانشینان خود و پیروان آنان نمی پسندم، که از جمله آنها: روزه، بازی کردن با زن (یا بد زبانی) در حال روزه است.

(۷) مردی به امام رضا علیه السلام در روز عید فطر عرض کرد: من امروز با خرما و با خاک قبر (تربت امام حسین علیه السلام) افطار کردم. آن حضرت فرمود: سنت و برکت را با هم جمع کرده ای.

(۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله با جرعه ای آب، یا کمی شیر و یا چند دانه خرما افطار می کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۴

(۱)

(۲) ۳۳۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در ماه رمضان (سال اول هجرت) در دهه اول در مسجد اعتکاف کرد، و سال دوم در دهه دوم و در سال سوم در دهه آخر اعتکاف نمود، ولی پس از آن همیشه در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می‌نمود.

(۳) ۳۴۰. امام صادق علیه السلام فرمود: جنگ «بدر» در ماه رمضان (سال دوم هجرت) اتفاق افتاد، به این جهت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در آن سال در مسجد معتکف نشد. اما سال بعد، آن حضرت دو دهه اعتکاف کرد: یک دهه برای همان سال، و دهه دیگر برای قضاء اعتکاف سال قبل.

(۴) ۳۴۱. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون دهه آخر ماه رمضان می‌شد در مسجد اعتکاف می‌کرد؛ برایش خیمه‌ای مویین می‌زدند و حضرت کمر همت برای عبادت می‌بست و بستر خوابش را بر می‌چید. یکی گفت: از زنان نیز کناره می‌گرفت؟ فرمود: نه، از زنان کناره نمی‌گرفت.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۵

(۱) مؤلف: این معنی در روایات زیادی نقل شده که بعضی از آنها در باب هفدهم گذشت. و گفته‌اند که مقصود از «عزلت» کناره‌گیری از آنان در بستر بوده است نه در معاشرت و مصاحبত با آنان.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۶

(۱)

## ۱۹ آداب و سنن آن حضرت در صدقه دادن

### اشاره

(۲) ۳۴۲. در وصیت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به علی علیه السلام آمده است: ششم آنکه در نماز و روزه و صدقه از سنت من پیروی کنی ... و اما راجع به صدقه، به قدری در آن کوشاش باشی که گمان کنی در صرف مال برای صدقه اسراف کرده‌ای.

(۳) ۳۴۳. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هیچ گاه سائلی را از خود نراند، اگر چیزی داشت به او می‌داد، و اگر نداشت می‌فرمود: خدا برساند.

(۴) مؤلف: این مطلب در اخبار شیعه و سنتی به قدری زیاد نقل شده که شاید به حد تواتر رسیده باشد. ما بعض از آن روایات را در باب دوم (آداب معاشرت) و غیر آن ذکر کردیم.

(۵) امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: ما اهل بیت آنچه در راه خدا داده‌ایم پس نمی‌گیریم.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۷

(۱)

### ملحقات

(۲) ۳۵۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: من چند چیز را ترک نمی‌کنم. سوار شدن بر الاغ پلاندار، با بردگان روی حصیر غذا خوردن، و با دست خود به سائل کمک کردن.

(۳) ۳۵۳) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: جوانمردی ما اهل بیت در این است که از آن که به ما ستم کرده در می‌گذریم، و به آن که ما را محروم ساخته بخشش می‌کنیم.

- (۴) ۳۵۴ روایت است که جود و بخشش رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در خیر از همه مردم بیشتر و از تندباد سریع تر بود. بذل و عطایش ادامه داشت و بخلی از او نمودار نمی شد و ممانعی سر نمی زد.
- (۵) ۳۵۵ علی علیه السلام فرمود: ما اهل بیت، کسانی را که به نظر می رسد غیر مستحق هستند رد نمی کنیم از ترس اینکه مبادا مستحق واقعی را رد کرده باشیم.
- (۶) ۳۵۶ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چون چیزی از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ می خواستند، اگر قصد انجام آن را داشت جواب مثبت می داد، و اگر قصد انجام آن را نداشت سکوت می کرد و کلمه «نه» بر زبان جاری نمی ساخت.
- (۷) ۳۵۷ حسن بن علی بن فضال گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: چرا وقتی امیر المؤمنین علیه السلام در ظاهر به خلافت رسید (فدرک) را [به بنی فاطمه علیهم السلام] بر نگردانید؟! فرمود: زیرا ما خاندانی هستیم که فقط خداوند حقوق غصب شده ما را از ستمگران می گیرد. ما سرپرست مؤمنان هستیم، به نفع آنان حکم کرده، حقوقشان را از ستمگران گرفته، به آنان باز می گردانیم، اما برای بازگرفتن حقوق خود اقدام نمی کنیم.
- آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۸
- (۱)
- ## ۲۰ آداب و سنن آن حضرت در قرائت قرآن
- ### اشاره
- (۲) ۳۴۵. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چیزی جز حالت جنابت، مانع رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از تلاوت کردن قرآن نمی شد.
- (۳) ۳۴۶. ام سلمه گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در قرائت قرآن هر آیه را از آیه دیگر جدا می نمود.
- (۴) ۳۴۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نمی خوابید تا «مسبّحات» را قرائت کند، و می فرمود: در این سوره‌ها آیه‌ای است که از هزار آیه برتر است. گفتند: «مسبّحات» کدام سوره‌هاست؟ فرمود: سوره حديد، حشر، صاف، جمعه و تغابن.
- (۵) ۳۴۸. جابر گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نمی خوابید تا سوره «تبارک» و «الْمَ، تَنْزِيل» را قرائت کند.
- (۶) ۳۴۹. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ این سوره «سَبْحَنَ رَبِّ الْأَعْلَى» را دوست می داشت. و اول کسی که گفت:
- «سبحان ربِّ الْأَعْلَى»
- میکائیل علیه السلام بود.
- (۷) ۳۵۰. ابن عباس گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وقتی سوره «سَبْحَنَ رَبِّ الْأَعْلَى» آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۵۹ را قرائت می کرد، می گفت:
- «سبحان ربِّ الْأَعْلَى»
- این معنی از علی علیه السلام نیز روایت شده است.
- (۱) ۳۵۱. ابی امامه گوید: بعد از حجّه الوداع با رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نماز می خواندم و آن حضرت زیاد سوره «لا اقسم

بیوم القيامه» را قرائت می‌فرمود، و چون آ耶: «الیس ذلک بقدار علی أن يحيي الموتی (آیا آن خدا قادر نیست مردگان را زنده کند؟) را می‌خواند، شنیدم می‌فرمود: بلی و انا علی ذلک من الشاهدین.

«چرا قادر است؟ من نیز به آن گواهی می‌دهم».

(۲) مؤلف: در این معنی روایات دیگری نیز وجود دارد با مختصراً اختلافی در آنچه آن حضرت می‌گفت.

(۳) ۳۵۲. ابو هریره گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون آ耶: و نفس و ما سواها، فأللهمها فجورها و تقویها را تلاوت می‌فرمود، اندکی مکث می‌کرد، بعد می‌گفت:

اللّهُمَّ آتِنِي نفسي تقویها، و زَكَّها أنت خير من زَكَّها، أنت ولیها و مولیها.

«خدایا، به من پرهیز کاری ده، و جانم را پاکیزه کن، که تو بهترین پاکیزه کننده آن، و تو سرپرست و مولای آنی»، این را می‌فرمود در حالی که مشغول نماز بود.

(۴)

## ملحقات

(۵) ۳۵۸) ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله پیش از خواندن قرآن می‌گفت: اعوذ بالله من الشیطان الرّجيم «پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده».

(۶) ۳۵۹) امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: صدای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در خواندن قرآن از همه مردم دلرباتر بود.

(۷) ۳۶۰) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: جبرئیل به من دستور داد ایستاده قرآن بخوانم ... آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۰

(۱) ۳۶۱) انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله موقع قرآن خواندن، صدایش را می‌کشید.

(۲) ۳۶۲) امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: ما اهل بیت، قرآن را موافق قرائت «ابی» می‌خوانیم.

(۳) مؤلف: در بعضی روایات اهل بیت علیهم السلام از جمله در کتاب خصال، سایر قرائت‌های هفتگانه نیز تجویز شده است.

(۴) ۳۶۳) قتاده گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وقتی سوره «تین» را تمام می‌کرد (آن جا که فرموده: «آیا خداوند احکم الحاکمین نیست؟») می‌گفت:

بلی و انا علی ذلک من الشاهدین.

«چرا، هست؛ و من نیز به آن گواهی می‌دهم».

(۵) ۳۶۴) (تکرار ۳۵۱. است)

(۶) ۳۶۵) در ذیل تفسیر آیه ۶۱ سوره یونس: «تو- ای رسول ما- در هیچ کاری نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن نخوانی و شما هیچ عملی را انجام ندهید مگر آنکه ما شاهد و گواه بر شماییم آن‌گاه که سرگرم آنید، و به قدر ذره کوچکی از آنچه در زمین و آسمان است از پروردگاری پنهان نیست. و چیزی کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر از آن نیست جز آنکه در کتاب آشکار حق ثبت است» روایت شده که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون این آیه شریفه را قرائت می‌کرد، گریه شدیدی به آن حضرت دست می‌داد.

(۷) ۳۶۶) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله وقتی سوره «قل هو اللہ أحد» را می‌خواند، بعد از هر آیه وقف می‌کرد (آن را به یک

نفس نمی‌خواند).

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۱  
(۱)

## ۲۱ آداب و سنن آن حضرت در دعا و ذکر پاره‌ای از ادعیه و اذکار او

### اشاره

(۲) ۳۵۳. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: جبرئیل به من دستور داد که قرآن را ایستاده بخوانم، و حمد خدا را در رکوع، و تسبيح او را در سجده انجام دهم، و او را نشسته دعا کنم و بخوانم.

(۳) ۳۵۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در هنگام ابتهال و دعا دستها را بلند می‌نمود مانند فقیری که غذا طلب می‌کند.

(۴)

### دعای آن حضرت وقتی که در آینه نگاه می‌کرد

(۵) ۳۵۵. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وقتی در آینه نظر می‌کرد می‌گفت:  
الحمد لله الذي أكمل خلقى، وأحسن صورتى، وزان متنى ما شان من غيرى، و هدانى للاسلام، و متن علنى بالبؤة.  
«ستایش خدایی راست که آفرینش مرا کامل

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۲:

ساخت، صورتم را نیکو آفرید، در مقابل عیب دیگران مرا زینت داد، به اسلام هدایتم کرد و با برانگیختن من به مقام نبوت نعمتی بزرگ بر من بخشید».

(۱) ۳۵۶. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وقتی به آینه نظر می‌کرد می‌گفت:  
الحمد لله الذي أحسن خلقى و خلقى، وزان متنى ما شان من غيرى.  
«ستایش خدایی راست که آفرینشم را زیبا، و اخلاقم را نیکو ساخت، و مرا در برابر عیب دیگران زینت بخشید».

(۲)

### دعای آن حضرت وقتی که بر مرکب سواری می‌نشست

(۳) ۳۵۷. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگام سفر کردن چون بر مرکب سواری خود مستقر می‌شد، سه بار «الله اکبر»

می‌گفت، سپس آیه شریفه: سبحان الله الذي سخر لنا هذا و ما كنا له مقربين، و انا الى ربنا لمنقلبون «۱» را تلاوت می‌کرد و می‌گفت:  
اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبَرَّ وَ التَّقْوَىٰ، وَ مِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَىٰ. اللَّهُمَّ هَوَنَ عَلَيْنَا سَفَرُنَا، وَ اطْرُ عَنَّا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْنَاءِ السَّفَرِ، وَ كَآبَةِ الْمُنْقَلِبِ، وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ.

«خدایا، ما در این سفر از تو نیکی کردن و پرهیزگاری و نیز کاری را که موجب خشنودی توست طلب می‌کنیم. خدایا، این سفر را بر ما آسان گردن و دوری آن را برابر ما نزدیک ساز. خدایا، تو در سفر یار ما، و در خانواده جانشین ما هستی. خدایا، از رنج و گرفتاری سفر، و غم و غصه باز گشت، و دیدن بدی در باره اهل و مال به تو پناه می‌برم». و چون از سفر بازمی‌گشت می‌گفت:

آئون تائبون، عابدون لربنا حامدون.

«در حالی که به سوی پروردگارمان توبه و بازگشت کرده و پرستش او می‌کنیم و

(۱) ز خرف / ۱۳ و ۱۴: «سپاس خدایی راست که این حیوان را مسخر ما گردانید با اینکه ما طاقت مهار آن را نداشتم، و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۳  
سپاسگزار اوییم، به منزل خود باز گشتم».

(۱)

### دعای آن حضرت در سفر هنگامی که شب فرا می‌رسید

(۲) ۳۵۸. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و قتنی در سفر بود و شب فرا می‌رسید می‌فرمود:  
ارض، ربی و ربک اللہ، أَعُوذُ مِنْ شَرِّكَ و شَرِّ مَا فِيكَ و شَرِّ مَا يَدْبَّ عَلَيْكَ، و أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسْدٍ وَأَسْوَدٍ وَمِنَ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ، و  
من ساکن البلد، و والد و ما ولد.

«ای زمین، پروردگار من و تو خدای متعال است، از شر تو و آنچه در تو هست و یا بر روی تو در حرکت است به خدا پناه می‌برم. و  
نیز از شر هر درنده و گزنه، و از شر هر مار و عقرب، و از کسی که ساکن در این دیار است، و همچنین از شر هر پدر و فرزندش  
به خدای متعال پناه می‌برم».

(۳)

### دعای آن حضرت وقتی که لباس نو می‌پوشید

(۴) ۳۵۹. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگامی که لباس نو می‌پوشید، می‌گفت:  
الحمد لله الذي كسانى ما يوارى عورتى و اتجمل به فى الناس.

«ستایش خدایی راست که مرا لباسی پوشانید که عورتم را مستور می‌دارد، و با آن در میان مردم آراسته می‌گردم».

(۵) ۳۶۰. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون می‌خواست لباس خود را از تن در آورد، ابتدا آن را از طرف چپ بیرون می‌آورد. و  
از کارهایش هنگام پوشیدن لباس جدید این بود که حمد و ستایش خدا می‌نمود، سپس فقیری را طلب می‌کرد و لباس کهنه خود  
را به او می‌داد و می‌فرمود: هر مسلمانی که تنها برای خشنودی خدا، لباس کهنه خود را به تن مسلمان فقیری پوشاند، در ضمانت و  
پناه و خیر خدای متعال خواهد بود تا زمانی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۴

که آن لباس به تن آن فقیر است، خواه دهنده لباس زنده باشد یا مرده.

(۱) ۳۶۱. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون لباس می‌پوشید و به پا می‌خاست پیش از آنکه از منزل خارج شود، می‌گفت:  
اللَّهُمَّ بَكَ اسْتَرْتَ، وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتَ، وَ بِكَ اعْصَمْتَ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلتَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثَقَلَتِي وَ أَنْتَ رَجَائِي. اللَّهُمَّ اكْفُنِي مَا اهْمَنِي وَ مَا لَا  
اهْتَمَ بِهِ وَ مَا انتَ اعْلَمَ بِهِ مَنِّي. عَزَّ جَارِكَ، وَ جَلَّ ثَناؤَكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ زُوْدَنِي التَّقْوَى، وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَ وَجْهْنِي لِلْخَيْرِ حِيثَ  
ما تَوَجَّهْتَ.

«خداآندا، به واسطه تو خود را پوشاندم، و به سوی تو رو کردم، و به تو چنگ زدم، و بر تو توکل نمودم.

خدایا، تو مورد اعتماد و امید منی. خدایا، آنچه برایم مهم است و آنچه بدان اهتمامی ندارم و آنچه تو بدان داناتری همه را برایم کفایت کن. پناهنده به تو عزیز است، و ثنا و حمد تو بزرگ است و جز تو خدایی نیست. خدایا، پرهیز کاری را زاد و توشه من قرار ده، و گناهم را ببخش، و مرا به هر سو که رو آورم به خیر و خوبی متوجه ساز». پس از این دعا دنبال کار خود می‌رفت.

(۲)

### دعای آن حضرت وقتی که از مجلسی برمی‌خاست

(۳) ۳۶۲. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر وقت از مجلسی برمی‌خاست می‌گفت: سبحانک اللہم و بحمدک. أشهد أن لا إله إلا أنت، استغفرک و أتوب اليك. «خدایا، تو از هر عیبی متزهی، و حمد و ستایش از آن توست. گواهی می‌دهم که جز تو خدایی نیست؛ از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو بازمی‌گردم».

(۴)

### دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به مسجد و خروج از آن

(۵) ۳۶۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون می‌خواست وارد مسجد شود آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۵ می‌گفت:

اللّهُمَّ افْتُحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

«خدایا، درهای رحمت را به روی من بگشای». و چون می‌خواست از مسجد بیرون رود، می‌گفت:

اللّهُمَّ افْتُحْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ.

«خدایا، درهای روزیت را به روی من بگشای».

(۱) ۳۶۴. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و آله چون داخل مسجد می‌شد می‌گفت:

بسم اللّهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتُحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

«به نام خدا. خدایا، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گناهان مرا بیامرز، و درهای رحمت را به روی من بگشای». و چون از مسجد خارج می‌شد می‌گفت:

بسم اللّهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتُحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ.

«به نام خدا. خدایا، بر محمد درود فرست، و گناهان مرا بیامرز، و درهای فضل و کرمت را به روی من بگشای».

(۲)

### دعای آن حضرت هنگامی که به بستر خواب می‌رفت

(۳) ۳۶۵. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون به بستر خواب می‌رفت به پهلوی راست می‌خوايد و کف دست راست را زیر صورت می‌نهاد، سپس می‌گفت:

اللّهُمَّ قَنِ عذَابَكَ يَوْمَ تَبَعُثُ عِبَادَكَ.

«خدایا، روزی که بند گانت را [از قبرها] بر می‌انگیزی مرا از عذاب خود نگاه دار».

(۴). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (ص) که به بستر خواب می‌رفت دعا‌هایی داشت که می‌خواند، از جمله هنگام خواب می‌گفت:

بسم اللہ اموت و احیٰ، و الی اللہ المصیر. اللہم آمن روتنی، و استر عورتی، و اد عنی امانتی.

«به نام خدا می‌میرم و زندہ می‌شوم، و بازگشت همه خلائق به سوی اوست. خدا، ترسم را به امن و آرامش تبدیل فرماد، و عییم را بپوشان، و امانتی را که به من سپرده‌ای خودت ادا فرماد».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۶

(۱). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (ص) که هنگام خواب «آیة الكرسی» را قرائت می‌کرد. و می‌فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد، عفریتی از طائفه جن به هنگام خوابت برای تو حیله می‌کند، پس بر تو باد که هنگام خواب «آیة الكرسی» بخوانی.

(۲)

### دعای آن حضرت وقتی که سفره غذا را نزد او می‌نهادند

(۳). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (ص) که سفره غذا را نزد او می‌نهادند، می‌گفت:

سبحانک اللہم ما أحسن ما بتلبينا، سبحانک ما أكثر ما تعطينا، سبحانک ما أكثر ما تعافينا.

اللہم اوسع علينا و علی فقراء المؤمنین و المؤمنات و المسلمين و المسلمات.

«خدایا تو متزهی، چه نیکوست آنچه ما را به آن آزموده‌ای! تو متزهی، چه بسیار است آنچه به ما بخشیده‌ای! تو متزهی، چه فراوان است سلامتی‌هایی که به ما داده‌ای! خدا، بر ما و بر فقراء اهل ایمان و اسلام گشايش در روزی کرامت فرماد».

(۴). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (ص) که سفره غذا را نزد او می‌نهادند، می‌گفت:

بسم اللہ.

اللہم اجعلها نعمۃ مشکورۃ تصل بها نعمۃ الجنۃ.

«به نام خدا. الهی، این غذا را از نعمت‌هایی قرار ده که شکرش به جا آورده شود به طوری که آن را به نعمت بهشتی متصل فرمایی».

(۵)

### دعای آن حضرت هنگامی که به سوی غذا دست می‌برد

(۶). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (ص) که به سوی غذا دست می‌برد، می‌گفت:

بسم اللہ.

بارک لنا فيما رزقنا، و عليك خلفه.

«به نام خدا. [پروردگارا] آنچه را به ما روزی داده‌ای برکت ده و در پی آن روزی تازه‌ای هم مرحمت فرماد».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۷

(۱)

### دعای آن حضرت هنگامی که سفره را برمی‌چیدند

(۲). امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (ص) که سفره غذا را برمی‌چیدند، می‌گفت:

اللّهُمَّ اكثُرْ وَ اطْبُتْ، وَ بَارِكْ فَاسْبِعْ وَ ارْوِيْتْ. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي يَطْعَمُ وَ لَا يَطْعَمُ.  
 «خدا، نعمت را بر ما فراوان کردی و پاکیزه نمودی، و مبارک ساختی پس سیر گردانیدی و سیراب نمودی. حمد و ستایش خدایی راست که می خوراند ولی خود نیازی به خوردن ندارد».  
 (۳)

### دعای آن حضرت هنگام غذا خوردن و شیر نوشیدن

(۴). امام باقر علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هیچ گاه غذایی میل نمی کرد و یا چیزی نمی نوشید مگر آنکه می گفت:

اللّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَ ابْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ.

«خدا، این غذا را برای ما برکت ده، و بهتر از آن را به ما روزی فرمای». ولی چون شیر می نوشید می گفت:  
 اللّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَ زَدْنَا مِنْهُ.

«خدا، این شیر را برای ما برکت ده، و روزی ما را از آن زیاد گردان».

(۵). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگامی که مقداری از غذا میل می کرد می گفت:  
 اللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَطْعَمْتَ وَ اسْقَيْتَ وَ رَوَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غَيْرُ مُكْفُورٍ وَ لَا مُوْدَعٍ وَ لَا مُسْتَغْنِي عَنْكَ.

«خدا، حمد و ستایش تو راست که مرا طعام و شراب دادی و سیراب نمودی، تو را می ستایم ستایش کسی که کفران نعمت را نکرده و تو را وداع نگفته و از تو بی نیازی نجسته است».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۸

(۱)

### دعای آن حضرت هنگامی که میوه تازه می دید

(۶). علی علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون میوه تازه‌ای می دید، آن را گرفته می بوسید و بر دیدگان و دهان خود می نهاد و می گفت:

اللّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَهَا فِي عَافِيَةٍ فَارْنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ.

«خدا، چنان که آغاز آن را در سلامتی به ما نشان دادی، آخر آن را نیز در سلامتی به ما نشان ده».

(۳)

### دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به دستشویی

(۷). رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر گاه می خواست به دستشویی (مستراح) وارد شود، می گفت:  
 اللّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرِّجْسِ النَّجْسِ الْخَيْثِ الْمَخْبِثِ الشَّيْطَانِ. اللّهُمَّ امْطِعْنِي الْأَذْى، وَ اعْذُنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

«خدا، از شیطان پلید نجس خبیث ناپاک به تو پناه می برم. خدا، ناراحتی را از من دور کن، و مرا از شیطان رانده شده پناه ده».  
 و چون برای قضای حاجت می نشست می گفت:

اللّهُمَّ اذْهَبْ عَنِي الْقَذْى وَ الْأَذْى، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

«خدا، ناراحتی و ناپاکی را از من ببر، و مرا از پاکیزگان قرار ده».

و موقع خارج شدن مدفع می‌گفت:  
اللّٰهُمَّ كَمَا اطْعَمْتِنِي طَيِّباً فِي عَافِيَةٍ فَأَخْرُجْهُ مِنْ حَبِّنَا فِي عَافِيَةٍ.  
«خدایا، چنان که در عافیت و سلامتی به من غذای پاکیزه دادی، فضولات آن را نیز در سلامتی از من دفع فرمای». و گاهی دعای آن حضرت موقع داخل شدن به دستشویی این بود:  
الحمد لله الحافظ المؤذى.

«حمد و ستایش خدایی راست که حافظ آدمی و برآورنده حاجات اوست».

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۶۹

و چون از آنجا بیرون می‌شد، دست روی شکم خود می‌کشید و می‌گفت:  
الحمد لله الذي اخرج عنى اذاه، و ابقى فى قوتھ، فيا لها من نعمۃ لا يقدر القادرؤن قدرها.  
«حمد و ستایش خدایی راست که فضولات ناراحت‌کننده غذا را از من خارج ساخت و نیروی آن را در بدنم باقی نهاد. چه نعمت بزرگی که هیچ کس توانایی اندازه گرفتنش را ندارد».

(۱)

### دعای آن حضرت وقتی که به قبرستان می‌گذشت

(۲). امام باقر علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون به قبرستان اهل ایمان می‌گذشت می‌فرمود:  
السلام عليکم من دیار قوم مؤمنین، و انا ان شاء الله بکم لاحقون.  
«سلام بر شما باد ای آرمید گان دیار اهل ایمان، و ما نیز به خواست خدا به شما ملحق خواهیم شد».

(۳)

### دعای آن حضرت در زیارت اهل قبور

(۴). امام صادق علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در عصر هر پنجشنبه‌ای با عده‌ای از اصحاب خود به قبرستان بقیع می‌رفت و سه بار می‌فرمود:  
السلام عليکم يا اهل الدیار.  
«سلام بر شما ای آرمید گان در این دیار» و بعد سه مرتبه می‌فرمود:  
رحمکم الله  
. «خدا شما را رحمت کند».

(۵)

### دعای آن حضرت چون از چیزی خوشحال می‌شد

(۶). امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله موضوع  
آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۰  
خوشحال‌کننده‌ای می‌رسید، می‌گفت:  
الحمد لله على هذه النعمۃ.

«حمد و ستایش خدایی راست که این نعمت را به ما ارزانی داشت». و وقتی امری غمناک به او می‌رسید، می‌گفت:  
الحمد لله على كل حال.

«حمد و ستایش خدای را در همه حال».

(۱)

### دعای آن حضرت وقت دیدن چیزی که آن را دوست می‌داشت

(۲) ۳۷۹. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و قمی دید آنچه را که دوست می‌داشت، می‌گفت:  
الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات.

«حمد و ستایش خدایی راست که با نعمت او، خوبی‌ها تمام و کامل می‌گردد».

(۳)

### ذکری که آن حضرت موقع شنیدن «اذان» می‌گفت

(۴) ۳۸۰. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون صدای مؤذن را می‌شنید جملات او را عیناً  
بازگو می‌کرد. و چون مؤذن جملات  
«حَسِنَ عَلَى الصَّلَاةِ، حَسِنَ عَلَى الْفَلَاحِ، حَسِنَ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»  
را می‌گفت، حضرت می‌فرمود:  
لا حول ولا قوة الا بالله.

«هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدا». و چون اقامه نماز پایان می‌یافت، می‌گفت:  
اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدُّعْوَةِ التَّائِمَةِ وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، اعْطِ مُحَمَّداً سُؤْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَبِلَغَهُ الدَّرْجَةِ الْوَسِيلَةِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَتَقْبِيلَ شَفَاعَتِهِ فِي أَمَّتِهِ.  
«خداؤندا، ای پروردگار این دعوت تام و نماز برپا شده، خواهش‌های محمد را در روز قیامت برآور، و او را به درجه «وسیله» در  
بهشت برسان، و شفاعت او را در باره امتش بپذیر».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۱

(۱)

### ذکری که آن حضرت در رکعت آخر نماز مغرب می‌گفت

(۲) ۳۸۱. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در رکعت سوم نماز مغرب می‌گفت:  
ربنا لا تنزع قلوبنا بعد اذ هدینا، و هب لنا من لدنك رحمة، انك انت الوهاب. «۱»  
«پروردگارا، دلهای ما را پس از آنکه هدایتمن کردی ملغزان، و از نزد خود رحمتی به ما ارزانی دار، که تو تنها بخشنده‌ای».

(۳)

### ذکر و دعای آن حضرت در قنوت نماز وتر

(۴) ۳۸۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز وتر هفتاد بار استغفار می‌کرد، و هفت مرتبه می‌گفت:  
هذا مقام العائد بك من النار

«این جا جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است.»

(۵) ۳۸۲. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در قوت نماز وتر می گفت:

اللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافْنِي فِيمَنْ عَافَتْ، وَتُولِّنِي فِيمَنْ تُولِّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا اعْطَيْتَ، وَقُنْ شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ، سَبَحَنْكَ رَبُّ الْبَيْتِ، اسْتَغْفِرُكَ وَاتُوبُ إِلَيْكَ، وَأَوْمَنْ بَكَ وَاتُوكَلُ عَلَيْكَ، وَلَا حُولَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بَكَ يَا رَحِيمَ «خدایا مرا در زمره کسانی که هدایت کرده‌ای هدایت فرما، و در زمره کسانی که عافیتشان داده‌ای عافیت ده، و در میان کسانی که کارشان را به عهده گرفته‌ای سرپرستی نما، و در آنچه به من بخشدیده‌ای برکت ده، و مرا از شر آنچه مقدّر فرموده‌ای نگاه دار، که فرمان تنها از آن توسط و کسی بر تو حکومت نمی‌کند. تو متزهی ای پروردگار کعبه، از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو بازمی‌گردم، و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می‌نمایم، و [معترفم که] هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به تو ای

(۱) آل عمران / ۸.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۲  
خدای مهربان».

(۱)

## دعای آن حضرت موقع افطار

(۲) ۳۸۴. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ به هنگام افطار می گفت:

اللّٰهُمَّ لَكَ صَمَنَا، وَعَلَى رِزْقِكَ افْطَرْنَا، فَتَقْبِلْهُ مَنَّا  
«خدایا، برای تو روزه گرفتیم، و با روزی تو افطار کردیم، پس روزه ما را قبول فرما». تشنجی سپری شد و رگهای بدن پر شد، و اجر و مزد آن باقی ماند.

(۳)

## دعای آن حضرت در تعقیب نماز

(۴) ۳۸۵. امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون از تشهید و سلام نماز فارغ می‌شد، چهارزانو می‌نشست و دست راستش را بر سر می‌نهاد و می گفت:

بِسْمِ اللّٰهِ الْمَذِى لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ، عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذْهَبَ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحَزَنَ آدَابَ،  
سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ۱۷۲ دعای آن حضرت در تعقیب نماز ..... ص: ۱۷۲  
به نام خداوندی که جز او خدایی نیست، خدایی که دانای پنهان و آشکار، و بخششده و مهربان است. [خدایا] بر محمد و خاندان او درود فرست، و غم و اندوه را از من دور ساز».

(۵)

## دعای دیگر آن حضرت در تعقیب نماز

(۶) ۳۸۶. محمد بن فرج گوید: امام جواد علیه السلام به من نوشت ... رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون از نمازش فارغ می‌شد، می گفت:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا اخْرَجْتُ، وَ مَا اسْرَرْتُ وَ مَا اعْلَنْتُ، وَ اسْرَافِي عَلَى امْرٍ [نَفْسِي - خَلْقِي] وَ مَا انْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنِّي.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۳

اللَّهُمَّ انتِ الْمَقْدِمُ وَ الْمَؤْخَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ، بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ، وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اجْمَعِينَ مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي فَأَحْسِنْيَ، وَ تَوْفِنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاءَ خَيْرًا لِي. اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتِكَ فِي السَّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ، وَ كَلْمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضْبِ وَ الرِّضَا، وَ الْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَ الْغَنِّ، وَ اسْأَلُكَ نَعِيْمًا لَا يَنْفَدِدُ، وَ قَرْءَةَ عَيْنٍ لَا يَنْقَطِعُ، وَ اسْأَلُكَ الرِّضا بِالْقَضَاءِ، وَ بَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعِيشِ، وَ بُرْدَ الْعِيشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَ شُوقًا إِلَى رَؤْيَاكَ وَ لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَّاءٍ مَضْرَّةٍ وَ لَا فَتْنَةَ مَضْلَلٍ.

اللَّهُمَّ زَيَّنَّا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَ اجْعَلْنَا هَدَاءً مَهْدِيَّيْنَ. اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ. اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ عَزِيزَ الرِّشَادِ، وَ التَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الرِّشْدِ، وَ اسْأَلُكَ شَكْرَ نِعْمَكَ وَ حَسْنَ عَافِيَّتِكَ، وَ ادَاءَ حَقِّكَ، وَ اسْأَلُكَ يَا رَبَّ قُلْبًا سَلِيمًا، وَ لِسَانًا صَادِقًا، وَ اسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعْلَمَ، وَ اسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعْلَمَ، وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمَ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا نَعْلَمُ، وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغَيْوبِ.

«خدایا، گناهان گذشته دور و نزدیک مرا و گناهانی را که در نهان و آشکار از من سرزده، و همچنین اسراف و زیاده روی هایی را که کرده ام، و هر گناهی را که توبه آن آگاهتری بر من بیخش. خدا، پیش انداختن و پس انداختن کارها به دست توست، معبدی جز تو نیست؛ به علم غیب خود و قدرتی که بر تمام خلائق داری تو را سوگند که تا وقتی می دانی زندگی برایم بهتر است مرا زنده نگه دار، و چون مردن را برایم بهتر دیدی مرا بمیران. خدا، بیم و ترس از خودت را در نهان و آشکار، و گفتار حق را در حال خشم و رضا، و میانه روی را در حال تنگدستی و وسعت از تو خواهانم، و از تو خواهانم نعمتی را که هرگز فنا نپذیرد، و روشنی چشمی که هرگز منقطع نگردد، و نیز رضا و خشنودی در برابر قضای حتمیت، و برکت مرگ بعد از زندگی، و زندگی گوارای پس از مرگ، و لذت نظر به خودت، و شوق دیدارت را بدون آنکه سختی در این راه به من رسد و یا آزمایش گمراه کننده ای برایم پیش آید از تو خواهانم. خدا، ما را به زیور ایمان زینت بخشن، و رهنمایانی رهیافته قرار ده.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۴

خداؤندا، ما را در زمرة کسانی که هدایت کرده ای هدایت فرما. خدا، عزمی راسخ و ثبات قدم و استقامتی در کار و هدایت را از تو می خواهم. و توفیق شکر گزاری در برابر نعمت ها، و عافیت نیکو، و ادا کردن حق خودت را از تو خواهانم. پروردگارا، و از تو قلبی سالم، و زبانی راستگو می خواهم، و در برابر آنچه از من می دانی آمرزش می طلبم، و از تو بهترین چیزی را که به آن دانایی خواستارم، از شر هر چه به آن عالمی به تو پناه می آورم، زیرا که تو می دانی و ما نمی دانیم، و تو دانای نهان هایی».

(۱)

## دعای آن حضرت بعد از نافله صبح

(۲) ۳۸۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دور کوت نافله صبح را قبل از نماز واجب صبح می خواند به پهلوی راست می خوابید و دست راستش را زیر گونه راست می نهاد، سپس می گفت:

استمسکت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها، واستعصمت بحبل الله المتيين، اعوذ بالله من فورة العرب والعجم، واعوذ بالله من شر شياطين الانس والجبن، توكلت على الله، طلبت حاجتي من الله، حسبى الله ونعم الوكيل، لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم. «چنگ زدم به دستاویز محکم خدا که هرگز پاره نمی شود، و چنگ زدم به ریسمان محکم خدا، و از خشم و تجاوز عرب و عجم، و از شر شیطان های انس و جن به خدا پناه می برم؛ بر خدا توکل کردم، حاجتم را از او طلبیدم، خدا مرا کافی است و خوب و کیلی است. هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست مگر به خدای والا و بزرگ».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۵

(۱)

## دعای آن حضرت در تعقیب نماز صبح

(۲) ۳۸۸. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون از خواندن نماز صبح فارغ می شد، با صدای بلند به طوری که اصحابش می شنیدند، سه بار می گفت:

اللّٰهُمَّ اصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عَصْمَةً  
«خدایا، دینم را که وسیله نگهداریم قرار دادهای برایم محافظت فرما». و سه بار می گفت:

اللّٰهُمَّ اصْلِحْ لِي دُنْيَايِ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي  
«خدایا، دنیایم را که زندگی مرا در آن قرار دادهای برایم اصلاح فرما». و سه بار می گفت:

اللّٰهُمَّ اصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي

«خدایا، آخرتم را که بازگشت مرا به سوی آن قرار دادهای برایم نیکو گردان». و سه بار می گفت:

اللّٰهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِرَضَاكَ مِنْ سُخطِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقْمَتِكَ

«خدایا، از خشم تو به رضایت، و از کیفر تو به عفو و بخشش پناه می برم». و در آخر می گفت:

اللّٰهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيْتَ، وَلَا مَعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدَّ مِنْكَ الْجَدَّ

«خدایا، به تو پناهنده می شوم، آنچه را عطا کنی چیزی نمی تواند مانع آن شود، و آنچه را باز داری چیزی بخشنده آن نمی تواند بود، و ثروت هیچ ثروتمندی در برابر تو برایش سودی ندارد».

(۳) ۳۸۹. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون نماز صبح را می خواند می گفت:

اللّٰهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَارْنِي ثَارِي مِنْ عَدُوِّي

«خدایا مرا از گوش و چشم بهره مند گردان، و آن دو را وارث من قرار ده (آنها را پیش از مرگ از من مگیر)، و جلو چشم انتقام مرا از دشمنم بگیر».

(۴)

## ذکر آن حضرت بعد از نماز صبح

(۵) ۳۹۰. امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و قمی نماز صبح را آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۶

می خواند تا طلوع آفتاب رو به قبله می نشست و به ذکر خدا مشغول می شد، و علی علیه السلام [برای رسیدگی به حوایج مردم] جلو می آمد و پشت سر پیغمبر رو به جمعیت می نشست و مردم از ایشان حوایج خودشان را سؤال می کردند و پاسخ می شنیدند. این چنین رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله به آنان دستور داده بود.

(۱)

## دعای آن حضرت بعد از نماز ظهر

(۶) ۳۹۱. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: از جمله دعاهای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پس از نماز ظهر این بود: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتَ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ

مغفرتک، و الغنیمة من کل خیر، و السیلامه من کل اثم. اللہم لا تدع لی ذنبنا الا غفرته، و لا همما الا فرجته، و لا کربا الا کشفته، و لا سقما الا شفیته، و لا عیبا الا سترته، و لا رزقا الا بسطته، و لا خوفا الا آمنته، [و لا دینا الا قضیته] و لا سوءا الا صرفته، و لا حاجه هی لک رضی و لی فيها صلاح الا قضیتها، يا ارحم الزاحمين، آمین رب العالمين.

«معبدی جز خدای عظیم و بردار نیست، معبدی جز پروردگار عرش بزرگ نیست، و تمام ستایشها مخصوص پروردگار جهانیان است. خدایا، وسائل رحمت، و برات آمرزش حتمیت، و بهره‌مندی از هر خیر، و سالم بودن از هر گناه را از تو می‌طلبم. خدایا، گناهی را بر من باقی منه مگر آنکه آن را آمزیده باشی، و نه غصه‌ای را مگر آنکه زدوده باشی، و نه گرفتاری را مگر آنکه بر طرف کرده باشی، و نه بیماری را مگر آنکه شفا داده باشی، و نه عیبی را مگر آنکه پوشانده باشی، و نه روزی را مگر آنکه گسترش داده باشی، و نه ترسی را مگر آنکه از آن امنیت بخشیده باشی [و نه دینی را مگر آنکه ادا کرده باشی] و نه ناخوشایندی را مگر آنکه

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۷

دور ساخته باشی، و نه حاجتی را که مورد رضایت تو و صلاح من باشد مگر آنکه روای کرده باشی، ای مهربان ترین مهربانان، دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان».

(۱)

### دعای آن حضرت در سجده

(۲) ۳۹۲. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چون پیشانیش را برای سجده بر زمین می‌نهاد، می‌گفت: اللہم مغفرتک اوسع من ذنوبي، و رحمتك ارجى عندی من عملی، فاغفر لی ذنوبي يا حیا لا يموت.

«خدایا، آمرزش تو از گناهان من واسع‌تر، و رحمت تو در نظر من از کردارم امید بخش‌تر است. پس گناهانم را بیامز، ای زنده‌ای که مرگ به او راه ندارد».

(۳)

### دعای آن حضرت آن گاه که می‌خواست از نماز باز گردد

(۴) ۳۹۳. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله آن گاه که می‌خواست از نماز باز گردد با کف دست راست پیشانی خود را مسح می‌کرد، سپس می‌گفت:

اللہم لک الحمد، لا اله الا انت، عالم الغیب و الشهادة. اللہم اذهب عننا الهم و الحزن و الفتنة، ما ظهر منها و ما بطن. خدایا، تمام ستایشها مخصوص توست، معبدی جز تو نیست که دانای نهان و آشکاری. خدایا، غم و اندوه و فتنه‌های پیدا و نهان را از ما برطرف ساز». بعد فرمود: کسی از امت من نیست که این عمل را بهجا آورد مگر آنکه از خداوند- عز و جل - آنچه را بخواهد به او عطا می‌کند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۷۸

(۱)

### دعای آن حضرت بعد از هر نماز

(۲) ۳۹۴. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بعد از هر نماز می‌گفت:

اللّٰهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَقَلْبٌ لَا يَخْشَعُ، وَنَفْسٌ لَا تُشَعِّعُ، وَدُعَاءٌ لَا يُسْمَعُ. اللّٰهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هُؤُلَاءِ الْأَرْبَعَ.

«خدایا، از دانشی که سود نبخشد، و دلی که خاشع نباشد، و جانی که سیر نگردد، و دعاوی که شنیده نشود به تو پناه می آورم.

خدایا، از این چهار چیز به تو پناه می آورم».

(۳)

## نماز و دعای آن حضرت در آغاز سال جدید

(۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله روز اول ماه محرم دو رکعت نماز می گزارد و چون از نماز فارغ می شد، دست هایش را بلند کرده و این دعا را سه بار می خواند:

اللّٰهُمَّ أَنْتَ إِلَهُ الْقَدِيمِ، وَهَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ، فَاسْأَلْكَ فِيهَا الْعَصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَالْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسَّوْءِ، وَالْأَشْتَغَالُ بِمَا يَقْرَبُنِي إِلَيْكَ يَا كَرِيمَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، يَا عَمَادِنِ لَا عَمَادَ لَهُ، يَا ذَخِيرَةَ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ، يَا حَرَزَ لَا حَرَزَ لَهُ، يَا غَيَاثَ مِنَ لَا غَيَاثَ لَهُ، يَا سَنَدَ مِنَ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا كَنْزَ مِنَ لَا كَنْزَ لَهُ، يَا حَسْنَ الْبَلَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا عَزَّ الْعَصْفَاءِ، يَا مَنْقَذَ الْعَرْقَىِ، يَا مَنْجِي الْهَلْكَىِ، يَا مَنْعِمَ يَا مجْمَلَ، يَا مَفْضَلَ، يَا مَحْسَنَ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوْدَ الْلَّيلِ، وَنُورَ النَّهَارِ، وَضُوءَ الْقَمَرِ، وَشَعَاعَ الشَّمْسِ، وَدُوَى الْمَاءِ، وَحَفِيفَ الشَّجَرِ. يَا اللّٰهُ لَا شَرِيكَ لَكَ. اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مَمَّا يَظْنَنُونَ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ، حَسْبِيَ اللّٰهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوْكِّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، آمَنَّا بِهِ، كُلُّ مَنْ عَنْدَ رَبِّنَا، وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا اولُوا الْأَلْبَابِ. رَبِّنَا لَا تُرْغِبْنَا بَعْدَ اذْهَدْنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اَنْكَ اَنْتَ الْوَهَابُ.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۷۹

«خدایا، توبی معبد دیرین، و این سالی است جدید، پس از تو می خواهم که مرا در این سال از شر شیطان نگه داری، و بر این نفسی که پیوسته به بدی فرمان می دهد پیروز گردانی، و به آنچه مرا به تو نزدیک می کند مشغول سازی، ای کریم، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی ندارد، ای ذخیره کسی که ذخیره ای ندارد، ای نگه دارنده کسی که نگه دارنده ای ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد، ای گنج کسی که گنجی ندارد. ای نیکو بخش، ای امید بزرگ، ای عزت ناتوانان، ای نجات بخش غرق شدگان، ای رهایی بخش هلاک شوندگان، ای نعمت بخش، ای نیکو بخش، ای زیاد بخش، ای نیکی کننده، توبی آن خداوندی که تاریکی شب و روشنایی روز و نور ماه و درخشندگی آفتاب و صدای آب و آواز درختان در برابر تو سجد می آرند. ای خدایی که شریکی نداری. خدایا، ما را بهتر از آنچه دیگران گمان می کنند قرار ده، و گناهان ما را که از آن آگاه نیستند بیامز. خدا مرا کافی است، معبدی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است، به او ایمان آورده ایم، همه چیز از نزد پروردگار ماست، لیکن تنها خردمندان می دانند.

پروردگارا، دلهای ما را پس از آنکه ما را هدایت کردی ملغزان، و از نزد خودت رحمتی به ما ارزانی دار، که تو تنها بخشنده ای.»

(۱)

## دعای آن حضرت در شب نیمه ماه شعبان

(۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در شب نیمه شعبان چنین دعا می کرد:

اللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشِيتِكَ مَا يَحْوِلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيتِكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تَبَلَّغَنَا بِهِ رَضْوَانَكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ مَصْبِيَاتُ الدُّنْيَا. اللّٰهُمَّ مَتَّعْنَا بِاسْمَاعِنَا وَبِأَبْصَارِنَا وَقُوَّتْنَا مَا أَحْيَيْنَا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَانْصِرْنَا عَلَى

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۸۰

من عادانا، و لا تجعل مصیبتنا فی دیننا، و لا تجعل الدّنیا اکبر همتنا، و لا مبلغ علمنا، و لا تسلط علينا من لا یرحمنا، برحمتك يا ارحم الرّاحمین

. «خدایا، از خشیت و خوفت به قدری در دل ما قرار ده که مانع از معصیت و نافرمانی ما شود، و از اطاعت و فرمابنده داریت به اندازه‌ای ما را بهره‌مند ساز که موجب رضایت و خشنودی تو از ما گردد، و از یقین به قدری به ما مرحمت کن که با داشتن آن تمام مصیبتهای دنیا بر ما آسان شود. خدایا، تا زنده‌ایم ما را از چشم و گوش و توانایی مان بهره‌مند ساز، و آنها را وارث ما قرار ده (آنها را پیش از مرگ از ما مگیر)، و انتقام ما را از آن کس که بر ما ستم می‌کند بگیر، و ما را بر دشمنان یاری ده، و بلا و مصیبت ما را در دین ما قرار مده، و دنیا را بزرگترین هم و غم و منتهای دانش ما مگردان، و کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مساز، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان».

(۱)

## دعای آن حضرت موقع دیدن ماه نو

(۲) ۳۹۷. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و قوی نظرش به هلال ماه می‌افتاد، دستها را بلند کرده، و می‌گفت: بسم اللہ. اللہم اهلہ علینا بالامن و الایمان، و السلامه و الاسلام، ربی و ربک اللہ.  
«به نام خدا. خدایا، هلال این ماه را برای ما همراه با امنیت و داشتن ایمان و سلامتی و بهره‌مند شدن از اسلام قرار داده. [ای ماه پروردگار من و تو خدای یگانه است]».

(۳)

## دعای آن حضرت موقع دیدن هلال ماه رمضان

(۴) ۳۹۸. علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و قوی استهلال ماه رمضان می‌کرد، رو آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۱؛  
به قبله می‌ایستاد و می‌گفت:  
اللّهُمَّ اهْلِهِ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ، وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ، وَ الْعَافِيَةِ الْمَجْلِلَةِ، وَ دَفَاعِ الْاسْقَامِ، وَ الْعُونِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ تَلَاقِهِ الْقُرْآنِ.  
اللّهُمَّ سَلِّمْنَا لِشَهْرِ رَمَضَانَ، وَ تَسْلِمْهُ مَنَا، وَ سَلِّمْنَا فِيهِ حَتَّى يَنْقُضِي عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَدْ عَفَوْتَ عَنَّا وَ غَفَرْتَ لَنَا وَ رَحْمَتَنَا.  
«خدایا، هلال این ماه را برای ما همراه امنیت و ایمان و سلامتی و اسلام و عافیت فراگیر و دفع بیماری‌ها و یاری بر انجام نماز و روزه و تلاوت قرآن قرار ده.

خدایا، ما را برای انجام اعمال ماه رمضان سالم به این ماه برسان، و آن را نیز سالم از ما دریافت دار، و ما را در آن سالم بدار تا ماه رمضان تمام شود در حالی که از ما عفو کرده و مغفرت و رحمت را شامل حالمان کرده باشی».

(۱)

## ذکر آن حضرت در هر روز

(۵) ۳۹۹. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر روز سیصد و شصت بار، به تعداد رگهای بدن، حمد خدا می‌کرد و می‌گفت:  
الحمد لله رب العالمين كثيرا على كل حال.

«در تمام حالات و به طور فراوان حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

(۳) ۴۰۰. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: در بدن آدمی زاده سیصد و شصت رگ وجود دارد، که یک صد و هشتاد رگ آن متحرک و یک صد و هشتاد رگ دیگر ساکن است؛ اگر رگ‌های متحرک ساکن شوند، یا بالعکس رگ‌های ساکن متحرک گردند آدمی خوابش نمی‌برد. از این رو رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون صبح می‌کرد سیصد و شصت مرتبه می‌گفت:

الحمد لله كثیراً على كلّ حال

. «در تمام حالات و به طور فراوان حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد». و چون شب فرا می‌رسید ذکر گذشته را نیز به همان شماره تکرار می‌فرمود.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۸۲

(۱) ۴۰۱. علی علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هر روز صبح وقتی آفتاب طلوع می‌کرد، سیصد و شصت بار برای شکر خدا می‌گفت:

الحمد لله رب العالمين كثیراً طیباً على كلّ حال

«در تمام حالات و به طور پاکیزه و فراوان، حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان باد».

(۲)

## عمل دیگری از آن حضرت در شب نیمه شعبان

(۳) ۴۰۲. یکی از زنان پیامبر صلی اللہ علیہ و آله گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در شبی که نوبت من بود آهسته از رختخواب بیرون رفت به طوری که من نفهمیدم. پس از آنکه بیدار شدم غیرت زنانه مرا در گرفت و پنداشتم که در حجره یکی دیگر از زنانش رفته است، ناگاه چشمم به آن حضرت افتاد که مانند جامه‌ای که بر زمین افتاده باشد، روی انگشتان پا به سجده رفته و در حال سجده می‌گوید:

أصبحت اليك فقيراً خائفاً مستجيراً، فلا تبدل اسمي، ولا تغير جسمي، ولا تتجهد بلائني، و اغفر لى.

«پیوسته به تو فقیر و نیازمندم، و همیشه از تو ترسان و به تو پناهنده‌ام، پس نامم را از زمرة نیکان بر مگردان، و جسمم را تغیر مده، و به آزمون دشوارم می‌فکن، و مرا بیامز».

سپس سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت، شنیدم که این بار می‌گفت:

سجد لک سوادی و خیالی، و آمن بذلک فرادی، هذه يدای بما جنبت علی نفسی. يا عظیم ترجی لکلّ عظیم، اغفر لی ذنبی العظیم، فانه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم.

«جسم و شبح من هر دو برایت سجده کرده، و دلم به آن ایمان آورده، اینک این دو دستم [که در پیشگاهت به خاک افتاده] در برابر آن جنایتی که بر خود کرده‌ام، ای خدای بزرگی که امید به انجام هر کار بزرگی به توسّت، گناه بزرگ مرا ببخش، که جز خدای بزرگ، گناه بزرگ را نیامرزد».

سپس سر از سجده برداشت و برای بار سوم به سجده رفت، شنیدم که

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۱۸۳

می‌گفت:

اعوذ بعفوک من عقابک، و اعوذ بر رضاک من سخطک، و اعوذ بمعافاتک من عقوبتک، و اعوذ بک منک. انت کما اثنت علی

نفسک، و فوق ما یقول القائلون.

«از عذاب تو به گذشت، و از خشم تو به رضا و خشنودیت، و از کیفر تو به عفو و بخشش، و از ذات مقدس به ذات مقدس خودت پناه می‌آورم. تو چنانی که خود شای خود گفته‌ای، و برتر از آنی که دیگران می‌گویند».

(۱) بعد سر از سجده برداشت و برای بار چهارم به سجده رفت و گفت:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمَذِى اشْرَقْتَ لَهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَقَسَّعْتَ بِهِ الظَّلَمَاتَ، وَصَلَحْتَ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، إِنِّي أَعْلَمُ عَلَىٰ غَضْبِكَ، أَوْ يَنْزِلُ عَلَيَّ سُخطُكَ.

اعوذ من زوال نعمتك، و فجأةً نعمتك، و تحويل عافيتک، و جميع سخطک.

لک العتبی فيما استطعت، و لا حول و لا قوّةَ إِلَّا بِكَ.

«خدایا، به نور وجهت که آسمانها و زمین با آن روشن شده و تاریکی‌ها با آن زایل گشته و کار اولین و آخرین با آن به صلاح آمده پناه می‌آورم از اینکه غضبت بر من فرود آید، و یا عذابت بر من نازل شود. خدایا، از زوال نعمت، و از عذاب ناگهانیت، و تغیر یافتن سلامتی دادن، و از هر خشم و غضبت به تو پناه می‌آورم. در حد توانم از تو عذر می‌خواهم؛ و هیچ نیرو و توانی بر ترک و عمل نیست مگر به واسطه ذات مقدس تو».

چون این حال را از آن حضرت دیدم او را رها کرده، به سرعت به منزل برگشتم به طوری که نفسم به شماره افتاد. رسول خدا صلی اللّٰهُ علیه و آله به دنبال من رسید و فرمود:

چرا نفست به شماره افتاده؟! عرض کردم: یا رسول اللّٰه، نزد شما [و ناظر اعمالتان] بودم. فرمود: آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟! شب نیمه شعبان است که در آن اعمال آدمی معین، روزی‌ها تقسیم و عمرها نوشته می‌شود و خدای متعال گناه همه کس را می‌بخشد مگر مشرک و با جگیر (یا کینه‌ورز) و قاطع رحم و شرابخوار و کسی که اصرار بر انجام گناهی دارد و شاعر [یهوده گو] و کسی که شغل کهانت و

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۴

غیبگویی را انتخاب کرده است «۱».

(۱)

## ذکر آن حضرت در هر صبح و شام

(۲) روایت شده که چون علی بن الحسین علیهم السلام را نزد یزید بردند، یزید تصمیم گرفت گردن آن حضرت را بزند، از این رو امام را در مقابل خود نگاه داشته، با او سخن می‌گفت تا او به حرف آورد و کلمه‌ای از آن حضرت بشنود که بدان بهانه او را بکشد، اما زین العابدین علیه السلام به تمام سخنان یزید پاسخ می‌داد در حالی که تسبیح کوچکی را که در دست داشت با انگشتان می‌گردانید. یزید گفت: من دارم با تو سخن می‌گویم و تو در پاسخ من با بی‌اعتنایی تسبیح می‌گردانی؟! این چگونه رواست؟! حضرت فرمود: پدرم از جدم نقل کرد که چون از نماز صبح و تعقیبات آن فارغ می‌شد، با کسی سخن نمی‌گفت تا اینکه تسبیح را در برابر خود می‌گرفت و می‌گفت:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ اسْبِحْكَ وَ امْجَدْكَ وَ احْمَدْكَ وَ اهْلَلْكَ بَعْدَ مَا ادِيرَ بِهِ سَبْحَتِي

«خدایا، صبح کردم در حالی که به اندازه گردش دانه‌های تسبیح خود تو را تسبیح و تمجید می‌کنم، و به گفتن حمد و ذکر توحید تو می‌پردازم». آن‌گاه دانه‌های تسبیح را گردش می‌داد و با مردم سخن می‌گفت بدون آنکه ذکر گذشته را تکرار کند، و فرمود: با این کار به شماره گردش دانه‌های تسبیح برایش ذکر خدا حساب می‌شود و آن سبب حفظ و حراست اوست تا وقتی که به بستر

خواب رود، و چون به بستر می‌رفت در آن هنگام نیز تسبیح را می‌گرفت و ذکر گذشته را تکرار می‌کرد و تسبیح را زیر سر خود می‌نهاد و با این کار تا صبح ذکر خدا در نامه اعمال او نوشته می‌شد. من نیز تسبیح را می‌گردانم تا اقتدا به عمل جدم کرده باشم.

یزید پس از شنیدن

(۱) مانند این حديث از حضرت صادق علیه السلام نیز نقل شده، لیکن متن دعاها در آن نسبت به حدیث گذشته بسیار تفاوت دارد. زمخشری هم در کتاب «فاتق» همان معنی را با حذف دعا روایت کرده است. (مؤلف)

آداب، سُنَّةُ وَرُوْشُ رَفَتَارِی پَیَامِيرِ گَرامِی اسلام ،ص: ۱۸۵

پاسخ امام مکرر گفت: با هیچ کدامتان سخن نمی‌گوییم مگر اینکه پاسخی می‌دهد که به نفع او تمام می‌شود! بالاخره از کشتن آن حضرت منصرف شد و امر کرد تا بندها را از آن حضرت بردارند.

(۱) مؤلف: از ظاهر روایت برمی‌آید که مقصود امام زین العابدین علیه السلام از کلمه «جَدَمْ» رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بوده است.

(۲)

## دعا و تعویذ آن حضرت برای سر درد

(۳) ۴۰۴. امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه کسالت یا سر دردی به رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دستها را می‌گشود و سوره حمد و معوذین (الفلق و الناس) را می‌خواند و دستها را به صورت می‌کشید، پس ناراحتیش برطرف می‌شد.

(۴)

## دعا و تعویذ آن حضرت برای تب و سایر دردها

(۵) ۴۰۵. رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در هنگام تب و سایر دردها خود را به این دعا تعویذ می‌کرد:

اللَّهُمَّ انِّي اعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عَرْقٍ نَعَارٍ، وَ مِنْ شَرِّ حَرَّ النَّارِ  
«خدایا، من از شرّ رگی که خون به شدت در آن جریان دارد، و از شرّ سوزش آتش [دوزخ] به تو پناه می‌آورم».

(۶)

## دعا و تعویذ آن حضرت برای تب

(۷) ۴۰۶. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به تب سختی دچار شد، جبرئیل آمد و او را با این دعا تعویذ کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ كُلِّ  
آداب، سُنَّةُ وَرُوْشُ رَفَتَارِی پَیَامِيرِ گَرامِی اسلام ،ص: ۱۸۶

داء يؤذيك، و الله شافيتك، بسم الله خذها فلتنهيتك. بسم الله الرحمن الرحيم، فلا اقسم بموضع التجوم و انه لقسم لو تعلمون عظيم، لتبأن باذن الله عز و جل

«با نام خدا تو را تعویذ می‌کنم و پناه می‌دهم، با نام خدا برایت از هر درد که آزارت می‌رساند شفا می‌خواهم، و خداوند شفا دهنده توست، به نام خدا این تعویذ را بگیر که تو را گوارا باد. به نام خداوند بخشندۀ مهربان، سوگند به جایگاه ستارگان، که آن به

حقیقت قسمی بزرگ است اگر بدانید؛ حتماً به اذن خداوند بهبود خواهی یافت.»  
پس رسول خدا صلی اللہ علیه و آله برخاست و از بند تب نجات پیدا کرد. آن‌گاه فرمود: ای جبرئیل، تعویذی بلیغ بود! جبرئیل عرضه داشت: آن از خزانه‌ای است که در آسمان هفتم است.

(۱)

## دعا و تعویذ آن حضرت برای دفع سحر

(۲) ۴۰۷. ابن عباس گوید: لیلد بن اعصم برای رسول خدا صلی اللہ علیه و آله جادو کرد و آن را در چاه بنی زریق پنهان نمود. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله مریض شد؛ موقعی که آن حضرت خوابیده بود دو ملک آمده، یکی بالای سر و دیگری پایین پای حضرت نشست و حضرت را به وضع جادو خبر داده گفتند: جادو در میان جلد شکوفه خرما قرار داده شده و در ته چاه «ذروان» زیر سنگی نهاده شده است. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از خواب بیدار شد و علی علیه السیلام را با زیر و عمار فرستاد تا آن را بیرون آورند. علی علیه السیلام با همراهان آب چاه را کشیده سنگ ته چاه را بلند کردند و جادو را در زیر آن پیدا کرد، خدمت رسول خدا صلی اللہ علیه و آله آوردند. در میان جلد شکوفه خرما مقداری از موی سر پیغمبر (که موقع شانه زدن ریخته بود) با چند دندانه از دندانه‌های شانه آن حضرت وجود داشت که به آنها یازده گره با سوزن دوخته شده بود. پس این دو سوره (قل أَعُوذ  
بِرَبِّ الْفَلَقِ، وَقَلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) بر حضرت نازل شد. رسول خدا صلی اللہ علیه و آله هر آیه‌ای که

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۷:

خواند یکی از آن گره‌ها باز شد، پس از باز شدن تمام آنها رسول خدا صلی اللہ علیه و آله سبک شد و مانند کسی که بند از او برداشته باشند از جا جست. جبرئیل نیز شروع کرد آن حضرت را با این کلمات تعویذ نمودن:  
بسم اللہ ارقیک، من کل شیء یؤذیک، من حاسد و عین و اللہ یشفیک  
. «با نام خدا تو را از شر هر چه موجب آزار توست تعویذ می‌کنم، و خداوند تو را از شر هر حسود و چشم زخمی شفا کرامت می‌کند».

(۱)

## دعا و تعویذی دیگر

(۲) ۴۰۸. از امام حسن عسکری علیه السیلام نقل است که فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله دست خود را بر گوشت ذراع (دست گوسفند) که زنی یهودی آن را مسموم کرده بود کشید و گفت:  
بسم اللہ الشافی، بسم اللہ الکافی، بسم اللہ المعافی، بسم اللہ المذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لافی السیماء، و هو السیمیع العلیم.

«به نام خداوند شفا بخش، به نام خداوند کفایت کننده، به نام خداوند عافیت دهنده، به نام خدایی که با یاد کردن نامش هیچ چیز در زمین و آسمان ضرر نمی‌رساند، و اوست شنا و دانا». سپس فرمود: بخورید با نام خدا. پس رسول خدا صلی اللہ علیه و آله و همراهان همگی از آن خوردندا تا سیر شدند و هیچ زیانی به آنان نرسانید «۱».

(۳)

## دعای آن حضرت موقع گرفتاری و غم

(۴۰۹). علی علیه السلام فرمود: وقتی گرفتاری یا هم و غمی به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وارد می شد، این دعا را می خواند:  
یا حتی یا قیوم، یا حتی لا یموت، یا حی، لا الہ الا انت،

(۱) بشر بن براء بن معورو [پیش از اذان پیامبر صلی اللہ علیہ و آله] از آن خورد و مسموم شد و از دنیا رفت. (سیره ابن هشام ۳  
۳۵۲، بحار الانوار، ۱۹/۳۲۱)

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۸

کاشف الهم، مجیب دعوہ المضطربین، اسئلک بآن لک الحمد، لا الہ الا انت المنان بدیع السیماوات و الارض، ذو الجلال و الکرام،  
رحمان الدنیا و الآخرة و رحیمهما. رب ارحمی رحمة تغینی بها عن رحمة من سواک، یا ارحم الراحمین  
. «ای خدای زنده و پاینده‌ای که حیات و قوام هر چیز به دست توست، ای خدایی که مرگ به او راه ندارد. ای خدای زنده، خدایی  
جز تو نیست که برطرف کننده هر غم و اندوه، و اجابت کننده دعای درماندگانی، از تو درخواست می کنم، زیرا که تمام ستایش و  
حمدها مخصوص توست، خدایی جز تو نیست که نعمت بخش و آفریننده آسمان و زمین و صاحب جلالت و بزرگواری، و بخشندۀ  
و مهربان در دنیا و آخرت هستی، پروردگار، رحمتی شامل حال من کن که با آن از رحمت دیگرانم بی نیاز سازی، ای مهربان ترین  
مهربانان».

و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: هر مسلمانی که این دعا را سه بار بخواند خواسته اش برآورده می شود مگر آنکه  
درخواست گناه و یا قطع رحمی کرده باشد.

(۱)

## دعای آن حضرت برای حفظ قرآن

(۴۱۰). علی علیه السلام فرمود: این دعا از دعاهای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله است:  
اللّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعَاصِيكَ مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ ارْزُقْنِي حَسْنَ النَّظرِ فِيمَا يَرْضِيكَ عَنِّي، وَ الزَّمْ قَلْبِي حَفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَمْتَنِي، وَ اجْعَلْنِي  
اَتْلُوهُ عَلَى التَّحْوِ الْمَذِي يَرْضِيكَ عَنِّي. اللّهُمَّ نُورِ بِكِتَابِكَ بَصَرِي، وَ اشْرَحْ بَهْ صَدْرِي، وَ فَرَّحْ بَهْ قَلْبِي، وَ اطْلَقْ بَهْ لِسَانِي، وَ اسْتَعْمَلْ بَهْ  
بَدْنِي، وَ قَوْنِي عَلَى ذَلِكَ، فَإِنَّهُ لَا حُولَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ  
. «خدایا، مرا با ترک گناهان و نافرمانی خودت تا زنده هستم، شایسته رحمت خود ساز و توجه خوبی به آنچه تو را از من خشنود  
می سازد روزیم فرما، و چنان که قرآن را به من آموخته ای دلم را پیوسته حافظ آن قرار ده، و مرا به تلاوت آن به نحوی که  
آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۸۹

با عث خشنودی توست موفق دار. خدایا، دیدگانم را به قرآن روشن، و سینه‌ام را با آن باز و پذیرا، و دلم را به آن شاد، و زبانم را  
به قرآن گوییا ساز، و بدنم را بر عمل کردن به آن وادر، و مرا بر این کار نیرو ده، که هیچ نیرو و توانی بر ترک و عمل نیست جز به  
ذات مقدس تو».  
(۱)

## دعای آن حضرت برای محفوظ ماندن از شر دشمنان

(۴۱۱). حجاب رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله (یعنی دعایی که برای محفوظ ماندن از شر دشمنان می خواند) این بود:  
و جعلنا علی قلوبهم اکتیه ان یفقهوه و فی آذانهم وقرأ. و اذا ذكرت ربیک فی القرآن وحده ولوا علی ادبائهم نفورا. «۱) اللہم بما

وارت الحجب من جلالک و جمالک، و بما اطاف به العرش من بهاء کمالک، و بمعاقد العزّ من عرشک، و بما تحيط به قدرتك من ملکوت سلطانک، يا من لا راد لامرء، ولا معقب لحكمه، اضرب بياني و بين اعدائي بسترک الذی لا تفرقه العواصف من الرياح، ولا تقطعه البواتر من الصیفاح، ولا تنفذه عوامل الرماح. حل يا شديد البطش بياني و بين من يرمي بخواfce، و من تسرى الى طوارقه، و فرج عنی کل هم و غم. يا فارج هم يعقوب، فرج عنی. يا کاشف ضرّ ايوب اکشف ضرّی، و اغلب لی من غلبني يا غالبا غیر مغلوب. و رد الله المذین کفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا، و کفى الله المؤمنين القتال، و كان الله قویا عزيزا «۲». فائزنا الدین آمنوا على عدوهم فاصبحوا ظاهرين «۳».

«ما بر دلهای کافران حجاب‌هایی افکنده‌ایم که قرآن را نمی‌فهمند و در

(۱) اسراء / ۴۶.

(۲) احزاب / ۲۵.

(۳) صاف / ۱۴.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۰

گوش‌های آنان سنگینی نهاده‌ایم (که نمی‌شنوند). و چون خدا را در قرآن به تنها بیی یاد می‌کنی آنان از نفرت به تو پشت می‌کنند». خدایا، تو را به آن جلال و جمالت که در پس حجابها مستور است، و به آن نور کمالت که عرش آن را احاطه نموده، و به جایگاه عزت و شرافتی که در عرش قدرت جای دارد، و به ملکوت سلطانت که قدرت آن را احاطه کرده سوگند می‌دهم، ای خدایی که امر و فرمان را ردکننده‌ای، و حکم و قضاوت را برگشت دهنده‌ای نیست، بین من و دشمنانم حجاب خودت را قرار ده، حجابی که بادهای تند توانایی متفرق ساختن، و شمشیرهای تیز قدرت قطعه قطعه کردن، و سرنیزه‌های کاری نیروی نفوذ کردن در آن را نداشته باشند. ای خدای سخت حمله کننده و به چنگ آورنده، بین من و کسانی که مرا هدف تیرهای خود قرار می‌دهند، و بلاهای عظیم شبانگاه را به سوی من سرازیر می‌کنند حایل شو، و هر غم و اندوهی را از من بر طرف ساز، ای خدایی که غم یعقوب را بر طرف ساختی، غم و غصه را از من بر طرف فرما. ای خدایی که گرفتاری و بیماری ایوب را بر طرف کردی، گرفتاری مرا مرتفع گردان. ای خدای پیروزی که هیچ گاه مغلوب نمی‌شوی، مرا بر هر دشمنی که دارم پیروز گردان. «و خدا کافران را خشمناک در حالی که به فتحی نائل نشده بودند باز گردانید، و خداوند بار جنگ را از دوش مؤمنان برداشت، و خداوند نیرومند و عزیز است». «پس مؤمنان را بر دشمنانشان یاری دادیم به طوری که بر دشمن پیروز شدند».

(۱)

## ملحقات

### اشاره

(۲) ۳۶۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله بر نمی خاست و نمی نشست مگر به یاد خدا.

(۳) ۳۶۸) حضرت امام رضا علیه السلام به اصحاب خود می فرمود: بر شما باد به همراه داشتن اسلحه و سلاح پیامبران. عرض شد: اسلحه پیامبران چیست؟ فرمود: دعا

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۱

کردن.

- (۱) ۳۶۹) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگام دعا کردن چنان تصریع و زاری می‌کرد که نزدیک بود عبا از دوش او بیفتند.
- (۲) ۳۷۰) امام باقر علیه السیلام فرمود: ما اهل بیت دعا می‌کنیم و از خداوند آنچه را دوست داریم درخواست می‌کنیم، اما هنگامی که قضای الهی بر خلاف میل ما واقع شد همان را می‌پسندیم و با آنچه محبوب خداست مخالفت نمی‌ورزیم.
- (۳)

### دعای آن حضرت هنگام صبح

- (۴) ۳۷۱) امام صادق علیه السیلام فرمود: سه جمله دعا هست که پیغمبران از آدم علیه السیلام به بعد، دست به دست گرفتند تا به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله رسید و حضرت در صبح آن دعا را می‌خواند:  
اللّٰهُمَّ أَنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَشَّرُ بِهِ قَلْبِي، وَ يَقِينًا حَتَّىٰ اعْلَمَ أَنَّهُ لَا يَصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَ رَضْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي.  
«خدایا، از تو ایمانی می‌طلبم که با آن همیشه در دلم باشی، و یقینی می‌خواهم که به واسطه آن بدانم که جز آنچه تو برایم مقرر کرده‌ای به من نمی‌رسد. و مرا به داشتن آنچه قسمت من کرده‌ای خشنود ساز».
- (۵) ۳۷۲) (مانند دعای ۳۹۵. است)
- (۶)

### تعویذ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله

- (۷) ۳۷۳) امیر المؤمنین علی علیه السیلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله حسن و حسین علیهم السلام را با این کلمات تعویذ می‌کرد و دستور می‌داد اصحابش نیز [خود و اولادشان را] با آن تعویذ کنند:  
بسم اللّٰه الرّحْمٰن الرّحِيْمِ، اعِيدُ نفْسِي و دِينِي و اهْلِي و مَالِي و ولَدِي و خواتِيمِ عَمَلِي و مَا رَزَقَنِي رَبِّي و خَوْلَنِي، بَعْزَةُ اللّٰهِ و عَظَمَةُ اللّٰهِ و جَبْرُوتُ اللّٰهِ و

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۲

سلطان اللّٰهِ و رَحْمَةُ اللّٰهِ و رَأْفَةُ اللّٰهِ و غَفْرَانُ اللّٰهِ و قَوْةُ اللّٰهِ و قَدْرَةُ اللّٰهِ، و بَلَاءُ اللّٰهِ و بَصْنُ اللّٰهِ و بَرَكَانُ اللّٰهِ و بِجَمْعِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ، و بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْرَةِ اللّٰهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامِيَّةِ وَ الْهَامِيَّةِ، وَ مِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَ الْإِنْسَنِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِي الْأَرْضِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعرُجُ فِيهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخَذَ بِنَاصِيَّتِهَا، أَنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ لَا حُولَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

«به نام خداوند بخشندۀ مهریبان، جان و دین و اهل و اولاد و عاقبت کار و آنچه را که پروردگارم روزی من ساخته و به من بخشیده است، همه را در پناه عزت و عظمت و جبروت و سلطنت و رحمت و رافت و مغفرت و قوت و قدرت خدای متعال قرار داده، و به نعمتها و احسان و ارکان و الفت خدا و به رسول خدا صلی اللہ علیه و آله [؟] و قدرت خدا که بر هر چه خدا بخواهد نافذ است سپردم، از شر حیوان زهردار و بی‌زهر، و از شر جن و انس، و از شر آنچه در دل زمین حرکت می‌کند و آنچه از آن بیرون می‌آید، و از شر آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه به آن بالا-می‌رود، و از شر هر جانداری که زمامش به دست پروردگارم می‌باشد؛ که همانا پروردگارم بر راه راست است و او بر همه چیز تواناست، و هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدای والا و بزرگ، و درود خدا بر سورمان محمد و آل او باد».

(۱)

## تعویذ دیگر در گرفتاری‌ها و در کلیه ناراحتی‌ها و شداید

(۲) ۳۷۴) جابر گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون دچار غم و ناراحتی می‌شد و یا از جانب مشرکین به مشکلی برمی‌خورد دست مبارکش را می‌بست و فشار می‌داد و

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۳:

می‌گفت: تنگ شو، باز شو. سپس رو به قبله می‌ایستاد و دست خود را بلند می‌کرد و می‌گفت:

بسم اللہ الرّحمن الرّحیم، لا حول و لا قوّة الا باللّه العلی العظیم. اللّهُمَّ کفْ بِأَسْ الَّذِينَ کفَرُوا، فَإِنَّکَ أَشَدَّ بَاسًا وَ اشَدَّ تَنکیلا

«به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ توانایی و نیرویی بر ترک و عمل نیست جز به خدای والا- و بزرگ. بار الها، تنها تو را می‌پرسیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. بار الها، قدرت و نیروی کافران را دفع فرما، که نیرو و قدرت تو از همه سخت‌تر است».

جابر گفت: به خدا قسم دست مبارکش را باز نمی‌کرد مگر آنکه فرج می‌رسید.

(۱)

## دعای آن حضرت چون از امری محزون می‌گشت (دعای فرج)

(۲) ۳۷۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چون از امری محزون می‌گشت این دعا را می‌خواند؛ و به آن دعا فرج گفته می‌شد:

اللّهُمَّ احرسنى بعینك الّتى لا تناه، و اكفنى برکنك الّذى لا يرام، و ارحمنى بقدرتك على، و لا اهلك و انت رجائى. فکم من نعمه انعمت بها على قل لها شکرى، و کم من بلية ابتلینى قل لك بها صبرى. فيا من قل عند نعمته شکرى فلم يحرمنى، و يا من قل عند بلیته صبرى فلم يخذلنى، و يا من رآنى على الخطايا فلم ینضضنى، اسألک ان تصلى على محمد و آل محمد.

اللّهُمَّ اعنى على دینی بالدّنیا، و على الآخرة بالتقوی، و احفظنى فيما غبت عنه، و لا تکلنى الى نفسي فيما حضرته، يا من لا تضرره الذنوب، و لا تنقشه المغفرة، هب لى ما لا ینقصك، و اغفر لى ما لا یضرك، انک رب و هاب. اسألک فرجا قریبا،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۴:

و صبرا جمیلا، و رزقا واسعا، و العافية من جميع البلاء، و شکر العافية

. «خدایا، با دیدهات که هرگز به خواب نمی‌رود مرا پاسداری کن، و با ستون محکمت که هرگز خراب نمی‌شود نگاهم دار، و به قدرت بر من رحم کن، و با امیدی که به تو دارم مبادا هلاک شوم. چه بسیار نعمت‌هایی به من کرامت فرمودی که در برابر شکرگزاری مناسبی نکردم، و چه ابتلائاتی بر من وارد ساختی که در برابر آنها صبر و برباری درستی ننمودم. پس ای خدایی که در برابر کفران نعمت محروم نکردی، و ای خدایی که در مقابل کم صبری در بلایت خوارم نساختی، و ای خدایی که مرا بر انجام گناهان بی‌باک یافتد و رسایم ننمودی، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

خدایا، دنیا را وسیله اعانت بر دینم قرار ده، و پرهیز کاری را موجب سعادت آخرتم نما، آنچه به من کرامت کردی و فعل از من غایب است همه را نگهداری کن، و در حفظ آنچه به من مرحمت کردی و در نزدم حاضر است به خود و امکذار. ای کسی که گناهان به او ضرری نمی‌رساند، و آمرزش خطاهای بندگان از او چیزی نمی‌کاهد، آنچه را که چیزی از تو نمی‌کاهد به من ارزانی دار، و آنچه را برایت ضرری ندارد بر من بیخش، که تو پروردگار بخشنده‌ای. از تو گشايشی نزدیک، صبری نیکو، رزقی وسیع، عافیت از همه بلايا و شکر در برابر عافیت را مسأله دارم».

(۱)

## دعای آن حضرت موقع دیدن هلال

(۲) ۳۷۶) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون چشمش به هلال می‌افتاد می‌فرمود: ایها الخلق المطیع الدائب الشیریع المتصرّف فی ملکوت الجیروت بالتقدير، ربی و ربیک الله. اللهم اهلہ علینا بالامن والایمان والسلامة والاحسان،

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۵

و کما بلغتنا اوّله فبلغنا آخره، و اجعله شهرا مبارکا تمحو فیه السیئات، و ترفع لنا فیه الدّرّجات، يا عظیم الخیرات. «ای آفریده مطیع و کوشما و سریع که در ملکوت آسمان با تقدير الهی در گردشی. پروردگار من و تو خداست. خدایا، این ماه را بر ما، ماه امن و ایمان و سلامت و احسان قرار ده، و چنان که ما را به آغازش رساندی به آخرش نیز برسان، و آن را ماهی مبارک قرار ده که در آن گناهانمان را ببخشی و درجاتمان را بالا بری، ای خدایی که خیرات بسی بزرگ است».

(۱) ۳۷۷- ۳۹۹) (این دعاها به جهتی که در مقدمه ذکر شد، حذف گردید).

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۶

(۱)

## ملحقات حج

(۲) ۴۰۰) ابان از حضرت صادق علیه السلام پرسید: آیا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله شبانه روز تعداد معینی طواف انجام می‌داد؟ فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله شبانه روز ده مرتبه، و هر مرتبه هفت بار دور خانه کعبه طواف می‌نمود، سه مرتبه اول شب، سه مرتبه آخر شب، دو مرتبه صبح و دو مرتبه بعد از ظهر، و در فاصله آنها استراحت می‌کرد.

(۳) ۴۰۱) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در هر طواف واجب و مستحبی «حجر الاسود» را با کف دست مسح می‌کرد.

(۴) ۴۰۲) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله جز دو رکن «حجر الاسود» و «رکن یمانی» را مسح نمی‌کرد، و پس از مسح آنها را می‌بوسید و صورت مبارکش را بر آنها می‌نهاد. پدرم را نیز دیدم که چنین می‌کرد.

(۵) ۴۰۳) (مانند ۴۰۲ است).

(۶) ۴۰۴) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله وقتی در مدینه بود، اظهار تمایل می‌کرد که برایش آب زمزم هدیه بیاورند.

(۷) ۴۰۵) امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله ذی المعارج (سوره معراج) را زیاد می‌خواند. و هر وقت سواره‌ای را می‌دید و یا از تلّی بالا می‌رفت و یا سرازیر

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۷

می‌شد و در آخر شب و در تعقیب نمازها تلییه می‌گفت ...

(۱) ۴۰۶) جابر بن عبد اللہ گوید: تلییه رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله این بود: لبیک اللہم لبیک، لا شریک لک لبیک، ان الحمد و النعمه لک و الملک، لا شریک لک.

(۲) ۴۰۷) از یکی از دو امام (امام صادق و امام باقر علیهم السلام) روایت شده:

رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دو قوچ شاخدار بزرگ و نر که دهان و چشمانش سیاه و مشکی بود قربانی می‌کرد ...

- (۳) ۴۰۸) امام صادق علیه السیّلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله روز قربانی سرش را می‌تراشید و ناخنهاش را می‌گرفت و شارب و اطراف محسن خود را مقداری کوتاه می‌کرد.
- (۴) ۴۰۹) گرفتن ناخنها و کوتاه کردن شارب و تراشیدن موی زیر شکم در احرام سنت است.
- (۵) ۴۱۰) از سنت است مردمی که در شهرها (ی غیر مکه) هستند و امام و پیشوای ندارند، عصر روز عرفه دور هم جمع شوند و خدا را بخوانند و دعا کنند.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۸

(۱)

## نوادر ملحقات

- (۶) ۴۱۱) امام صادق علیه السیّلام فرمود: روش رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله آن بود که اگر بچه شتر دو ساله‌ای مغروض بود، به جای آن شتر هفت ساله می‌داد (یا اگر دو درهم مغروض بود چهار درهم می‌پرداخت).
- (۷) ۴۱۲) امیر المؤمنین علی علیه السیّلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون فضیلتی از فضایل خود را به زبان می‌آورد می‌فرمود: با داشتن این فضیلت فخری نمی‌فروشم.
- (۸) ۴۱۳) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: یکی از سنن این است که شخص مؤمن در روز عید غدیر صد مرتبه این ذکر را بگوید:

الحمد لله الذي جعل كمال دينه و تمام نعمته بولايه أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام

«سپاس و ستایش خدایی را که دین و نعمتش را به ولایت علی علیه السلام کامل و تمام ساخت».

- (۹) ۴۱۴) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرمود: عیادت بنی هاشم (садات) واجب، و زیارت آنان سنت است.

- (۱۰) ۴۱۵) از امام صادق علیه السیّلام در باره ذبح گوسفندی که ایستاده است سؤال شد، فرمود: سزاوار نیست چنین ذبح شود، سنت بر این است که به طرف قبله بخوابانند.

- (۱۱) ۴۱۶) امام رضا علیه السلام فرمود: ما اهل بیت و عده‌های خود را بر خویشن دین

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۱۹۹

حساب می‌کنیم چنان که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می‌گرد.

- (۱۲) ۴۱۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون صدای رعد را می‌شنید می‌گفت:

سبحان من يسبح الرعد بحمده.

«پاک و منزه است خدایی که رعد، حمد و تسبیح او می‌گوید».

- (۱۳) ۴۱۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله چون صدای رعد و برق را می‌شنید می‌گفت:

اللَّهُمَّ لَا تقتلنا بغضبك، و لَا تهلكنا بعدابك، و عافنا قبل ذلك

«خدایا ما را به خشم خود نمیران، و به عذابت هلاک مگردان، و پیش از آن ما را عافیت بخش».

- (۱۴) ۴۱۹) چون نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله از «اصحاب اخدود» (که سخت شکنجه شدند) صحبت می‌شد از سختی بلا و آزمایش به خدای متعال پناه می‌برد.

- (۱۵) ۴۲۰) هنگامی که باد زرد و سرخ و سیاه می‌وزید رنگ چهره رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می‌پرید و مانند کسی که بترسد زرد می‌گشت، و چون قطره بارانی از آسمان نازل می‌شد رنگش برمی‌گشت و می‌فرمود: این بادها رحمت خدا را برایتان آورد.

(۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) - آداب، سنن و روش (فتاری) رسالت را کاری که داشت رها می‌کرد و می‌گفت:

اللّٰهُمَّ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ

«خدایا از شر آنچه در آن است به تو پناه می‌برم». پس اگر ابر رد می‌شد خدا را شکر می‌کرد، و اگر می‌بارید می‌گفت:

اللّٰهُمَّ نَاشِئًا نَافِعًا

«بار الها، آن را ابری سودمند قرار ده».

(۶) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آفتاب و یا ماه می‌گرفت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) رسالت را کاری کرد و می‌فرمود: به

سوی مسجد بشتابید.

(۷) (۴۲۳) سنت، خواندن نماز در مسجد و با جماعت است.

(۸) (۴۲۴) علی علیه السلام فرمود: دوستم رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) را برای فردا باقی نمی‌گذاشت، اما

ابو بکر این کار را می‌کرد، و عمر بن خطاب رأیش براین شد که دفاتر حساب ترتیب داده و اموال را تا یک سال نگاه می‌داشت. و

اما من مانند رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) عمل خواهم کرد.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۰

علی علیه السلام بیت المال را جمعه به جمعه میان مردم تقسیم می‌کرد و [چون از تقسیم فارغ می‌شد] می‌فرمود:

هذا جنای و خیاره فیه اذ کل جان یده الی فیه

«این است دستچین من که خوب و بدش همه در آن است، حال آنکه هر چیزی داشت به دهان خود دارد».

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۱

(۱)

## ملحقات شمایل پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر)

(۲) (۴۲۵) جابر بن عبد الله انصاری گوید: به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) داشتم: اول چیزی که خداوند آفرید چه بود؟

فرمود: نور پیغمبر تو ای جابر. خداوند آن را آفرید و سپس هر خوبی و خیری را از آن آفرید.

(۳) (۴۲۶) پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) چیزی که خداوند آفرید نور من بود، که آن را از نور مقدس خودش

ایجاد کرد، و از جلال عظمت خودش مشتق نمود.

(۴) (۴۲۷) امام باقر و امام صادق علیهم السلام فرمودند: خداوند، محمد صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) که در زیر عرش بود

آفرید.

(۵) (۴۲۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) آفرید که احمدی را از آن نیافریده بود، و ما

نخستین پدیده از آفریده‌های او هستیم.

(۶) (۴۲۹) امام صادق علیه السلام در خطبه‌ای که در باره احوال و صفات رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر) بیان کرده، فرمود: بزرگی گناه و اعمال زشت مردم مانع پروردگاری ما- به خاطر برباری و آرامش و مهربانی وی- نشد از اینکه

محبوب‌ترین و گرامی‌ترین پیامبرانش «محمد بن عبد الله صلی اللہ علیہ وآلہ و سنت پیامبر» را برای آنان انتخاب کند، پیامبری که مولدش در

حومه عزت بود و ریشه در دودمان کرم داشت، حبسش نقصی نداشت،

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۲

نسبش آلوه نبود و وصف و صفاتش نزد دانشمندان مجھول نبود. پیامبران گذشته در کتابهای آسمانی خود آمدند او را بشارت

داده، دانشمندان به اوصاف و صفات نیکویش زبان گشوده و حکیمان به اوصاف برجسته او نظر دوخته بودند. او وجود پاکی بود که نظیر نداشت، تنها فرد هاشمی بود که برابر نداشت و تنها مرد مکی بود که کس به شوکت و مفاخر او نمی‌رسید. منش او حیا و نجابت، و سرشت او سخا و مروت بود. به هیبت و بزرگی و اخلاق نبوت آراسته بود و به اوصاف و خردمندیهای رسالت سرشته؛ تا اسباب و مقدّرات الهی زمینه مساعدی برای او فراهم آورد و حکم استوار حق به امر الهی در باره او به نهایت رسید، در این وقت قضای حتمی خداوند حضرتش را به منتهی درجه رسانید. هر امتنی بشارت وجودش را به امت بعد از خود می‌داد، و آن نور مقدس از صلب پدری به پدری دیگر منتقل می‌شد. در این انتقال، عنصر شریفش را روابط نامشروع آلود نکرد، و در ولادت شریفش از زمان آدم علیه السلام تا پدرش عبد الله علیه السلام نکاح ناروا راه نیافت. او در بهترین دوستانها و در گرامی ترین تیره‌ها و شرافمندترین خاندانها و عزیزترین فامیل و محفوظترین رحمها به دنیا آمد و در امین‌ترین دامنهای پرورش یافت. خداوند متعال او را برگزید و پسندید و برای خود انتخاب کرد و کلیدهای دانش را به او داد و منابع سرشار حکمت را به او بخشید ...

(۱) علی علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: محمد صلی الله علیه و آله از شکم مادرش به زمین آمد، دست چپ را بر زمین نهاد و دست راست را به سوی آسمان بلند کرد و لبها را به وحدانیت خدا حرکت می‌داد ...

(۲) آمنه مادر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چون فرزندم بر زمین قرار گرفت به سمت کعبه به سجده افتاد و در حالی که دستها را به سوی آسمان بلند کرده، به پروردگارش زاری نمود ...

(۳) آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به فرزندم «محمد» باردار بودم ولی

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۳

احساس بارداری نکردم و مانند زنان دیگر از سنگینی حمل رنج نمی‌بردم.

(۱) (۴۳۳) رشد و نمو یک روزه رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه رشد و نمو یک هفته اطفال دیگر، و رشد یک هفته او به قدر رشد و نمو یک ماهه آنان بود.

(۲) (۴۳۴) در کتاب مناقب گوید: در حال کودکی آن حضرت، ماه گهواره او را می‌جنباید.

(۳) (۴۳۵) در بحار روایت کرده: مردم از گهواره آن حضرت صدای تسبیح و حمد و ثنا بر خدای متعال می‌شنیدند.

(۴) (۴۳۶) در مجمع البيان روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله ختنه شده از مادر متولد گردید.

(۵) (۴۳۷) حلیمه سعدیه (دایه آن حضرت) گوید: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله را در گرمی آفتاب بیرون نبردم مگر آنکه ابری بر آن حضرت سایه می‌افکند، و همچنین آن حضرت را ابر از هوای بارانی نگهداری می‌کرد.

(۶) (۴۳۸) علی علیه السلام در حدیثی فرمود: از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد تا روزی که از دنیا رفت، در حضر و سفر، پیوسته ابری بر آن حضرت سایه می‌افکند ...

در طفویلت، حکمت و دانش به وی داده شد، و با آنکه میان بت پرستان و هوا داران شیطان زندگی می‌کرد هرگز به بتی متمایل نشد، و در اعیاد بت پرستان شاد نبود، و هرگز دروغی از آن حضرت شنیده نشد ...

(۷) (۴۳۹) ابو طالب (عموی پیغمبر) گوید: هرگز از رسول خدا صلی الله علیه و آله دروغی نشنیدم، و خلقی از اخلاق جاهلیت در او ندیدم، خنده بی‌جایی از او مشاهده نکردم. با کودکان بازی نمی‌کرد و به آنان علاوه نشان نمی‌داد، و تنها بی و تواضع بهترین چیزها نزد او بود.

(۸) (۴۴۰) حلیمه سعدیه گوید: هر وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوابید چشمهاش چنان می‌نمود که باز و لبهاش در حال خنده است، و گرما و سرما آسیبی به او

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۴

نمی‌رسانید.

(۱) ۴۴۱) علی علیه السیلام فرمود: از هنگامی که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از شیر گرفته شد، خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگان خویش را همراه آن حضرت قرار داد که شب و روز راه مکارم و بهترین اخلاق جهانیان را به آن حضرت نشان می‌داد. من همیشه مانند کودکی که دنبال مادر به راه افتاد از آن حضرت پیروی کرده و سایه به سایه او می‌رفتم. هر روز از اخلاق خود چیزی برایم آشکار می‌ساخت و مرا امر می‌کرد تا از او پیروی کنم. در هر سال اوقاتی را در کوه «حراء» مجاور می‌شد و غیر از من کسی او را نمی‌دید ... هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل شد ناله شیطان را شنیدم، عرض کردم: یا رسول الله، این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستش شدن نامید گردید. [ای علی] آنچه من می‌شنوم تو می‌شنوی، و آنچه من می‌بینم تو می‌بینی جز آنکه پیامبر نیستی ...

(۲) ۴۴۲) امام باقر علیه السیلام در تفسیر این آیه شریفه «خداؤند دانای غیب است و کسی را از غیب خود آگاه نمی‌سازد مگر آن کس را که بپسندد و او پیامبر است، که از پیش رو و پشت سرش نگاهبانانی روانه می‌سازد.» ۱) فرمود: خدای متعال بر انبیاء خود فرشتگانی می‌گمارد تا کارهای آنان را (از خطای) محافظت کنند و آنان را در تبلیغ رسالت یاری دهند. و از روزی که رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از شیر گرفته شد خداوند فرشته بزرگی را بر آن حضرت موکل ساخت که او را به خیرات راهنمایی می‌کرد و به اخلاق نیک و امیداشت و از شر و اخلاق بد نگاهداری می‌نمود.

(۳) ۴۴۳) امام صادق علیه السیلام فرمود: زلیخا از حضرت یوسف علیه السیلام اجازه ملاقات خواست ... یوسف به زلیخا فرمود: چه باعث شد که به آن کار ناروا اقدام کنی؟ گفت: زیبایی روی تو. یوسف علیه السلام فرمود: اگر پیغمبر آخر الزمان «محمد صلی اللہ علیه و آله» را بینی چه می‌کنی؟ او از من زیباتر، اخلاقش بهتر و سخاوتش بیشتر خواهد بود.

(۱) سوره جن / ۲۶ و ۲۷.

آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام ،ص: ۲۰۵

(۱) ۴۴۴) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: یوسف علیه السلام زیباتر از من بود، ولی من با نمک‌تر از اویم.

(۲) ۴۴۵) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از جهت چاقی معتدل بود، ولی در اواخر عمرش اندکی چاق شده بود. گوشت بدنش چنان محکم و جمع بود که گویی پیری در وی اثر نکرده است.

(۳) ۴۴۶) علی علیه السیلام در جواب پرسش‌های رئیس و بزرگ یهود فرمود: مهر نبوت میان دو کتف رسول خدا صلی اللہ علیه و آله قرار داشت و بر آن دو سطر نوشته بود: سطر اول «لا اله الا الله»

و سطر دوم

«محمد رسول الله»

(۴) ۴۴۷) میان دو کتف آن حضرت مهر نبوت قرار داشت که نور آن بر نور آفتاب غلبه داشت و بر آن نوشته بود: «خدایی جز خدای یکانه نیست که شریکی ندارد. هر جا خواستی برو که تو منصور و یاری شده‌ای» ۱).

(۵) ۴۴۸) در مسجد البیضا گوید: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله چهارشانه بود و مهر نبوت میان دو کتف آن حضرت نزدیک شانه راست او قرار داشت، در آن مهر خالی سیاه متمایل به زردی که اطراف آن را موهای متراکمی مانند یال اسب گرفته بود به چشم می‌خورد.

- \* امام باقر علیه السلام فرمود: آن حضرت خالی به رنگ دیباي سیاه بر گونه داشت.
- (۶) ۴۴۹) جابر بن سمره گوید: مهر نبوتی که میان دو کتف رسول خدا صلی اللہ علیه و آله قرار داشت برآمدگی سرخ رنگی به اندازه تخم کبوتر بود.
- (۷) ۴۵۰) علی علیه السلام فرمود: کسی را مانند رسول خدا صلی اللہ علیه و آله ندیدم که دو کتفش از هم فاصله زیاد داشته باشد (و این علامت شجاعت است).
- (۸) ۴۵۱) گردن رسول خدا صلی اللہ علیه و آله از همه زیباتر بود، نه خیلی بلند بود و نه کوتاه.

- (۱) مراد از کتابت در این حدیث و حدیث قبل، کتابت ظاهری نیست چنان که از احادیث بعد معلوم می‌شود.
- آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۶
- (۱) ۴۵۲) علی علیه السلام فرمود: صورت رسول خدا صلی اللہ علیه و آله گرد بود.
- (۲) ۴۵۳) علی علیه السلام فرمود: بر لب زیرین رسول خدا صلی اللہ علیه و آله خالی نقش بسته بود.
- (۳) ۴۵۴) علی علیه السلام فرمود: حدقه چشم رسول خدا صلی اللہ علیه و آله سیاه بود.
- (۴) ۴۵۵) از جابر بن سمره پرسیدند: آیا در سر مبارک رسول خدا صلی اللہ علیه و آله موی سفیدی دیده می‌شد؟ گفت: در سر آن حضرت جز چند تار موی سفیدی که در فرق مبارک او بود و با روغن زدن پنهان می‌گشت موی سفید دیگری وجود نداشت.
- (۵) ۴۵۶) بر شکم رسول خدا صلی اللہ علیه و آله شکنهايی- چين خوردگی هايي- وجود داشت، يكى زير لباس پنهان می‌گشت و دوتای دیگر نمایان بود.
- (۶) ۴۵۷) علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله جلالت و هیبتی خاص داشت.
- (۷) ۴۵۸) رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در چشم هر بیننده با وقار و بزرگ می‌نمود.
- (۸) ۴۵۹) علی علیه السلام در پاسخ سؤالهای یهودی فرمود: چون رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در مجلسی می‌نشست از اطراف آن حضرت نوری می‌درخشید که همه آن را می‌دیدند.
- (۹) ۴۶۰) امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی اللہ علیه و آله در شبهاي تاريک نوری دیده می‌شد گويي پاره ماه است.
- (۱۰) ۴۶۱) يكى از خواص رسول خدا صلی اللہ علیه و آله اين بود که چون می‌خواست به دیدار قومی برود جلوتر نوری به خانه آنان سبقت می‌گرفت.
- (۱۱) ۴۶۲) پسر عمر خطاب گوید: کسی را ندیدم که سخنی تر و شجاع تر و سلحشورتر از رسول خدا صلی اللہ علیه و آله باشد.
- (۱۲) ۴۶۳) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله سه خصلت داشت که دیگران نداشتند: آن حضرت سایه نداشت. از راهی عبور نمی‌کرد مگر اينکه پس از سه روز کسانی که از آنجا می‌گذشتند از عطر عرق آن جناب متوجه می‌شدند که ايشان از آن محل گذشته است. آن حضرت بر هیچ سنگ و درختی نمی‌گذشت جز آنکه به آن حضرت سجده می‌کرد.
- آداب، سنن و روشن رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۷
- (۱) ۴۶۴) در شب تاريک پيش از آنکه مردم آن حضرت را بینند از بوی عطر آن جناب را می‌شناختند و می‌گفتند: اين رسول خدا صلی اللہ علیه و آله است.
- (۲) ۴۶۵) از اسحاق بن راهويه نقل شده که اين بوی خوش، بوی عرق رسول خدا صلی اللہ علیه و آله بود بدون آنکه عطر استعمال کند.

- (۳) (۴۶۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در ظرف آب، آب دهان می افکند و مردم از آن بویی خوشتراز مشک می شنیدند.
- (۴) (۴۶۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: هر کس بخواهد عطر مرا استشمام کند گل سرخ (گل محمدی) را ببوید.
- (۵) (۴۶۸) سلیم (سلمہ فرزند ام سلمہ) گوید: روزی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بر ما وارد شد و نزد ما به خواب نیم روزی فرو رفت. مادرم شیشه‌ای آورد و شروع کرد عرق رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ را در آن جمع کردن. آن حضرت از خواب بیدار شد و فرمود: ای ام سلمہ، چه می کنی؟ عرضه داشت: این عرق شماست که در عطیریات خود داخل می کنیم و این از بهترین اقسام عطرهای ماست. آن حضرت فرمود: درست گفتی.
- (۶) (۴۶۹) چون رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ با کسی راه می رفت هر چند که آن کس بلند قد بود، آن حضرت یک سر و گردن از وی بلندتر به نظر می رسید.
- (۷) (۴۷۰) لباس کوتاه و یا بلند به اندام رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ اندازه بود، چون می پوشید اگر کوتاه بود بلند، و اگر بلند بود کوتاهتر می شد، گویا برای آن حضرت بریده شده است.
- (۸) (۴۷۱) هنگامی که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بر زمین نرم قدم می گذاشت اثر پایش در آن ظاهر نمی شد، و چون بر زمین سفت راه می رفت جای پایش معلوم می گشت.
- (۹) (۴۷۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ دیدگانش به خواب می رفت ولی قلبش نمی خوابید.
- (۱۰) (۴۷۳) پرنده بالای سر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ پرواز نمی کرد.
- (۱۱) (۴۷۴) مگس بر آن جانب نمی نشست و حشرات زهردار و بی‌زهر به آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۸؛ آن حضرت نزدیک نمی شدند.
- (۱) (۴۷۵) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از پشت سر نگاه می کرد چنان که از پیش رو نگاه می کرد، و از پشت سر می دید چنان که از پیش رو می دید.
- (۲) (۴۷۶) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ در خواب می شنید چنان که در بیداری می شنید.
- (۳) (۴۷۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از روزی که خدا او را آفرید بوی بد از وی به مشام نرسید.
- (۴) (۴۷۸) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ هر گز محظوم نشد.
- (۵) (۴۷۹) هر حیوانی که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بر آن سوار شد هر گز پیر نگشت و بر آن حال باقی ماند.
- (۶) (۴۸۰) مردم به وجود مبارک رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ استشفاء می کردند.
- (۷) (۴۸۱) هیچ کس تاب مقاومت با رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ را نداشت.
- (۸) (۴۸۲) سلیمان بن خالد گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: مردم می گویند: اگر علی علیه السلام حق در خلافت داشت چرا قیام نکرد تا حق خویش را بگیرد؟ آن حضرت فرمود: خدای متعال این موضوع (به تنهایی قیام کردن بدون اینکه یاوری داشته باشد) را فقط بر یک نفر واجب کرده بود آن هم رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بود چنان که خدای متعال فرمود: «پس در راه خدا کارزار کن و این تکلیف خود توست، و مؤمنین را به جنگ ترغیب کن»<sup>(۱)</sup>. این تکلیف تنها برای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ بود، ولی در باره دیگران فرمود: «در جنگ عقب‌نشینی جایز نیست مگر برای کسی که بخواهد برای ادامه جنگ جای خود را در میدان عوض کند و یا به جمعیتی ملحق شود و از آنان یاری بجوید»<sup>(۲)</sup>.
- سپس امام صادق علیه السلام فرمود: در آن روز (روز غصب خلافت) جمعیتی نبود که علی علیه السلام را در امر خلافت یاری کند

[و الّا قیام می کرد.]

(۱) نساء / ۸۴.

(۲) انفال / ۱۶.

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۰۹

(۱) در روی زمین کسی داناتر از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نبود.

(۲) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله هنگام نزول وحی گرفته می شد و رنگ چهره اش تغییر می کرد و سر به زیر می انداخت.

(۳) از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آن حالت غشوه و بی خودی که به رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دست می داد آیا هنگامی بود که جبرئیل بر آن حضرت نازل می گردید؟ فرمود: نه، جبرئیل هنگامی که نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله می آمد بدون اجازه داخل نمی شد و چون خدمت آن حضرت می رسید مانند بنده ای در حضور رسول خدا می نشست. بلکه آن حالت موقعي بود که خدای - عز و جل - بدون واسطه با آن جناب سخن می گفت.

(۴) به امام صادق علیه السلام عرض شد: آیا برای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله دو حال بود که گاه می فرمود: جبرئیل گفت، و این جبرئیل است که چنین امر می کند؛ و گاه بیهوش می گردید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که وحی الهی بدون واسطه جبرئیل صورت می گرفت، به جهت سنگینی وحی مستقیم از خداوند حالت غشوه بر آن حضرت عارض می شد. اما هنگامی که به واسطه جبرئیل بود این سنگینی به او دست نمی داد، لذا می فرمود: جبرئیل گفت، و این جبرئیل است [که چنین دستور آورده است].

(۵) هنگامی که وحی بر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نازل می شد صدای همانند صدای زنبور عسل از مقابل صورتش شنیده می شد. و در روزهای خیلی سرد وقتی وحی بر آن حضرت نازل می شد و تمام می گشت، بر پیشانی مبارکش دانه های عرق نمایان می شد.

(۶) جبرئیل شصت هزار مرتبه بر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله نازل گردید.

(۷) رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله ضمن حدیثی فرمود: جبرئیل هر سال همه قرآن را یک بار بر من می خواند، لیکن امسال (که سال آخر عمر من است) آن را دو بار بر من

آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۰

خوانده است.

(۱) مفضّل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره علم امام سؤال کرده، گفتم: با اینکه امام در خانه خود نشسته و پرده ها انداخته شده چطور از آنچه در اطراف عالم اتفاق می افتد خبر دارد؟ حضرت فرمود: ای مفضّل، خداوند - تبارک و تعالی - در وجود رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله پنج روح قرار داده بود: (۱) «روح الحیاء»

که با آن جنب و جوش داشت. (۲)

«روح القوّة»

که با آن کار و کوشش می کرد.

(۳)

«روح الشهوّة»

که با آن می‌خورد و می‌آشامید و با همسران حلال خود آمیزش می‌کرد. ۴)

«روح الایمان»

که با آن ایمان آورد و در میان مردم به عدالت رفتار می‌نمود. ۵)

«روح القدس»

که به وسیله آن حامل نبوت گشته بود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات کرد

«روح القدس»

به امام علیه السلام انتقال پیدا کرد، و روح القدس خواب و غفلت و کار بیهوده و باطل ندارد اما این حالات به چهار روح دیگر دست می‌دهد، و امام به وسیله روح القدس آنچه را در عالم است می‌بیند.

(۱) ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام از معنای «روح من امرنا» که در این آیه شریفه: و كذلك او حیناً اليك روح من امرنا ما كنت تدری ما الكتاب ولا الايمان «۱» آمده پرسیدم، حضرت فرمود: آن «روح» آفریده‌ای است از آفریده‌های خدای- عز و جل - که از جبرئیل و میکائیل بزرگتر است و همیشه با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه بود و آن حضرت را از واقعی آگاه و در کار خویش تقویت می‌کرد و این روح پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه با ائمه علیهم السلام می‌باشد.

(۲) امام صادق علیه السلام فرمود: آن «روح» غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله با هیچ یک از پیامبران گذشته نبوده است.

(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: در شب معراج هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به

(۱) سوری / ۵۲: «و این گونه روحی از امر خود را به تو وحی کردیم، تو پیش از آن نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست».

آدَابٌ، سُنَّةٌ وَرُوشٌ رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۱

آسمان برده شد، جبرئیل رسول خدا صلی الله علیه و آله را به مکانی رسانید و خود از آن حضرت جدا گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل، در چنین حالی مرا تنها می‌گذاری؟! جبرئیل گفت: به راه خود ادامه ده، به خدا سوگند به جایی قدم نهاده‌ای که بشری به آنجا قدم ننهاده و پیش از تو هیچ بشری سیرش به آنجا نرسیده است.

(۱) سلمان فارسی رحمه الله گوید: جبرئیل به پیامبر گفت: سوگند به خدایی که تو را به نبوت مبعوث کرد، اینجا مقامی است که هیچ پیامبر مرسلاً و فرشته مقربی به آن قدم ننهاده است.

(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [در شب معراج] سوار «براق» شدم و رسیدم به آن حجابی که بعد از آن خدای رحمان بود (بین من و خدا تنها یک حجاب فاصله بود «۱»).

(۳) محمد بن فضیل گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام پرسیدم: آیا هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله پروردگارش را دید؟ فرمود: آری، با قلب خود پروردگارش را دید؛ مگر سخن خدای متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «دل آنچه را دیده دروغ نگفته است» «۲». او خدا را هرگز با دیدگان ظاهر ندید ولی با چشم دل دید.

(۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [در معراج] پروردگارم را [به چشم دل] دیدم و میان من و او فقط جلال وی حائل بود.

(۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا با خداوند وقتی هست که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسلاً و بنده‌ای که خداوند دلش را به ایمان آزموده است قدرت تحمل آن حال را ندارد [چه رسید به دیگران].

(۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث معراج فرمود: چون به آسمان هفتم رسیدم و تمام فرشتگان آسمانها که همراه من بودند و جبرئیل و فرشتگان مقرب از

(۱) باید توجه داشت که منظور، قرب معنوی است نه قرب مکانی.  
 (۲) نجم / ۱۱.

آداب، سنت و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، ص: ۲۱۲:

ادامه راه بازماندند و رسیدم به حجاب پروردگارم، در میان هفتاد حجاب داخل شدم که بین هر حجابی با حجاب دیگر حائلهایی از عزت و قدرت و بها و کرامت و کبیریا و عظمت و نور و ظلمت و وقار قرار داشت تا آنکه به حجاب جلال رسیدم و با پروردگار خود مناجات کرده، در حضور وی ایستادم ...

(۱) ۵۰۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ روز و شبی نیست مگر آنکه تحفه‌ای از جانب خدای متعال در آن به من می‌رسد.

(۲) ۵۰۱ امام صادق علیه السلام می‌فرمود: به حضرت عیسی علیه السلام دو حرف [از علم الهی] داده شده بود و با آن دو حرف کار می‌کرد، و به حضرت موسی علیه السلام چهار حرف، و به حضرت ابراهیم علیه السلام هشت حرف، و به حضرت نوح علیه السلام پانزده حرف، و به حضرت آدم علیه السلام بیست و پنج حرف داده شده بود و خداوند متعال همه آنها را در وجود حضرت محمد صلی الله علیه و آله جمع کرده بود. و اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است که هفتاد و دو حرف آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله عطا کرد و یک حرف دیگر از او پنهان داشته شد.

پایان

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُتُبْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و بریا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالى فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عame مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگرین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شباهت منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشد.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب، جزو و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه‌ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سه‌ماهه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پاورپوینت، اینیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۰۵۳۵)

ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/ خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفاتی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۱۵۲۰۰۶۰۱۰۸۶۰۲۶ شناسه ملی: ۲۳۷۳

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ فکس ۰۳۱۱-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش امور کاربران ۰۴۵-۲۲۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از این‌رو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاء الله.

شماره حساب ۰۹۵۳، شماره کارت: ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۰۶۲۷۳-۰۴۵-۵۳۳۱-۰۴۵-۰۶۲۷۳ و شماره حساب شبا: ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰-۰۶۲۱

۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنّت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بندۀ بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بعدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مستند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».